

پرونده ویژه: دانشگاه و سبک زندگی

عبدالرضا آتشین صدف

اشاره

دانشگاه یکی از نهادهای مهم و موثر در اصلاح و ترویج سبک زندگی جامعه به شمار می‌رود اصلاح سبک زندگی دانشگاهیان پله اول برای نقش آفرینی بهتر این نهاد در جامعه است. از مهمترین مسائل و مباحث رایج در سبک زندگی دانشجویی می‌توان به آموزش و پژوهش در دانشگاه، دین و زندگی دینی، ازدواج دانشجویی، روابط دختر و پسر، نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری اشاره کرده. در پرونده ویژه این شماره سعی شده به بررسی مهمترین آسیب‌ها و راهکارهای حل آن‌ها پرداخته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی
مجله جامع علوم انسانی

چیستی، رسالت و اهداف دانشگاه

اول) معنای دانشگاه

دانشگاه به معنای محل دانش و علم و معادل کلمه یونیورسیتی است. دانشگاه در لغت بر محل دانش تأکید دارد و صرفاً محل درس دادن (مدرسه) نیست. امروزه دانشگاه یک واژه چند معنایی است: محل آموزش، محل ارائه درس، محل تربیت کارشناسان مورد نیاز سازمان‌ها، محل پژوهش، محل نقادی سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی، و محل اندیشه‌ورزی، خلاقیت و نوآوری.

«دانشگاه» به محلی اطلاق می‌شود که وارده‌های آن شامل سرمایه ساختمان، تجهیزات، برنامه، امکانات، نیروی انسانی و است. دانشگاه شامل آموزش، پژوهش، خدمت، و انتقال میراث فرهنگی، علوم و فنون است. خروجی‌های دانشگاه نیز شامل نیروی انسانی متخصص و ماهر در زمینه‌های مختلف، اختراع، اکتشاف و نوآوری علمی و گسترش دامنه علم و دانش است.

دوم) تاریخ تأسیس دانشگاه‌ها در غرب

در حوزه جهان اسلام «نظامیه» و «جامع الازهر» نمونه‌های روشنی از آموزش عالی بوده‌اند. مدارس اسلامی در شهرهای مختلف، از سمرقند در ماوراء النهر تا اشبیلیه در اندلس و نظامیه‌های نیشابور، اصفهان و بغداد و بسی جلوتر جامع الازهر، الگوی پیشرفته‌ای در دوران خود بودند که هم ناقل علوم بودند و هم دست‌اندرکار تکامل دانش و فرهنگ.

حرکت مدارس اسلامی با ورود مغولان متوقف شد و جامعه اسلامی از تکاپوی فرهنگی بازماند. در سوی دیگر جهان، تقریباً مقارن با جنگ‌های صلیبی، ابتدا در ایتالیا و اسپانیا و سپس



در فرانسه مجموعه‌های فرهنگی تازه‌ای پا به عرصه وجود گذاشت که بعداً عنوان یونیورسیتیه پیدا کردند.

اولین مجموعه آموزشی بالاتر از تعلیمات عمومی که به موضوعاتی چون حقوق، طب و فنون می‌پرداخت، در اواخر قرن دوازدهم در شهر بولونیای ایتالیا شکل گرفت که رئیس آن اسقف اعظم آن شهر بود. در اوایل قرن سیزدهم نیز اتحادیه محصلان نواحی آلپ جنوبی تحت عنوان یونیورسیتیه شکل گرفت. اتحادیه‌های دیگری نیز در همین قرن در نقاط دیگر ایتالیا به وجود آمد که هدف آنها منافع صنفی دانشجویی به وجود بود. در واقع یونیورسیتیه از تشکل‌های دانشجویی به وجود آمد. در اواخر قرن سیزدهم شهرهای ناپل و روم دارای مؤسسات آموزشی حقوقی و طب و هنر شد. دانشگاه شهر سویل ایتالیا در اواسط قرن سیزدهم تأسیس شد و در آن زبان عربی نیز تدریس می‌شد. در آن زمان‌ها حقوق استادان را شهرداری‌ها پرداخت می‌کردند، اما انتخاب استاد با دانشجویان بود.

سوم) روند تأسیس دانشگاه در ایران

مرکز بزرگ آموزشی جندی شاپور، که در زمان ساسانیان در منطقه خوزستان تأسیس شده بود، را باید نخستین مرکز از نوع دانشگاه بدانیم؛ جایی که، به‌ویژه در حوزه پزشکی، از توسعه‌یافته‌ترین نهادهای زمان به‌شمار می‌رفت. در طول دوره اسلامی، ایران همواره مرکز آموزش و پژوهش رشته‌های مختلف، از طب و نجوم گرفته تا فقه و تفسیر و فلسفه و کلام، بوده است. در این دوره، هم ریاضی‌دانان بزرگ، هم فلاسفه صاحب‌نام و هم فقه‌های توانایی یادگارهای علمی فراوانی از خود به‌جا گذاشته‌اند که مجموعه آثار آنها بخشی از فرهنگ عظیم بشری به‌شمار می‌رود. پس از سقوط خوارزمشاهیان (از ابتدای قرن هفتم هجری) و استیلای مغول بر ایران، که دو قرن و نیم طول کشید، بسیاری از مدارس و کتابخانه‌ها ویران شد و بسیاری از دانشمندان به قتل رسیدند. البته به دلیل وجود افراد دانشمند و خیرخواهی که در دستگاه حکومتی مغول وجود داشتند، بعضی از مدارس علمی توانستند به حیات خود ادامه دهند.

در دوران صفویه ساختن مدارس و تربیت دانشمندان، گسترش چشمگیری یافت و علوم دینی و هنر (معماری، کاشی‌کاری، نقاشی، قالی‌بافی، خطاطی، مخمل‌بافی و...) بیشتر از بقیه علوم مورد توجه قرار گرفت و به علمی همچون طب، کشاورزی، فلسفه و... کم‌مهری شد. در این دوران، علوم مختلف در مساجد، مکتب‌خانه‌ها، مدارس و حوزه‌های علمیه تعلیم داده می‌شد. گرچه مدارس این دوران عمدتاً محل تدریس و تحصیل علوم دینی بود، ولی علوم دیگر هم در آنها تدریس می‌شد. تا این زمان دانشگاه اسلامی به مفهوم واقعی آن وجود داشت. به نظر می‌رسد بهترین الگو برای دانشگاه اسلامی، دانشگاه‌ها

و مدارس این زمان هستند؛ زیرا گرچه علوم غیردینی از نظر محتوا جدای از علوم اسلامی بودند، ولی هدف این علوم و شیوه تدریس آن همانند علوم اسلامی بود.

اولین نمود آموزش به صورت جدید، با تأسیس مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ قمری اتفاق افتاد. دارالفنون مادر دانشگاه‌های جدید ایران است. این مدرسه هفت دانشکده در رشته‌های ادبیات، ریاضیات و مهندسی، طب و داروسازی، نظام و موزیک، معدن‌شناسی و هنرهای زیبا داشت. بعد از دارالفنون مدرسه علوم سیاسی در سال ۱۲۷۷ شمسی، مدرسه فلاحت در سال ۱۲۷۹ شمسی، مدرسه عالی پرستاری مسیحی میسیونر سال ۱۲۸۶ شمسی، مدرسه عالی حقوق در سال ۱۲۲۹ شمسی، امریکایی در سال ۱۲۹۵ شمسی، دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۲۹۷ شمسی، مدرسه عالی حقوق در سال ۱۲۲۹ شمسی، مدرسه عالی فلاحت در سال ۱۳۰۱ شمسی، مدرسه تجارت در سال ۱۳۰۵ شمسی، دارالمعلمین عالی در سال ۱۳۰۷، مدرسه دامپزشکی در سال ۱۳۱۶ شمسی تأسیس شد.

در سال ۱۳۱۰ دکتر صدیق برای مطالعه در امور آموزش و پرورش آمریکا از سوی دولت امریکا به آن کشور دعوت شد. وی پس از بازگشت، طرح تأسیس دانشگاه را تقدیم دولت کرد. سرانجام در سال ۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه به تصویب مجلس شورای ملی رسید و دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۱۵ با شش دانشکده تأسیس شد.

چهارم) رسالت و اهداف دانشگاه

نظام‌های آموزش عالی در جهت نیل به اهداف مشخصی فعالیت می‌کنند و رسالت و مأموریت ویژه‌ای دارند. اغلب

صاحب‌نظران رسالت آموزش عالی را در ارتباط با آرمان‌ها و نظام ارزشی جامعه در امر تولید و غنابخشی به دانش و فرهنگ، تربیت نیروی متخصص و حل مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. حتی در وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب سال ۱۳۸۰ اعتلای موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور و تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی و اسلامی، و اعتلای جلوه‌های هنر و زیباشناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی دیده شده است.

اولین مجموعه آموزشی بالاتر از تعلیمات عمومی که به موضوعاتی چون حقوق، طب و فنون می‌پرداخت، در اواخر قرن دوازدهم در شهر بولونیای ایتالیا شکل گرفت که رئیس آن اسقف اعظم آن شهر بود.

دکتر علی تقی‌پورظهیر هدف‌های اساسی آموزش عالی را به شرح زیر برشمرده است:

- ۱- ارتقای سطح دانش و معرفت و ابداع دانش جدید؛
- ۲- انتقال دانش، یعنی آموزش علوم و فنون در سطح پیشرفته؛
- ۳- تربیت نیروی انسانی متخصص برای دنیای کار؛
- ۴- ارائه خدمات علمی و فنی؛
- ۵- فراهم آوردن امکان آموزش مستمر برای دانش‌آموختگان دانشگاه؛
- ۶- تربیت دانشمندان، پژوهشگران و مدیران برای ابداع و توسعه دانش و تکنولوژی و هماهنگی فعالیت‌ها به منظور نوسازی جامعه و ایجاد تغییرات و تحولات عمیق در نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه.

در عصر جدید نقش تازه‌ای بر دوش دانشگاه‌ها قرار داده شده است. بر اساس این، نقش و وظیفه دانشگاه علاوه بر تولید فناوری، حفظ مزیت‌های فرهنگی، نوآوری در حوزه دستاوردهای انسانی و احیای تمدنی خواهد بود. این اندیشه نیازمند توجه دانشگاه به وظایف خود در تمامی عرصه‌های تمدنی است؛ یعنی دانشگاه با وسعت‌نظر در حوزه سیاست‌گذاری بتواند هم ضرورت‌های فناورانه تمدنی را پیگیری کند و هم الزامات فرهنگی و انسانی آن را از نظر دور ندارد. رسالت اصلی این طرح، تربیت همه‌جانبه نسلی دیندار و دانش‌پژوه است؛ نسلی مادی و معنوی، نسلی اخلاقی و علمی، نسلی که بتواند تمدن جدید و سبک زندگی اسلامی و ایرانی را محقق سازد. متأسفانه آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران با تمامی سابقه تمدنی خود، در جایگاهی نیست که بتواند به رسالت و وظیفه‌ای که بر عهده دارد، جامه عمل ببوشاند. روبرویی با علم و فرهنگ جدید غرب که از قرن نوزدهم میلادی آغاز شد، موجب طرد سنت‌ها و فرهنگ اسلامی شد و استقرار نظام آموزشی به سبک غربی را جایگزین آن کرد.

منابع:

۱. لغت‌نامه دهخدا.
۲. ایمانی، مهدی و صدرالدین شریعتی، زمستان ۱۳۹۰، «نقش دانشگاه اسلامی - ایرانی در تولید علم دینی»، علوم اجتماعی، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۴۹.
۳. سید جمال الدین طبیبی، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، «نقش دانشگاه و پژوهش در توسعه ملی»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸.
۴. اسلامی شدن دانشگاه، کلام اسلامی، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۷۵.
۵. فعلی، سعید و غلامرضا پزشکی‌راد و محمد چیدری، زمستان ۱۳۸۵، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۲، شماره ۴ (۴۲).



بالمایی برای پرواز

وحدت حوزه و دانشگاه

وحدت حوزه و دانشگاه

یکی از آرمان‌های مهم انبیای الهی و پیشوایان دین، ایجاد اتحاد و وحدت در بین مردم، به ویژه افراد اثرگذار و برجسته جامعه ایمانی، است. قرآن کریم همه پیروان پیامبران الهی را به وحدت بر محور توحید دعوت فرموده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را

نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم». همچنین قرآن کریم همه مؤمنان را به یکپارچگی در پناه دین فراخوانده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید».

بدون تردید یکی از راه‌های تسلط دشمن بر مسلمانان، ایجاد اختلاف و جدایی میان آنان است. از این رو خداوند منافقان، که با نیرنگ و خدعه در امت اسلام تفرقه می‌افکندند، را سرزنش کرده و مسجد آنان را زمینه‌ساز این

پدیده شوم خوانده و فرمان تخریب آن را صادر فرموده است: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْصَاداً لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ؛ و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمین‌گاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود». پیامبر خدا(ص) در مورد ضرورت وحدت و نفی تفرقه فرموده است: «ایها الناس علیکم بالجماعه و ایاکم والفرقه؛



ای مردم! بر شما باد به جماعت و بپرهیزید از اختلاف و تفرقه».

قدرت‌های استعماری پیوسته کوشیده‌اند بین مردم اختلاف بیندازند؛ لذا ایده «تفرقه بینداز و حکومت کن» از کلیدهای مهم و حیاتی سلطه‌جویان است. در تاریخ شیعه پس از غیبت امام عصر(عج)، پیوند متقابل مردم و روحانیت یکی از عوامل مهم وحدت و مقاومت در برابر طاغوت و تجاوزگری‌ها بوده است. نهضت‌های مهمی چون قیام سربداران، قیام جنگل، نهضت تنباکو، مبارزات شهید مدرس و آیت‌الله کاشانی، و قیام امام خمینی (ره) که در

خرداد ۴۲ آغاز شد و در بهمن ۱۳۵۷ به بار نشست، نشان‌دهنده ارزش عمیق و ماندگار این وحدت و همراهی است.

اتفاق و همدلی حوزه، به عنوان تجلی و نمود علوم و ارزش‌های دینی، و دانشگاه، به عنوان جایگاه علوم تجربی، زمینه‌ساز وحدت همه آحاد جامعه و منشأ خیرات و برکات فراوان برای امت اسلام است. به همین دلیل امام خمینی (ره) با دید نافذ و ژرف در تعالیم اسلامی و تجربه گذشته امت، بارها و به مناسبت‌های مختلف بر این امر حیاتی تأکید ورزیده‌اند. ایشان جدایی دانشگاه

از حوزه‌های علمیه را خیانتی بزرگ و پیوند و آشتی آنها را یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب دانسته‌اند. ایشان از اینکه افراد این دو قشر به ضرورت ارتباط با یکدیگر پی برده‌اند، اظهار خشنودی کرده و فرموده‌اند: «اگر انقلاب فقط همین ثمره را بار می‌آورد، کافی بود». رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند: «حوزه و دانشگاه، مکمل یکدیگر و دو ستون اصلی پیکر جامعه‌اند».

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، پیوسته روابط این دو قشر تأثیرگذار، صمیمانه‌تر و به وحدت و یگانگی نزدیک‌تر شد. البته در برخی از موارد، دست‌های پنهان استکبار اختلافاتی در این صفا و محبت به وجود آورد؛ اما هرگز نتوانست خلائی کارساز در این روابط ایجاد کند. با وجود این، هنوز وحدت حوزه و دانشگاه به حد مطلوب خود نرسیده است و موانع متعددی در راه رسیدن به درجه ایده‌آل آن وجود دارد.

وحدت هرچه بیشتر حوزه و دانشگاه، ثمرات و نتایج فراوانی به بار خواهد آورد که از جمله آنها می‌توان به گسترش خدامحوری، اخلاق، انسان‌دوستی،

همکاری در امور خیر، رقابت سازنده و... اشاره کرد. رهبر انقلاب می‌فرماید: «فلسفه اصلی وجود روحانیت در دانشگاه، هدایت به صراط مستقیم است».

اول) چیستی وحدت دانشگاه و حوزه

در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه «وحدت» آمده است: «یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، انفراد، تنهایی، یکی، عینیت، اتحاد». مولوی در مورد بنیان وحدت‌گرای مثنوی می‌گوید:

مثنوی ما دکان وحدت است
غیر وحدت هرچه بینی آن بت است
وحدت اندر وحدت است این مثنوی
از سمک رو تا سماک معنوی

بنابراین وحدت در لغت به معنای یگانگی و یکی شدن است.

وحدت در اصطلاحات علوم گوناگون، معانی دیگری نیز به خود می‌گیرد. بدیهی است مراد از وحدت حوزه و دانشگاه، یکی شدن آنها و یکتایی به معنای لغوی و وحدت فلسفی و وجودی نیست. این کار نه معقول است، نه ممکن. لذا برخی معتقدند استفاده از واژه «اتحاد» بهتر است؛ یعنی هماهنگی و انسجام این دو نهاد در عین حال که مشخصات و ویژگی‌های خود را دارند.

بنابراین آنچه مطلوب و ممکن است «اتحاد» و «انسجام» حوزه و دانشگاه است.

حضرت امام (ره) از وحدت مورد نظر خویش با نام «وحدت فکری و عملی» یاد می‌کنند که بیانگر تحقق وحدت در عرصه اندیشه و نگرش (عقیدتی و معنوی) و رفتار و کنش (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و روشی) است. همچنین سخن از احترام متقابل بین این دو نهاد به میان می‌آورند:

بدون

«با هم احترام متقابل داشته باشند»
که بیانگر اتحاد اخلاقی است.
بنابراین منظور امام (ره) از وحدت دوجانبه بین دو نهاد مستقل است. ایشان فرمود: «فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که به تجربه و لمس واقعیت‌ها بیشتر عادت کرده تا فرهنگ نظری و فلسفی؛ باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد».

ایشان همچنین فرمود: «ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم. یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز و حادث شونده در زندگی است که این حوزه است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فرا گرفتن احکام الهی در همه شئون زندگی، آن هم نه فقط در آنچه مربوط

به کنج محراب یا خانه است، بلکه در قلمرو وسیع زندگی بشر؛ این گروه باید این را یاد بگیرند، احکام جدیدش را تحقیق کنند، ناخالصی‌ها و ناسره‌ها را از آن بزدایند و

آن را با زبان مناسب در هر جامعه‌ای و هر زمانی و هر مخاطبی به رساترین شکل ممکن به مخاطبین برساند. این وظیفه آن نهاد حوزه‌ای است و اسمش حوزه علمیه است. یک نهاد دانشجویی دیگر داریم که این نهاد ناظر است به اداره امور زندگی مردم منتهای مسائل مربوط به دین. مردم معاش دارند، کسب دارند، راه دارند، ساختمان دارند،

جسم دارند، شناسایی‌های گوناگون لازم است. تحقیق در امور زندگی مردم لازم است. علوم مختلف و انواع و اقسام دانش‌ها، برای بهتر کردن و راه انداختن زندگی مردم، وجود دارد. این نهاد هم مشغول فراگیری این دانش‌هاست که اینها را فرا بگیرد و آنها را برای پیاده شدن در جامعه آماده کند. تحقیقات نو دنیایی را جذب کند و خودش به نوبه خود، تازه‌هایی در این دانش‌ها بیافریند و به بشریت عرضه کند. این هم یک نهاد دانشجویی دیگر. حالا اگر هر دوی این نهادها خوب کار کنند و با هم رابطه متقابل دوستانه و از خود دانستن یکدیگر داشته باشند، معنایش این خواهد شد که این جامعه، هم دینش، هم دنیایش آباد خواهد شد. آنها جهت‌گیری زندگی او را تصحیح می‌کنند و اینها حرکات زندگی او را تسهیل می‌کنند. آنها فکر و ذهن و روح او را از زشتی‌ها و نادرستی‌ها می‌آیند که بفهمد به کجا باید حرکت کند و اینها وسیله این حرکت را به دست او می‌دهند

تا حرکت کند».

نوم) روند تاریخی وحدت حوزه و دانشگاه

بعد از انقلاب فرهنگی در سال ۵۹، تلاش‌های زیادی در جهت رفع موانع فکری بین حوزه و دانشگاه صورت گرفته؛ مانند وارد کردن دروس معارف اسلامی در سیستم آموزشی دانشگاه‌ها و اضافه کردن برخی دروس علوم انسانی مانند اقتصاد، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در برخی حوزه‌های علمیه. امروزه شاهد شکل‌گیری برخی مراکز آموزش عالی و مؤسسات تحقیقی پژوهشی در سطح کشور، عمدتاً در تهران و قم، هستیم. از جمله می‌توان به اقدامات زیر اشاره کرد:

الف) راه‌اندازی «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» در سال ۱۳۶۱ با همکاری جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه در راه حق و ستاد انقلاب فرهنگی. در حال حاضر به پژوهشکده حوزه و دانشگاه تبدیل شده است.

ب) تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها»

(سمت) در سال ۶۳ جهت بازبینی و پالایش کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها که عموماً اقتباس یا ترجمه متون غربی بود. ج) راه‌اندازی مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی که عهده‌دار تربیت مبلغ برای داخل و خارج از کشور هستند.

د) تأسیس دانشگاه امام جعفر صادق(ع) تهران که جهت تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص برای امور اجرایی و مدیریتی کشور.

ه) تأسیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

هرچند زحمات زیادی در راستای وحدت حوزه و دانشگاه کشیده شده، اما به نظر می‌رسد نه حوزه و نه دانشگاه، از حداکثر توانمندی‌ها و پتانسیل‌های خود جهت ترویج آموزه‌های اصیل اسلامی متناسب با فرهنگ طلبه و دانشجو استفاده نکرده‌اند. شاید دغدغه به‌حق و قابل‌تأمل مقام معظم رهبری در راستای اسلامی کردن دانشگاه‌ها هشدار و تذکری باشد بر ناکارآمدی شیوه‌های اجرایی و عملیاتی وحدت حوزه و دانشگاه.

چهارم) عوامل جدایی حوزه و دانشگاه

در صد سال اخیر، که علم و صنعت

تفرقه و جدایی را ناشی از

منفعت‌طلبی گروهی، تن ندادن به حقیقت،

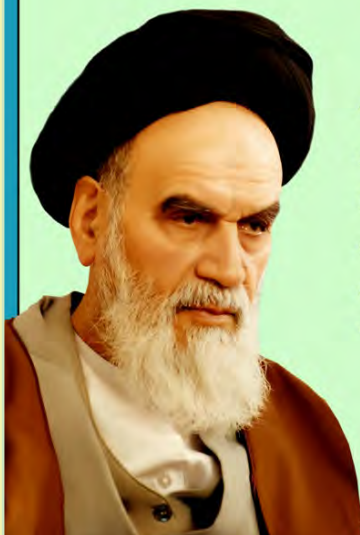
و موجب گسستن پیوند قلب‌ها، ابتلا به عذاب،

فاصله گرفتن از رسول خدا(ص) و مؤمنان،

و سستی و فرو ریختن ابهت و شکوه

معرفی کرده است.

وحدت حوزه و دانشگاه



اگر این نهضت، غیر از این یک خاصیت نداشت که بین طلاب علوم دینی و قشر دانشگاهی یک رابطه پیدا شد، اگر غیر از این ما هیچی نداشتیم این بالاترین چیزی بود که نتیجه‌ای بود که حاصل شد از این نهضت، اگر بگذارند بماند که باز این نتیجه باقی بماند. جدیت کنید

در دنیای غرب رشد اعجاب‌انگیزی پیدا کرده، در کشورهای مشرق زمین، از جمله ایران، برای اقتباس علم و صنعت غربی تلاش زیادی صورت گرفته است؛ اعزام دانشجویان برای تحصیل به غرب و ایجاد و گسترش دانشگاه‌ها و مراکز علمی به سبک و سیاق غربی از آن جمله‌اند. با این کار در نهاد تعلیم و تربیت قشر جدیدی به نام استادان دانشگاه به وجود آمد که به امر تعلیم و تربیت نسل جدید می‌پردازند. در جامعه نیز قشر تحصیلکرده دانشگاهی به وجود آمد که بیشتر داده‌ها و یافته‌هایش متأثر از فرهنگ غرب است. تولد و رشد این پدیده جدید (با مشخصاتی که داشت) باعث شد از طرف علمای دین - به طور خاص - و توده مردم - به طور عام - عکس‌العملی در جامعه ایجاد شود و نوعی رقابت و کشمکش بین قشر جدید - یعنی تحصیلکردگان دانشگاهی - از یک طرف و روحانیون از طرف دیگر به وجود آید. در مرحله بعدی به علت آشنایی بیشتر با تاریخ تفکر اجتماعی، سیاسی و فلسفی مغرب زمین و ایدئولوژی‌های سیاسی امروز دنیا، در بین تحصیلکردگان

دانشگاهی قشری شکل گرفت که آن را منورالفکر یا روشنفکر می‌نامند. روشنفکر دغدغه سرنوشت مردم در سر دارد و مدعی است رسالت وی نجات مردم از نابسامانی است. قشر تحصیلکرده و به طور خاص روشنفکران، که غالباً سکولارند، با بی‌اعتنایی به دین و علما موجب بی‌مهری علما و مردم نسبت به خود می‌شوند و از طرف دیگر در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز علمای دین آنها را رقیب خود می‌بینند؛ چون

به حکومت رسیدن روشنفکران در عرصه سیاسی کوتاه شدن دست علمای دین از این حوزه است؛ لذا دشمنی علما و مردم نسبت به آنها برانگیخته می‌شود. پس از مدتی از درون قشر «تحصیلکرده روشنفکر» قشر دیگری شکل گرفت که می‌توان آن را «روشنفکر دینی» نامید. روشنفکر دینی با دین عناد ندارد و رسالت روشنفکری خود را دفاع از دیانت در مقابل دیگر ایدئولوژی‌های فکر و سیاسی غیردینی و یا ضددینی می‌داند.

ممکن است تصور شود که در این مرحله مشکل حل خواهد شد، چون قشر روشنفکر دینی دیگر با دفاع از مذهب و دین، رقابت و یا کشمکی با روحانیان و علمای دین نخواهد داشت؛ اما این تصور نیز اشتباه است، چون روشنفکران دینی فکر می‌کنند با اندیشه‌های امروز دنیا آشنا تر هستند و ایدئولوژی‌های غیردینی و

ضددینی را بهتر از دیگران درک می‌کنند. به همین دلیل خود را در دفاع از اسلام و نجات نسل جوان محق‌تر و شایسته‌تر از بسیاری از روحانیان می‌دانند. ایشان با برداشت‌هایی که از دین ارائه می‌دهند موجب رنجش و ناراحتی روحانیان و علمای دین می‌شوند.

برخی از علمای دین دخالت روشنفکران دینی را در تبیین و تفسیر دین موجب مخدوش شدن حقایق دینی و آمیخته شدن آن با مکاتب دیگر تلقی می‌کنند و آن را دلیل رنجش خود از روشنفکران دینی می‌دانند. لذا علی‌رغم نزدیکی بخشی از تحصیلکردان روشنفکر به حوزه دین متأسفانه هنوز بین این دو قشر اختلاف و کشمکش



وجود دارد.

پنجم) راهکارهای ایجاد الگوی مطلوب وحدت حوزه و دانشگاه

برای رسیدن حوزه و دانشگاه به اتحاد مطلوب راهکارهای مختلفی در متون پژوهشی ارائه شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف) ایجاد کارگروه‌های مطالعاتی مشترک

ایجاد کارگروه‌هایی متشکل از علمای حوزه و دانشگاه، برای بررسی و پژوهش در مورد زمینه‌ها، عوامل، شیوه‌های تحقق وحدت بین این دو قشر و آسیب‌شناسی آن. در این کار مشترک علاوه بر ایجاد ارتباط علمی، توانایی‌ها و استعدادها هر یک از دو قشر نیز شناخته می‌شود و زمینه را برای همدلی

و صمیمیت فراهم می‌آورد. برگزاری نشست‌های کارشناسی مشترک و وجود علوم میان‌رشته‌ای، زمینه بسیار خوبی برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین حوزه و دانشگاه است.

ب) برنامه‌های اردویی مشترک

تشکیل اردوهای علمی، زیارتی و تفریحی مشترک می‌تواند در اعتلا و تقویت شناخت، همدلی و وحدت بین این دو قشر نقش بسزایی ایفا کند.

ج) اطلاع‌رسانی

هریک از این دو قشر باید خود را به جامعه معرفی کند و حدود وظایف، اختیارات، وظایف صنفی و نقش خویش را در تبلیغ معارف دینی، توسعه روابط انسانی، تولید دانش و بهبود روند رشد جامعه توضیح دهد. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «تعداد روحانیون، حدود تحصیلی، میزان فضل، توانایی تبلیغی، تأثیرگذاری در محیط و... اصلاً در آمارها و اطلاعات ما منعکس نشده است». در مورد دانشگاه نیز ناشناخته‌های فراوانی وجود دارد. دفاتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، یکی از فرصت‌های بسیار

خوب برای تقویت این وحدت است.

د) تعامل های علمی

برجستگان هر قشر باید بتوانند در مرکز قشر مقابل کرسی تدریس داشته باشند و یافته علمی خود را به سمع و نظر افراد سطوح میانی قشر مقابل برسانند.

ه) تجلیل از نخبگان

از برجستگان حوزه و دانشگاه باید تجلیل کرد و اجازه نداد که وسایل ارتباط جمعی چهره‌های ملی و مذهبی تاریخ جامعه ما را مخدوش کنند. اگر انتقادی از نخبگان هست باید با حفظ حرمت مطرح شود.

و) معرفی الگوها

افرادی که به وحدت و همدلی دو قشر دانشگاهی و حوزوی اعتقاد واقعی دارند و اقدام عملی در جهت آن به عمل می‌آورند، نماد حوزه و دانشگاه معرفی بشوند و برای کسانی که این‌گونه نیستند تبلیغ نشود.

ز) اصلاح ساختارهای آموزشی

ساختار آموزشی حوزه و دانشگاه باید با همکاری مشترک مسئولان به گونه‌ای

بهبود یابد که نسل آینده برآمده از آنها (در سطح تحصیلات تکمیلی) حساسیت‌های فرهنگی مشترکی - چه از لحاظ دینی و چه از لحاظ اندیشه‌های روز دنیا - پیدا کنند. به عبارت دیگر حوزه‌ها باید در آموزش‌های خود اندیشه‌های روز دنیا، به ویژه دستاوردهای علوم انسانی، را مدنظر داشته باشند و خود را بی‌نیاز از آن ندانند و دانشگاه‌ها نیز در جهت بومی شدن و حفظ پیوند ارزشی - فرهنگی با جامعه خود باید کاوش در معانی علوم، به ویژه علوم انسانی، را با عنایت به دستاوردها و تلاش‌های نظری حوزه و معارف دینی پی‌گیری کنند.

منابع:

۱. شایسته نژاد، علی اکبر، زمستان ۱۳۹۰، «موانع درونی و بیرونی تحقق وحدت مطلوب بین حوزه و دانشگاه»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۴۹.
۲. متقی هندی (۱۴۰۵)، کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله، چ پنجم.
۳. جمشیدی، محمد حسین و احسان الله محمدی، بهار ۱۳۸۹، «مبانی تحقق وحدت حوزه و دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۴۵.
۴. مولوی، مثنوی معنوی.
۵. صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام.
۶. آل احمد، جلال (۱۳۵۷)، خدمت و خیانت روشنفکران، شیراز: نشر طلوع.
۷. آل احمد، جلال، ۱۳۵۶، در خدمت و خیانت روشنفکران، تهران: خوارزمی.
۸. حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۵.
۹. رکنی، سید محمد باقر، پاییز ۱۳۸۶، «همدلی حوزه و دانشگاه، ضرورت توسعه علمی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۳۵.
۱۰. حاضری، علی محمد و یحیی علی بابایی، بهار و تابستان ۱۳۸۰، «بررسی عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان در حوزه فرهنگ مورد: حوزه و دانشگاه»، مطالعات جامعه شناختی، شماره ۱۷.
۱۱. خامنه‌ای، مؤسسه حفظ و تنظیم آثار رهبر انقلاب ۱۳۸۸.

ژئوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نهضت تولید علم و جنبش نرم افزاری

اول) معناسناسی

«نهضت تولید علم» ترکیبی است که هر یک از تک‌واژه‌های آن بار معنایی خاصی به همراه داشته، هر کدام به بخشی از معنای جمعی و ترکیبی آن اشاره دارد. در این ترکیب «نهضت» به معنای جریان‌سازی برای تغییر فرهنگ یا نهادهای عینی و اجتماعی، همراه با احساس مسئولیت در اقصاء مختلف جامعه برای دستیابی به هدف اساسی و مورد قبول است. «تولید» یعنی به وجود آوردن و مطرح ساختن چیزی که تاکنون مطرح نبوده است. وقتی دانشمندان در برخورد با پدیده‌ها نظریه تازه‌ای را مطرح می‌کنند، در واقع تولید علم صورت گرفته است.^۱

عبارت «جنبش نرم‌افزاری» از دو واژه «جنبش» و «نرم‌افزار» تشکیل شده است. جنبش اصطلاحاً یک اصطلاح سیاسی است که در فرهنگ سیاسی برای تعیین حرکت‌های اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود.

این واژه در زمینه‌های دیگر به صورت استعاره به کار گرفته می‌شود. جنبش معمولاً در مواردی به کار می‌رود که وضع موجود در یک زمینه - سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا علمی - مورد رضایت کامل نباشد و روند امور در آن حیطه نیز آینده‌ای امیدبخش و روشن را ترسیم نکند. بنابراین، نهضت یا جنبش یک نوع حرکت فزاینده و روبه‌رشد است. در چنین موقعیتی این احساس به وجود می‌آید که باید حرکت و جهت‌گیری جدیدی رخ دهد، تا اوضاع روبه‌راه شود و کارها در جهت صحیحی به پیش رود.

۱. «مانع‌زدایی از نهضت تولید علم راهکاری بنیادی در نوآوری فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۴۱.

«نرم‌افزار» در مقابل «سخت‌افزار» و از اصطلاحات علوم رایانه است. در علوم رایانه ابزارهایی که جنبه فیزیکی دارند، از قبیل بخش‌های مکانیکی، الکتریکی و الکترونیکی، را «سخت‌افزار» گویند و به دستور العمل‌ها و برنامه‌هایی که برای به کار بردن، تنظیم، مهار و ایجاد ارتباط میان اجزای مختلف به کار برده می‌شود «نرم‌افزار» گویند.

از دیدگاه اجتماعی نیز این تقسیم‌بندی کاربرد دارد، یعنی نیروهای داخل جامعه نیز به دو بخش تقسیم می‌شوند؛ ابزار، صنعت، تکنولوژی و کالا را سخت‌افزار گویند و بخش‌هایی که تولید فکر و نظریه می‌کند و در واقع حکم هدایت‌گر جامعه است، را نرم‌افزار می‌نامند.

با توجه به توضیحات فوق، جنبش نرم‌افزاری را می‌توان چنین تعریف کرد: «جنبش نرم‌افزاری به یک حرکت اجتماعی گویند که برای ایجاد تحول مثبت در روند تولید فکر و اندیشه به منظور تمدن‌سازی شکل می‌گیرد». جنبش نرم‌افزاری یعنی تولید فکر.^۲ جنبش نرم‌افزاری فرایند خاصی است که نظام آموزشی و پژوهشی مجامع حوزوی و دانشگاهی را، به گونه‌ای عالمانه تغییر می‌دهد که ویژگی مصرف‌کنندگی این مراکز به ویژگی تولید علم و نظریه‌پردازی تبدیل می‌شود، به طوری که این تبدیل فزاینده و همگانی است.^۳

۲. به نقل از: «مفهوم‌شناسی: تحلیل مفهوم جنبش نرم‌افزاری و تاریخچه تمدن‌سازی در ایران»، مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۴۱، معرفت، ش ۶۷، ص ۱۱.

۳. «چستی و چرایی جنبش نرم‌افزاری علمی»، مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱.



درجات؛ خداوند آنهایی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش یافته‌اند، به درجاتی برافرازد.^۲ همچنین ائمه معصومین بارها تأکید کرده‌اند که هیچ عبادت و فریضه‌ای بدون کسب آگاهی و بصیرت، از مؤمنان پذیرفته نیست.

سوم) سابقه ایرانی - اسلامی دانش

آشنایی نویسنندگان و دبیران ایرانی با زبان عربی برای اعراب و ایرانیان دارای منافع فراوانی بود و سنگ بنای فرهنگ اسلامی - ایرانی را فراهم کرد. مقدمات و مراحل اساسی و بنیادین این جریان، در همان دو قرن اول هجری فراهم شد. دو قرنی که شامل سقوط دولت ساسانی، و پیدایی فرمانروایی‌های مستقل ایرانی در دوران اسلامی است. با ترجمه متون ایرانی

جنبش نرم‌افزاری تنها به معنای آموزش، تدریس و تعلیم و تعلم نیست؛ زیرا این فرایند، در همه جوامع وجود داشته است؛ همچنین جنبش نرم‌افزاری به معنای حرکت‌های علمی کند و موردی که همیشه وجود داشته و دارد، نیست؛ بلکه شامل حرکت‌های علمی پرشتاب، فزاینده و همگانی است.

بر اساس این، نهضت نرم‌افزاری را می‌توان جنبش و خیزشی همگانی در عرصه تولیدات نرم‌افزاری و زایش اندیشه‌ها دانست. البته نباید فراموش کرد که تعبیری از قبیل «نهضت» و «جنبش» به حرکت‌هایی گفته می‌شود که حالت جمعی داشته و منشأ آنها فرد نباشد؛ بلکه تحقق آن ناشی از اراده و عقل جمعی باشد.

دوم) جایگاه علم و دانش در اسلام

در هیچ یک از ادیان و مکاتب به اندازه اسلام بر کسب معرفت، آگاهی، دانش‌اندوزی و ژرفنگری تأکید نشده است. با نگاهی گذرا به قرآن کریم و احادیث حضرت رسول و ائمه اطهار(علیهم السلام) می‌توان دریافت که خداوند و اولیای او پیوسته، نه فقط مؤمنان، بلکه کافران، مشرکان و حتی پیروان ادیان دیگر را به خردمندی و به کارگیری عقل، دعوت می‌کنند. خداوند نه تنها از مؤمنان خواهان ایمان کورکورانه نیست، بلکه «توحید»، یعنی بنیان ایمان را، حاصل تعقل و علم‌ورزی می‌داند.^۱

اصل کلمه «علم» هشتاد بار در قرآن کریم در مواضع گوناگون تکرار شده و مشتقات آن بارها در قرآن به کار رفته است. مثلاً «**یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم**

۱. «تحلیل مدل و روش‌های تولید علوم در عرصه دین (بررسی تمدن اسلامی و نوآوری آن در علوم)»، مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱.

۲. مجادله: ۱۱.

به زبان عربی، به تدریج اندیشه‌ها و باورهای ایرانی (همان فرهنگ ایرانی) در فرهنگ عربی - اسلامی نفوذ کرد.

دبیران نقش قابل توجهی در شکل‌گیری فرهنگ ایرانی - اسلامی داشتند. آنها پس از سقوط ساسانیان، با اینکه کارگزاران دولت ساسانی بودند، برای حفظ مناصب دیوانی خود در نظام جدید به فراگیری زبان و ادبیات عربی و سایر اطلاعات ضروری پرداختند. از سوی دیگر، اعراب مسلمان پس از تصرف ایران برای انجام امور اداری و مالی نیازمند همکاری آنان بودند. با روی کار آمدن عباسیان، وزیران و دبیران ایرانی در امور دیوانی خلافت، حضوری قدرتمند یافتند. اتکاء بنی‌عباس به دستگاه دیوان‌سالاری ایرانیان و تغییر پایتخت از دمشق به بغداد در نزدیکی مدائن - پایتخت ایرانیان - به تعامل این دو فرهنگ، آن هم در حوزه‌های رسمی و حکومتی کمک کرد.

جامع‌نگری اسلام و برخورد مسالمت‌آمیز با ملت‌های دیگر، موجب شد تا بخش‌هایی از فرهنگ ایرانی که در تعارض با فرهنگ توحیدی اسلام نبود، با فرهنگ اسلامی آمیخته شده، فرهنگی تلفیقی شکل گیرد. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب می‌گوید: «تمدن اسلام که بدین گونه وارث فرهنگ قدیم شرق و غرب شد، نه تقلیدکننده صرف از فرهنگ‌های سابق بود، نه ادامه‌دهنده محض؛ ترکیب‌کننده بود و تکمیل‌سازنده... در واقع اسلام بود که انسانی بود و الهی، نه شرقی و نه غربی. جامعه اسلامی هم که وارث این تمدن عظیم بود، جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود، نه شام و نه عراق»^۱.

واقعیت آن است که ایرانیان با وجود بهره‌مندی از فرهنگی

کهن، با شور و شوقی برخاسته از درون به فرهنگ اسلامی روی آوردند و از عمق جانیشان به آن جذب شدند. ایرانیان پس از چندی خود طلایه‌دار این فرهنگ شدند؛ به گونه‌ای که ملل دیگر و حتی اعراب در بسیاری از علوم اسلامی و حتی ادبیات عرب از استادان ایرانی استفاده می‌کردند. بررسی علوم مختلف مرتبط با قرآن و سنت، گویای اهتمام و تلاش ایرانیان برای جذب و کسب فرهنگ و تمدن اسلامی است.

در حقیقت می‌توان گفت آنچه توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ عرضه شد و ائمه اطهار (علیهم السلام) در حفظ و گسترش آن کوشیدند، از میان اعراب شروع شد؛ اما با بهره گرفتن از دیدگاه‌هایی الهی، جهانی و انسانی، ملت‌های دیگر، به ویژه ایرانیان، را مجذوب خود کرد.^۲

چهارم) تاریخچه بحث تولید علم

بحث تولید علم نخستین بار در سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تهران مطرح شد؛ اما در آن زمان در حد یک واژه ماند و فقط خمیرمایه اولیه آن شکل گرفت. در سال ۷۲ - ۷۳ این بحث به گونه‌ای جدی‌تر مطرح و تعریف شد. در این سال‌ها دانشگاه تهران اعلام کرد به نویسندگانی که مقالات آنها در مجلات بین‌المللی، مؤسسات معتبر نمایه‌سازی^۳ نظیر ISI چاپ شود جوایزی قابل ملاحظه اهدا خواهد شد. این نخستین گام برای اقدامی جدی در زمینه تولید علم بود.

بعد از سال ۱۳۷۹ بحث تولید علم در حوزه پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مطرح و اعلام گردید که به هر

۲. «بستر شناسی: نقش دین و معارف اسلامی در پیشرفت‌های تولید علم ایرانیان»، مجله مجموعه مقالات

همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱.

۳. عهده‌دار مکاتبات، استاد، مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشگاه تهران.

۱. کارنامه اسلام، ص ۹۲ به نقل از: «بستر شناسی: نقش دین و معارف اسلامی در پیشرفت‌های تولید علم

ایرانیان»، مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱.

مقاله چاپ شده در ISI مبالغ مالی قابل توجه تعلق می‌گیرد. اکنون در بیشتر دانشگاه‌های کشور داشتن مقالات معتبر بین‌المللی نمایه شده در ISI پیش‌شرط استخدام اعضای علمی است.^۱

همین تولید ماهواره و رشد در علوم و تولید فناوری و فرهنگ قرار گیرند.»

دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد

ششم) آسیب شناسی تولید علم در ایران

اکنون با گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی با اینکه مبانی نظری

آموزش و پرورش و غایت آن دگرگون شده و تعداد دانشگاه‌ها و دانش‌پژوهان در قیاس با پیش از انقلاب چندین برابر شده است، اما هنوز وضعیت تولید علم، به رغم بعضی پیشرفت‌ها^۴ در زمینه‌های پزشکی، هسته‌ای و نانو، با توجه به گستره و عمق عقب‌ماندگی‌ها^۵ همچنان تا وضع مطلوب فاصله زیادی دارد.^۶

با توجه به ماهیت استکباری کشورهای پیشرفته این وضعیت برای هویت و استقلال ما در دوره‌های آینده، خطری جدی خواهد بود. جوانان ما به لحاظ ضریب هوشی در صدر کشورهای جهان هستند. بنابراین ضعف ما در تولید علم ناشی از کمبود استعداد و هوش نیست.^۷ مهم‌ترین ضعف راهبردی ما، که مانع عمومی شدن تولید علم است، این است که به جای تربیت متفکر به تربیت عالم پرداخته‌ایم و به جای تربیت تولیدگر دانش، به تربیت انباردار دانش مشغولیم. سامانه آموزش و پرورش ما بیشتر به حافظه‌پروری

ناباروری و نانو و آی تی و مقوله‌هایی از این قبیل، واقعاً شاهد در واقع آن رویکرد اسلامی سازی دانشگاه هستیم و دانشجوی متدین و انقلابی و معتقد این تولیدات را انجام داده اند.

پنجم) تولید علم و جنبش نرم‌افزاری از منظر رهبر انقلاب

رهبر معظم انقلاب معتقدند ما امروز نیاز به یک نهضت آزاداندیشی و جنبش نرم‌افزاری داریم. شکوفایی اقتصادی، توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و نظایر آن میوه‌های تولید علم و جنبش نرم‌افزاری است. ایشان بر این باورند که کشور را باید فکر و اندیشه و علم بسازد. براساس بیانات مکرر مقام معظم رهبری ما بیش از دویست سال از کاروان علم و پیشرفت عقب مانده‌ایم.^۲ مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی ایران - بلکه جهان اسلام - و در نتیجه وابستگی آن به کشورهای پیشرفته ضعف در تولید علم است.

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به نامه جمعی از فضایی حوزه علمیه بیان داشته‌اند: «باید تولید نظریه و فکر تبدیل به یک ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود».^۳

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «دانشگاه‌های ما باید بار

۱. دانش و پژوهش: روش‌های تولید و اشاعه یافته‌های علمی.
 ۲. مقام معظم رهبری ۱۳۷۱/۲/۹ و ۱۳۸۳/۴/۱۷ و ۱۳۸۶/۱/۱ و ۱۳۸۷/۲/۱۷.
 ۳. متن کامل نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه به رهبر انقلاب در روزنامه‌ها و نشریات کشور چاپ شد. بخشی از آن نامه به شرح ذیل است: «... سخنان مکرر حضرت عالی و به ویژه بیانات ارزشمند شما در دیدار اعضای محترم انجمن قلم مورخه ۸/۱۱/۱۸ در تشویق به نهضت علمی و آزاداندیشی، یک فراخوان تاریخی است... شخص حضرت عالی از سال‌های پیش از انقلاب تا هم اکنون بارها و بارها تحول حساب شده در حوزه، اجتهاد دینی و نواندیشی علمی، جنبش نرم‌افزاری برای تولید انبوه علم در حوزه و دانشگاه را جز آرمان‌های اصلی انقلاب دانسته‌اید».

۴. اکنون ایران در رتبه شانزدهم تولید علم است (سایت تابناک ۲۰ شهریور ۹۱). در پیام نوروزی رهبر انقلاب با اعلام سهم یازده درصدی ایران در تولید علم این رضایت نسبی مشهود است (پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب در آغاز سال ۱۳۹۰).
 ۵. رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۲/۱۷.
 ۶. «راهبرد نظام تربیتی اسلام برای همگانی‌سازی تولید علم چیست؟»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۴.
 ۷. همان.

می‌پردازد، نه پژوهشگر پروری. در نقشه جامعه علمی و منابع پشتیبان سند ملی نیز به این وضعیت اشاره شده است.^۱ بیشتر متون مورد استفاده دانشجویان ترجمه از منابع غربی است و اندک بخش برگرفته از آثار دانشمندان قدیم مسلمان نیز به‌روز و پاسخگوی مسائل عصر نیست. علت وابستگی بسیاری از تحصیل‌کرده‌های ما به غرب یا به دانشمندان گذشته، غلبه حافظه‌پروری

«نهضت»

استوار آنان است.^۳

۱- پژوهش و تحقیق: تولید علم و دانایی تنها از طریق تحقیق و پژوهش حاصل می‌شود. در حال حاضر، جوامع شرقی سعی در الگوبرداری‌های علمی و تحقیقاتی از کشورهای غربی دارند. البته در چند سال اخیر، تلاش‌های قابل توجه و قابل تقدیری انجام گرفته که نشان‌دهنده توان بالای اندیشمندان ایرانی برای دست‌یابی به قله‌های رفیع علم و دانایی و عزم راسخ و

موجود است. این وابستگی و عدم اعتماد به نفس سیستمی بزرگ‌ترین مانع تولید علم است؛ به همین دلیل به رغم وجود سازمان‌های متعدد تعلیم و تربیت و چندین برابر شدن تعداد دانشگاه‌ها در کشور در مقایسه با قبل از انقلاب، هنوز تولید علم، عمومی و همگانی نیست

تولید علم» ترکیبی است که هر یک از تکواژه‌های آن بار معنایی خاصی به همراه داشته، هر کدام به بخشی از معنای جمعی و ترکیبی آن اشاره دارد. در این ترکیب «نهضت» به معنای جریان‌سازی برای تغییر فرهنگ یا نهادهای عینی و اجتماعی، همراه با احساس مسئولیت در اقشار مختلف جامعه برای دستیابی به هدف اساسی و مورد قبول است.^۴

بسیاری از مراکز علمی، حوزوی و دانشگاهی توان تولید علم ندارند. تعداد مقالات علمی تولید شده در قیاس با کشورهای رقیب، خود شاهد این ادعا است.^۲

الف) زمینه‌ها و راهکارهای تولید علم

برخی از راه کارها و زمینه‌های تولید علم در کشور عبارت‌اند از:

۱. سند جامع علمی کشور، ۱۳۹۰: ۳.

۲. متوسط سهم هر یک از اعضای هیئت علمی از تولید علمی در ایران تنها ۰/۳۷ درصد است. بررسی تولیدات علمی ایران طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ در نشریات ISI نشان می‌دهد که در این سال‌ها ایران با ۴۹۸۶ رکورد علمی ثبت شده در مقایسه با ۱۵ کشور دیگر شامل آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، کانادا، ژاپن، پاکستان، ترکیه، چین، عراق، عربستان سعودی، کره جنوبی، کویت، مصر و هند، با ۰/۲۳ درصد از مجموع تولید آنها در رتبه یازدهم قرار گرفته است. «گزارش مقایسه تولید علم استادان دانشگاه‌های ایرانی با دانشگاه‌های جهان» خبر دانشگاه پایگاه اطلاع‌رسانی نهاد؛ «راهبرد نظام تربیتی اسلام برای همگانی‌سازی تولید علم چیست؟»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۴.

۳. برای اثبات این ادعا باید گفت که در سال ۱۹۹۳ تعداد مقالات ایران ۱۷۳ مقاله بوده و همین شاخص در سال ۲۰۰۲ به ۳۰۰۰ و در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۵۵۰۰ رسیده است و جهانیان به پیشرفت و ارتقای جایگاه علمی ایران معترف شده‌اند (شرقی، ۱۳۸۴).

۴. «مانع‌زدایی از نهضت تولید علم راهکاری بنیادی در نوآوری فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه»، مطالعات معرفی در دانشگاه اسلامی، شماره ۴۱.

در کشور نزدیک به ۵۷ هزار نفر هیئت علمی در دانشگاه‌های دولتی و آزاد هست؛ در حالی که تعداد کل اسناد نمایه شده ایران در سال ۲۰۰۸ میلادی، ۱۳۵۶۸ مورد بوده است.^۴

۲- هدفمند کردن تحقیقات درون و برون دانشگاهی بر حسب نیازهای جامعه:

سالانه تعداد زیادی پژوهش در دانشگاه‌ها انجام می‌شود که فقط تعداد کمی از آنها به تولید محصول منجر می‌شود. البته طبیعی است که سال‌ها از ارائه یک کار جدید علمی باید بگذرد تا صنعت‌گران آن را به صورت عملی در صنعت پیاده سازند؛ چون برای پیاده‌سازی علوم جدید باید صحت و سقم آنها مشخص شود. از طرفی، ۷۰ تا ۸۰ درصد تحقیقات موجود، خریدار ندارند؛ چون بر حسب شرایط و احتیاجات صورت نمی‌گیرند. تا زمانی که پژوهش‌ها براساس اعلام نیاز سازمان‌ها یا ارگان‌ها صورت



فراتر از انتقال فناوری صرف است و لازم است سیاست‌های نوآوری در داخل کشور، عاملان سیستم نوآوری را تشویق کند تا این همکاری‌ها شکل گیرد. البته باید توجه داشت که برخی از موانع این مسیر، جنبه سیاسی دارند و باید در سطح کلان برای آن چاره‌اندیشی شود.^۳

۵- ایجاد بستر اجتماعی و فرهنگی مناسب: انسان در بستر اجتماعی زندگی می‌کند و نهادهای علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی همگی بخشی از یک جامعه به حساب می‌آیند. ساختارها و سازوکارهای جامعه، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌های افراد جامعه و فرهنگ حاکم بر دستگاه‌های اجرایی و سیاست‌گذاری یک کشور، تعیین‌کننده نوع برخورد و عکس‌العمل آن کشور نسبت به پدیده‌های اجتماعی است.^۴

۶- برگزاری نشست‌های علمی: لازم است مسئولان

نگیرد و به نیازهای جامعه توجهی نشود، پژوهش‌ها به عمل تبدیل نمی‌شوند و خریداری ندارند.^۱

۳- کاهش و حذف چالش‌های پیش‌روی محققان دانشگاهی:

درباره چالش‌های کلیدی در تولید علم، توسعه پژوهشگری و کاربست تولیدات علمی دانشگاهی می‌توان به چالش‌های زیادی که پیش‌روی استادان و محققان دانشگاهی وجود دارد اشاره کرد؛ از جمله مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: چالش‌ها و موانع انسانی (شک و تردید در صلاحیت‌های علمی پژوهشگران، عدم وجود مدیریت پژوهشی مناسب و کمبود نیروهای تخصصی در مراکز دانشگاهی و علمی)، چالش‌ها و موانع سازمانی (وجود قوانین دست‌وپاگیر اداری برای توسعه علم و پژوهشگری، وجود ساختار دیوان‌سالارانه، وجود محدودیت‌های مالی و کمبود بودجه پژوهشی و فراهم نبودن زمینه تولید علم و جنبش نرم‌افزاری)- چالش‌ها و موانع ارتباطی (وجود شکاف نگرشی و ارتباطی بین استادان دانشگاهی، فقدان نظام اطلاع‌رسانی مناسب جهت پرهیز از دوباره‌کاری و تسهیل در دستیابی به تجارب کاری همدیگر، ارتباط ضعیف بین مراکز علمی و دانشگاهی، فقدان قوانین ارتباطی مناسب در توسعه علم و تولید و کاربرد محصولات علمی).^۲

۴- ایجاد محیط نوآوری جهانی: یکی از نکات مهم در

نظام ملی نوآوری، محیط نوآوری جهانی است. همکاری‌های بین‌المللی نقش مؤثری در شکل‌گیری نظام ملی نوآوری ایفا می‌کند. در کشور ایران مشکلات متعدد در همکاری‌های بین‌المللی وجود دارد و مؤسسات پژوهشی و دانشگاهی ارتباط محدودی با کشورهای توسعه‌یافته دارند. امروزه انتقال دانش،

.....
۳. همان.

۴. همان.

.....
۱. همان.

۲. همان.

نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب،
مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛
از قرآن هم معتبرتر
فلان جامعه‌شناس این جوری گفته؛
این دیگر برو برگرد ندارد! چرا؟!
بنشینید فکر کنید، نظریه‌پردازی کنید؛
از موجودی این دانش‌ها در دنیا
استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم
و نقاط غلط آن را برملا کنیم.
این از جمله کارهایی است که
جزو الزامات حتمی پیشرفت است



تفکر و تعقل بهتر است.^۱

۱. دانش و پژوهش: روش‌های تولید و اشاعه یافته‌های علمی.

گردهمایی‌ها با مسئولان نشریات علمی ارتباط برقرار کنند تا مطالب گردهمایی‌ها در مجلات تخصصی پس از داوری چاپ و تثبیت شوند. گردهمایی‌های علمی باعث آشنایی با یکدیگر و انبساط خاطر محققان می‌شود که خود زمینه مناسبی برای

ب) راهکارهای استقرار نهضت تولید علم از منظر رهبر معظم انقلاب

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در سخنرانی های خود به راهکارهای مختلفی برای استقرار نهضت تولید علم اشاره فرموده اند:

۱- تحقیق و پژوهش: مقام معظم رهبری علم را پایه اصلی دهه پیشرفت و عدالت می دانند و به انجام تحقیق و پژوهش در باب علم تأکید دارند: «عنوان دهه پیشرفت - به پشتگرمی پیشرفت‌هایی بوده که در کشور از لحاظ علمی دیده شده. یعنی این امید به وجود آمده که ما می‌توانیم ظرف یک دهه، یک پیشرفت چشمگیر، یک حرکت سریع در زمینه‌های علمی داشته باشیم که بخشی از آن عقب‌ماندگی‌های ما را جبران بکند. بنابراین مسئله علم مهم است. در باب علم و تحقیق، آن بخش عمده هم مربوط به تحقیق است؛ مربوط به پژوهش است»^۱

رهبر معظم انقلاب تحقیق و پژوهش را در دهه پیشرفت و عدالت مؤثر می‌دانند؛ «پژوهش اولاً مورد اهتمام قرار بگیرد، ثانیاً سمت و سوی پرداختن به نیازهای کشور را پیدا کند. یعنی حقیقتاً پژوهش‌هایی بکنیم که مورد نیاز ماست. من بارها هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی به آن دوستان عرض کرده‌ام، ... ما ملاک پیشرفت علمی‌مان را درج مقالات در مجلات آی. اس. آی نباید قرار بدهیم. ما نمی‌دانیم آنچه پیشنهاد می‌شود، تشویق می‌شود برایش، آن مقاله‌نویس احترام می‌شود، دقیقاً همان چیزی باشد که کشور ما به آن احتیاج دارد. ما خودمان باید مشخص کنیم که درباره چی مقاله می‌نویسیم، درباره

چی تحقیق می‌کنیم. البته انعکاس در مجامع جهانی لازم است، ضروری است؛ و انعکاس هم پیدا خواهد کرد. مقصود این است که ما پژوهش را تابع نیاز خودمان قرار بدهیم»^۲

۲- نظریه‌پردازی: رهبر معظم انقلاب یکی دیگر از الزامات پیشرفت را نظریه‌پردازی در نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب می‌دانند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر فلان جامعه‌شناس این جور می‌گفته؛ این دیگر برو برگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید، نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانش‌ها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را برملا کنیم. این از جمله کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است».

۳- مبارزه: مقام معظم رهبری یکی از الزامات پیشرفت را مبارزه دانسته و فرمودند: «اگر می‌خواهید پیشرفت کنید، باید مبارزه کنید. عافیت‌طلبی، یک گوشه‌ای نشستن، دست‌ها را به هم مالیدن و به حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدان‌های بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملتی پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید. این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهم‌تر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است»^۳

۴- ترویج خودباوری در دانشگاه‌ها: «توصیه این است که هم دستگاه‌های مدیریتی، هم اساتید در داخل دانشگاه‌ها خودباوری را ترویج کنید. جوانی که تحت تربیت و تحت

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸.
۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

۱. مقام معظم رهبری، ۸۸/۶/۸.

آموزش و تعلیم شماسست، باید به خود اعتماد داشته باشد - آن اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم. بحث این نیست که شخصی به خودش اعتماد دارد، بحث این است که ما به خصال ملی خودمان، به امکانات ملی خودمان، به ذخائر فرهنگی خودمان، یک اعتماد به نفس عمومی داشته باشیم که به آن گفتیم اعتماد به نفس ملی. این حالت بایست در یکایک جوان‌های ما بروز پیدا کند»^۱.

۵- تشخیص نیازها و اولویت‌های علمی: «نیازها و اولویت‌های علمی را ما تشخیص بدهیم و این را در برنامه‌ریزی‌های آموزشی مان دخالت بدهیم. حالا درباره علوم انسانی، درباره علوم پایه، درباره بخش‌های مختلفی از علوم تجربی یا سطوح مختلفی از تحقیق ممکن است یک اولویت‌هایی در مطالعه و بررسی کامل آشکار بشود؛ اینها باید ملاحظه بشود و در برنامه‌ریزی‌ها دخالت داده بشود. ما با امکانات محدود و با نیازهای فراوان، نباید به خودمان اجازه بدهیم که در کاری که از اولویت برخوردار نیست، سرمایه‌گذاری فکری و پولی و وقتی و انسانی بکنیم»^۲.

۶- کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات: «مسئله کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات جزو چیزهایی است که من رویش تکیه دارم. ما ممکن است یک تحقیقاتی بکنیم، در یک پروژه تبلیغاتی به جاهای خوبی هم محقق ما برسد؛ اما این در وضع کشور، در جهت رشد و توسعه کشور نقشی نداشته باشد؛ یعنی نتواند به ثروت ملی تبدیل شود. ما باید علم‌مان را بتوانیم به ثروت ملی تبدیل کنیم. این، تلاش لازم دارد، برنامه‌ریزی لازم دارد»^۳.

۷- تکمیل زنجیره علم و فناوری: «ما باید زنجیره علم و

فناوری را تکمیل کنیم، که گاهی یک جاهایی از این زنجیره قطع شده است، تا یک خط تولید واقعی درست بشود و علم بتواند از همه جهات به اهداف خودش برسد»^۴.

۸- نخبه‌پروری: مقام معظم رهبری نقش نخبگان را در ایجاد قدرت ملی، سازندگی و آینده‌کشور مؤثر می‌دانند و بر حضور این قشر در توسعه و پیشرفت کشور تأکید می‌کنند: «کشور ما از لحاظ استعداد نخبه‌پروری و دارا بودن نخبه‌ها، یک سطح بالاتر از متوسط را دارد. این در محاسبات باید بیاید»^۵.

منابع:

۱. سبحانی نژاد، مهدی و عبدالله افشار، بهار ۱۳۸۸، «مانع‌زدایی از نهضت تولید علم راهکاری بنیادی در نوآوری فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۴۱.
۲. مردانی نوکنده، محمدحسین، بهار ۱۳۸۹، «چیستی و چرایی جنبش نرم‌افزاری علمی»، مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱.
۳. صدیقی، محبوبه، بهار ۱۳۸۹، «تحلیل مدل و روشهای تولید علوم در عرصه دین (بررسی تمدن اسلامی و نوآوری آن در علوم)»، مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱.
۴. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام.
۵. حجازی، سید علی‌رضا، بهار ۱۳۸۹، «بسترشناسی: نقش دین و معارف اسلامی در پیشرفت‌های تولید علم ایرانیان»، مجله مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱.
۶. عهده‌دار مکاتبات، استاد، مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشگاه تهران.
۷. پیرمرادی، محمد جواد، بهار ۱۳۹۱، «راهبرد نظام تربیتی اسلام برای همگانی‌سازی تولید علم چیست؟»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، شماره ۱۴.
۸. دانش و پژوهش: روش‌های تولید و اشاعه یافته‌های علمی.

.....

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳.

۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳.

۳. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲.

۴. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲.

۵. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲.

پژوهش و دانشگاه؛ موانع و راهکارها

انجام پژوهش و تحقیق، از نشانه‌های اعتلای کشورها و یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه است؛ چراکه موجب افزایش بهره‌وری در بخش‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خواهد شد. توجه به بهینه‌سازی پژوهش در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها و لزوم همسویی با استانداردهای ملی و بین‌المللی از مسائلی است که آموزش عالی ایران با آن مواجه است.

دانشگاه و مراکز آموزش عالی، تولیدکننده تفکرات و ایده‌ها در جامعه‌اند. اغلب ایده‌های جدید حاصل پژوهش‌های مستمر و نظام‌مندی است که در دانشگاه با سه هدف عمده توسعه و گسترش دانش فعلی، از بین بردن ابهامات پیشین و تکمیل و ارتقای سطح دانش، و به کارگیری نتایج دانش خلق شده در خدمت جامعه اتفاق می‌افتد. بنا به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، آموزش عالی وارد دوران جدیدی شده است که «رقابت» و «کیفیت» مشخصه‌های اصلی آن محسوب می‌شود. عنصر کیفیت نقش مهمی در به کارگیری یافته‌ها توسط کاربران ایفا

می‌کند و عدم کاربست یافته‌های پژوهشی به منزله اتلاف منابع انسانی و مالی است که موجب آثار سوء در ذهنیت دستگاه‌ها و مسئولان امور مالی نسبت به سودمندی سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیقات می‌شود. همچنین زمینه‌دار شدن انگیزه پژوهشگران برای ادامه تلاش در این زمینه‌ها را فراهم می‌سازد.

یکم) چیستی و اهمیت پژوهش

واژه پژوهش و پژوهیدن در فرهنگ دهخدا و عمید به معنای واری کردن واقعیت، به حقیقت امری رسیدگی کردن و در فرهنگ قریب به معنای بررسی و رسیدگی کردن و بازجویی کردن آمده است. این واژه بیشتر تحت عنوان «تدقیق و تفحص» و مشابه آنها استفاده می‌شده است.

پژوهش در اصطلاح فعالیتی نظام‌مند و علمی پیرامون یک موضوع همراه با بررسی جوانب مختلف آن است. پژوهش فرایند تولید دانش و فعالیتی منظم، منسجم، و مستدل با بهره‌گیری از روش‌سنجیده، جهت رسیدن به کشف حقیقت است. برخی پژوهش‌ها منجر به



کشفیات و حل مسائل لاینحل قبلی، بعضی اصلاح‌کننده نگرش‌ها و بهبود ساختارهای نظام‌ها و بالاخره برخی راهگشای اهداف توسعه جامعه می‌شود. پژوهش را می‌توان زیربنای اصلی توسعه دانست. در جهان امروز کشورهایی که به استقلال ملی و اهداف توسعه جامعه خویش بها می‌دهند، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های علمی خود «پژوهش» را در اولویت نخستین قرار داده‌اند.

دوم) ضرورت پژوهش در دیدگاه اسلام

پژوهش یکی از آموزه‌های دینی اسلام است که بارها و بارها در قرآن کریم با واژه‌های دستوری «انظروا» و یا واژه‌های استفهامی «افلا ینظرون»، «افلا تعقلون» و «افلا ینظرون» بر آن تأکید

شده است.

اسلام اساس کار خود را بر علم و یقین می‌گذارد و از پیروی و تبعیت از هر آنچه فرد نسبت به آن علم ندارد نهی می‌کند؛

چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْفَ

مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ و از آنچه نسبت به آن علم و آگاهی نداری پیروی مکن».

علاوه بر دستورات محکم این کتاب آسمانی، احادیث و سیره معصومین (علهم السلام) سعی و اهتمام آنان را به مقوله دانش نشان می‌دهد. ایشان قلم دانشمندان را برتر از خون شهیدان راه حق دانسته، علما را وارثان انبیای الهی معرفی نموده‌اند.

ابن سینا در رساله معراجیه، پندی را از زبان مصطفی (ﷺ) خطاب به مرتضی (ﷺ) چنین نقل کرده است: «يَا عَلِيُّ! إِذَا عَنِ النَّاسِ أَنْفُسُهُمْ فِي تَكْتِيرِ الْعِبَادَاتِ وَالْخَيْرَاتِ فَأَنْتَ عَنِ نَفْسِكَ فِي إِدْرَاكِ الْمَعْقُولَاتِ حَتَّى تَسْبِقَهُمْ؛ ای علی! اگر خواهی از همه مردم در بزرگی پیشی گیری، راه دانش و خردورزی پیش گیر. آنگاه که دیگران خود را

پژوهش

در اصطلاح فعالیتی نظام‌مند

و علمی پیرامون یک موضوع همراه با

بررسی جوانب مختلف آن است. پژوهش فرایند

تولید دانش و فعالیتی منظم، منسجم، و مستدل با

بهره‌گیری از روش‌سنجیده، جهت رسیدن

به کشف حقیقت است.

فقط به عبادت مشغول دارند، تو خویشتن را در راه درک معقولات به تکاپو انداز».

چهارم) نقش

پژوهش‌های دانشگاهی در توسعه ملی

یکی از پرارزش‌ترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد، دانشگاه است. دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های تحقیقاتی به دلیل دارا بودن دانش، اعتبار زیادی کسب کرده‌اند و پویندگان راه علم و ترقی محسوب می‌گردند. امروزه این واقعیت در طیف بسیار گسترده‌ای پذیرفته شده است که دانشگاه نقش حیاتی و کلیدی در ایجاد تغییرات تکنولوژیکی جامعه بازی می‌کند. بخش اعظم و ملموس این نقش را باید در همکاری مستقیم و غیرمستقیم دانشگاه در گسترش مرزهای دانش از طریق بازنگری مداوم دستاوردهای فنی و علمی دانست.

در غالب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه حل مسائل و رفع نیازهای اهداف توسعه ملی را دانشگاه و دانشگاهیان

تحقق بخشیده‌اند. البته، حصول این مقصود در سایه اصلاح بنیادی دانشگاه و هماهنگ نمودن فعالیت‌های آن با حرکت به سوی دانش، داشتن نیروی انسانی آشنا به پیشرفت‌های علمی پیچیده و تکنولوژی پیشرفته میسر می‌شود.

پنجم) اهمیت پژوهش

دانشگاهی از منظر مقام معظم رهبری

یکی از اساسی‌ترین مسائلی که مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر عنوان و بر آن پافشاری کرده‌اند، بحث جنبش نرم‌افزاری است. این پافشاری نشان از اهمیت جایگاه تحقیق و پژوهش در سیستم آموزشی است. ایشان در جمع عده‌ای از دانشجویان کشور با اشاره به استعداد انسانی بالا در کشور، جمعیت بالای دانشجویی، تجربه‌های موفق علمی، استادان مجرب، و ورود به برخی از حوزه‌های علوم پیشرفته و جدید، عامل اساسی در تحقق نهضت تولید علم را توجه جدی به علوم پایه و نظریه‌پردازی علمی دانستند و افزودند: «باید ضمن کاربردی کردن علوم و در نظر گرفتن نیازها، جهت‌گیری علمی مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی به سوی

تولید علم در کشور باشد». رهبر معظم انقلاب اسلامی رشد علمی کشور را یک فرایند دانستند و خاطرنشان کردند: «بر این اساس باید زمینه رشد علمی از ابتدایی‌ترین مراحل آموزش فراهم شود و این زمینه‌سازی تا پس از مقاطع عالی دانشگاهی ادامه یابد».

ششم) موانع اساسی پژوهش در دانشگاه

مهم‌ترین موانعی که انجام تحقیقات در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی کشورهای در حال توسعه و تحقق اهداف توسعه ملی را کند و چه بسا غیرممکن می‌سازد، را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

الف) عدم وجود روحیه علمی

متأسفانه امروزه دانشگاه‌های کشور بر آموزش نیروی انسانی متمرکزند و به دلیل نداشتن نظام ارزشیابی صحیح، محیط‌های دانشگاهی به یک محیط آموزشی صرف تبدیل شده است. علاوه بر این، به علت کاستی‌های سیستم آموزشی به پژوهش کمتر بها داده می‌شود و این فرایند در مقاطع بالاتر یعنی دانشگاه‌ها نیز ظهور پیدا کرده است. به طوری که دانشجویان ما در دوره‌های عالی تحصیلی



نیز علاقه کمتری به کارهای تحقیقاتی از خود نشان می‌دهند.

ب) عدم پابندی به اخلاق پژوهش

علی طائفی (۱۳۷۸) بررسی گسترده و نسبتاً جامعی در ارتباط با فرهنگ دانشگاهی ایران انجام داده است. وی بی‌توجهی به هنجارهای اخلاق علمی، مانند سرقت علمی مطالب دیگران، آماده‌خوری فرهنگی و علمی، و یا عدم تمایل برای تلاش جدی در راه تولید علم را از جمله نقاط ضعف فرهنگ علمی - پژوهشی کشور برمی‌شمارد.

ج) خودکم‌بینی علمی و تنبلی

از مهم‌ترین مشکلاتی که جامعه ایران و جهان سوم با آن روبه‌روست و شاید بتوان آن را بزرگ‌ترین مانع تولید علم نیز قلمداد کرد، خودکم‌بینی علمی، فقدان اعتمادبه‌نفس و کمبود جرئت نوآوری است. رشد پرشتاب و اعجاب‌آور علم و دانش در یک سوی جهان، سوی دیگر جهان را مرعوب ساخته است. جهان سوم و شرق، از جمله ایران، عملاً فاقد اعتمادبه‌نفس هستند، در نتیجه جرئت نوآوری ندارند. در عین حال احساس غنای کاذب، آفت بزرگ دیگری است که جامعه علمی کشور با آن روبه‌روست. چون ما از افکار علوم و اندیشه‌های وارداتی

اشباع می‌شویم، احساس نیاز نمی‌کنیم و این حالت موجب تنبلی ذهن شده است. این مانع، استقلال اندیشیدن را از اندیشمندان ما گرفته است.

د) مدرک‌گرایی به جای علم‌گرایی

از جمله آفات نوظهور در دانشگاه‌ها، که منشأ رکود علمی گردیده است، مدرک‌زدگی است. مدرک‌گرایی جایگزین محتوای غنی، تولید علم، درک پیچیدگی دانش روز و روش‌های کاربردی و تحقیقی شده است. مدرک در نظام علمی، باید نشانه یادگیری و عالم شدن باشد، نه اینکه انگیزه فعالیت در آن گردد.

ه) ابهام در نظام ارزش‌گذاری

بی‌ارزش بودن نوآوری یکی دیگر از موانع پژوهش و تولید علم در دانشگاه‌های کشور است. ما به جایگاه و منزلت تولید فکر و علم توجه نداریم و بین کسی که مجموعه‌ای از محفوظات را از یک کشور بیگانه فراگرفته با آن کسی که نوآوری کرده و حرفی تازه دارد، تفاوت نمی‌گذاریم.

جامعه علمی کشور به جای توجه به مضمون و اثر پژوهش، بیشتر به مجله، و هیئت تحریریه، سیمینار، سخنرانی کلیدی و به به رسوم و شهرت

می‌اندیشد. درست است که در جامعه دانش‌محور، یکی از راه‌های سنجش علم، بررسی میزان تولید مقالات علمی است؛ اما نمی‌توان برای رسیدن به چنین جامعه‌ای صرفاً سیاست افزایش تعداد مقالات را در پیش گرفت. در جامعه دانش‌محور، تولید مقاله نتیجه تحقق دانش و نفوذ آن در متن جامعه است، نه علت آن. جامعه دانش‌محور مقاله‌ها را می‌شمارد تا حساب و کتاب جهان علم را داشته باشد، نه اینکه مقاله‌نویسی و مقاله‌شماری مقصود باشد.

و) غیر کاربردی بودن تحقیقات

در دانشگاه‌ها به تحقیق به عنوان کاری نمادین نگاه می‌شود؛ ولی اینکه این تحقیق برای صنعت و به طور کلی کشور مفید باشد، کمتر مورد توجه بوده است. در تحقیقات این اصل اساسی، یعنی مفید بودن، نادیده انگاشته می‌شود.

ز) عدم آشنایی با روش تحقیق علمی

یکی از عوامل محدودکننده کارهای پژوهشی در کشورهای در حال توسعه کمبود چشمگیر افرادی است که در روش‌شناسی پژوهش آموزش لازم را دیده

باشند. بدون شک نازگی و نامیرایی آثار دانشمندان بزرگ اسلامی و ام‌دار «تحقیق ژرف» و «روشمند» آنان است. بر این اساس نقش انکارناپذیر روش در تحقیقات علمی روشن شده، این نکته آشکار می‌شود که هر جامعه علمی، اگر در کارآمد کردن روش خود ناتوان باشد، رو به افول خواهد گذاشت.

ح) عدم درک رابطه بین تحقیق و برنامه‌ریزی

فرهنگ پژوهش و تولید علم یک اصل در چارچوب مسائل کلان جامعه ما نیست. بیشتر برنامه‌هایی که در کشور اجرا می‌شود بدون پشتوانه علمی است. شکست بسیاری از برنامه‌های غیرکارشناسی خود گواه این امر است.

ط) کمبود امکانات و تجهیزات

انتظار طبیعی برای انجام تحقیق آن است که محقق محیطی علمی، ابزار و اعتبارات مناسب برای تحقیق را داشته باشد.

ی) کمبود اعتبارات تحقیقاتی

تحقیقات در دانشگاه، به ویژه در دانشگاه‌های پیشرفته، به دو صورت گروهی و انفرادی انجام می‌شود. تحقیقات گروهی در دانشگاه به وسیله

کادر آموزشی، پژوهشگران تمام وقت و پاره وقت، و دانشجویان - به ویژه دانشجویانی که در مقاطع تحصیلی بالاتر از لیسانس به تحصیل اشتغال دارند - انجام می پذیرد. اعتبارات تحقیقاتی این نوع پژوهش ها از سوی دانشگاه ها و یا مؤسسات دولتی و خصوصی تأمین می شود. تحقیقات انفرادی به صورت پراکنده در سطح دانشگاه ها توسط اعضای هیئت علمی و یا دانشجویان و به منظور ارتقای شغلی، یا بخشی از تکلیف درسی دانشجوی در درسی خاص و یا پایان نامه تحصیلی وی انجام می پذیرد. در واقع، بخش عمده ای از این تحقیقات به صورت بنیادی بوده و ارتباط درخور ملاحظه ای با اهداف توسعه ملی ندارد.

این وضع در دانشگاه های مترقی کشورهای پیشرفته متفاوت است. به طور کلی تحقیقاتی که در آن دانشگاه ها، چه انفرادی و چه گروهی، انجام

می گیرد، بخش عظیمی از اعتبارات تحقیقاتی دولت و بخش خصوصی را به خود تخصیص می دهد. موضوع و زمینه این تحقیقات در ارتباط با نیاز دولت، مؤسسات وابسته به دولت، صنایع و سایر سازمان های غیر آکادمیک است که قسمت اعظم هزینه های اجرایی طرح های تحقیقاتی را آنها تأمین می کنند.

برآورد اعتبارات تحقیقاتی کشورهای پیشرفته جهان برای دستیابی به تکنولوژی برتر حاکی از آن است که کشورهای توسعه یافته صنعتی

بیش از دو درصد از تولید ناخالص ملی خود را صرف تحقیق و توسعه می کنند. همچنین کشورهای بزرگ صنعتی ۹۶ درصد از

هزینه های مربوط به تحقیق و توسعه جهان سرمایه داری را به کار برده اند که خود معیاری دقیق برای شناخت راه های اصلی رشد و توسعه است. در کشورهای پیشرفته در برابر هر یک میلیون نفر

واژه

پژوهش و پژوهیدن در فرهنگ

دهخدا و امید به معنای واری کردن

واقعیت، به حقیقت امری رسیدگی کردن و در فرهنگ

قریب به معنای بررسی و رسیدگی کردن و بازجویی

کردن آمده است. این واژه بیشتر تحت عنوان

«تدقیق و تفحص» و مشابه آنها استفاده

می شده است.

دست کم ۲۲۰۰ متخصص و در کشورهای در حال توسعه در برابر هر یک میلیون نفر حدود ۱۲۰ متخصص وجود دارد.

ک) فقدان ارتباط داخلی و بین المللی

عدم ارتباط دانشگاه و مؤسسات تحقیقاتی با سایر بخش های جامعه و نبود پیوند علمی و تحقیقاتی بین دانشگاه و مراکز تولیدی و خدماتی، زمینه های مناسب برای حمایت از دانشگاه و وظایف تحقیقاتی آن را از بین می برد و مانع رشد و ترغیب نیروهای دانشگاهی در پرداختن به تحقیق می شود. از سوی دیگر، بیگانگی دانشگاه ها و کادرهای علمی با دیگر دانشگاه ها و هم تایان خود در کشور و همچنین غافل ماندن از پیشرفت ها و دستاوردهای ارزنده تحقیقاتی سایر کشورها و دانشگاه های پیشرفته، از جمله عوامل بازدارنده تحقیقات علمی در دانشگاه ها است.

ل) ضعف مدیریت

عدم وجود یک سازمان مرکزی قوی که فعالیت های تحقیقاتی دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی و امور پژوهشی وزارتخانه ها و سازمان های مختلف



در امر پژوهش؛

- ۴) فقدان فراتحلیل پیرامون پژوهش‌ها؛
- ۵) پایین بودن کیفیت طرح‌های پژوهشی؛
- ۶) عدم توجه به فرهنگ پژوهش؛
- ۷) فقدان نظام نظارتی و ارزشیابی بر فعالیت‌های پژوهشی و فقدان نظارت دقیق بر اجرای صحیح فعالیت‌های پژوهشی؛
- ۸) اعمال سلیقه‌های شخصی در ارزشیابی طرح‌ها و مقاله‌ها؛
- ۹) نبود فهرست مشخصی از مسائل و اولویت‌های پژوهشی؛
- ۱۰) کمبود بانک‌های اطلاع‌رسانی داخلی مربوط به پژوهش‌های انجام شده و در حال پژوهش؛
- ۱۱) الزامی نبودن پژوهش در دانشگاه‌ها؛

هفتم) راهکارهای نهادینه‌سازی فرهنگ پژوهش در دانشگاه‌ها

برخی از راهکارهای عملی نهادینه‌سازی فرهنگ پژوهش در دانشگاه‌ها عبارت‌اند از:

- ۱) اسلامی کردن دانش به معنای واقعی در دانشگاه‌ها، که مسیر آن دریافت حقیقت باشد، می‌تواند راه تعالی پژوهش را هموار سازد.
- ۲) تأکید بیشتر بر اهمیت پژوهش در اسلام در درس مختلف به منظور فرهنگ‌سازی

ایتالیا برای توجه بیشتر به امر تحقیق، وزارت‌خانه‌ای با نام «وزارت تحقیقات علمی» ایجاد شده است. از دیگر عواملی که سبب شده است فضای دانشگاه‌ها، فضای واقعی پژوهش نباشد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱) کمبود نیروی انسانی ماهر و ضعف مهارت‌های پژوهشی؛
- ۲) بی‌توجهی و بی‌اعتمادی مدیران نسبت به یافته‌های پژوهش؛
- ۳) ناهماهنگی در سازمان‌های مسئول

دولتی و بخش خصوصی را در راستای اهداف برنامه‌های توسعه ملی هماهنگ و با شیوه‌های صحیح کنترل و ارزشیابی کند، از موانع و عوامل بازدارنده تحقیقات پیشرفته است. در بیشتر کشورهای پیشرفته چنین سازمانی وجود دارد و به دور از شکل و نوع حکومت به صورت وزارت تحقیقات یا سازمان ملی تحقیقات کلیه فعالیت‌های فوق‌الذکر را بر عهده دارد. برای مثال در آلمان «وزارت فدرال تحقیقات و تکنولوژی» وجود دارد و در

پیرامون ارزش‌ها و باورهای اسلامی در آن از طریق بازنگری در سر فصل دروس.

۳) آموزش روش‌های جدید مبتنی بر فعالیت و پژوهش دانشجویی با برقراری کارگاه‌های آموزشی برای اساتید و مدیران عالی دانشگاه.

۴) قرار دادن دروس پژوهشی تخصصی در تمام رشته‌های دانشگاه و انجام پژوهش‌های کوچک و مرتبط در دوره کارشناسی به عنوان یک تکلیف جدی.

۵) تغییر الگوهای حاکم بر تعلیم و تربیت در دانشگاه‌ها از محتوامداری به پژوهش‌محوری به وسیله فرهنگ‌سازی از طریق آموزش و تغییر در سیاست‌ها. ۶) پرورش روحیه علمی دانشجویان و اعتقاد به ارزش‌های علمی و عمل به هنجارهای علمی به معنای واقعی آن که مغایر با ارزش‌های دینی نباشد.

۷) تحقیقات کاربردی و مسئله‌مدار در سطوح پایین دانشگاهی بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا نتایج پژوهش ملموس شود.

۸) فراهم‌سازی امکانات و تجهیزات و منابع علمی در کلیه سطوح دانشگاهی.

۹) فراهم کردن شرایط مناسب برای ارتباط با دانشمندان و دیگر محققان داخلی و خارجی.

۱۰) تأمین فضای فیزیکی مناسب مانند آزمایشگاه، مزرعه تحقیقاتی و مواد مصرفی مورد نیاز برای اجرای تحقیقات. ۱۱) ایجاد بانک اطلاعات و تأمین منابع لازم، مانند کتابخانه‌های تخصصی، مجلات علمی، اسناد و تأسیس و تجهیز سایت‌های رایانه‌ای.

۱۲) تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص، محقق و تربیت کارکنان کمک تحقیقاتی.

۱۳) ارزشیابی، تشویق و حمایت از تحقیقات دانشجویی در سطوح مختلف کشور

۱۴) تعیین ضوابط صریح و روشن برای تحقیق و پژوهش و مشخص شدن مراجع تصمیم‌گیری برای تصویب طرح‌های پژوهشی به منظور جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی. ۱۵) با توجه به کثرت پایان‌نامه‌های تحصیلی باید به پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد اهمیت بیشتری داده و برای تهیه و تدوین آنها برنامه‌های علمی تنظیم شود تا از این طریق اهمیت تحقیقات دانشجویی در کشور بیان گردد.

منابع:

۱. کلاه‌دوزی، احمد و سمیه صادقی شه‌میرزادی، تابستان ۱۳۹۰، «تأملی بر اصول اخلاقی و دیگر معیارهای کیفیت‌بخشی به

پژوهش دانشگاهی»، پاسداری فرهنگی، شماره ۴. ۲. فعلی، سعید و غلامرضا پزشکی‌راد و محمد چیدری، زمستان ۱۳۸۵، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های پژوهشی و تولید علم»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۲، شماره ۴ (۴۲).

۳. کلاه‌دوزی، احمد، زمستان ۱۳۸۹، «ضرورت پژوهش‌محوری و موانع آن در فرهنگ دانشگاه‌های کشور با تأکید بر دانشگاه امام حسین(ع)»، پاسداری فرهنگی، شماره ۲.

۴. طبیبی، سید جمال‌الدین، «نقش دانشگاه و پژوهش در توسعه ملی»، پاییز و زمستان ۱۳۷۳، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸.

۵. پیرمرادی، محمد جواد، بهار ۱۳۹۱، «راهبرد نظام تربیتی اسلام برای همگانی‌سازی تولید علم چیست؟»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، شماره ۱۴.

۶. عبدالسلام، «مقدمه‌ای بر آموزش علوم تکنولوژی در توسعه جنوب»، ۱۳۶۹، ترجمه محمدباقر ملکی و محمدرضا حمیدی‌زاده، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، دفتر همکاری‌های علمی و روابط بین‌الملل.



ازدواج دانشجویی؛ آسیب‌ها و راهکارها

مقدمه

خانواده اساسی‌ترین واحد اجتماعی به شمار می‌آید. چگونگی بافت خانواده، روابط اعضا با یکدیگر، روابط آنها با محیط اجتماعی و مناسبات خانوادگی و خویشاوندی همه و همه بر ساختارها و سبک زندگی جامعه تأثیر زیادی می‌گذارد. نقطه آغازین شکل‌گیری یک خانواده جدید ازدواج است. ازدواج فرایندی است که منجر به تشکیل نخستین سلول اجتماعی می‌گردد. ازدواج واقعه‌ای اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده اهمیت بسیار دارد، به شکلی که می‌توان گفت بدون ازدواج خانواده مفهوم چندان روشن و واضحی ندارد.

ازدواج یکی از پیچیده‌ترین ارتباطات بشری است که در جریان آن انسان بر مبنای یک سلسله شباهت‌های ادراک شده، طولانی‌ترین پیوند عاطفی ممکن را آغاز می‌کند. مسئله ازدواج و تشکیل خانواده، از مهم‌ترین رویدادهای زندگی هر انسان است که با انتخاب همسر آغاز می‌شود و اگر به درستی و به‌موقع صورت گیرد، کامل‌ترین پاسخ به نیاز اساسی هر انسان است؛ تا آنجا که زندگی زیستی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و روانی فرد را به‌طور جدی دستخوش تغییر و تحول می‌کند. ازدواج اگر با موفقیت همراه باشد، فرد را به آرامش و کمال می‌رساند و سبب تعادل و تنظیم رفتار و خلق و خوی او شده، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها و تنهایی‌های روحی

و روانی‌اش را خاتمه می‌دهد. خداوند در آیه ۳۰ سوره روم، رسیدن به آرامش در کنار همسر را از آیات و نشانه‌های خود می‌داند و مودت، دوستی و مهرورزی را از الزام‌های رسیدن به آرامش ذکر می‌کند.

ازدواج رابطه‌ای است که شخص با «انتخاب» وارد آن می‌شود و تقریباً نیم قرن در این «رابطه» می‌ماند. زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند باید بتوانند خود را با نیم قرن تحولات اجتماعی و رشد و تغییرات طرف مقابل تطبیق دهند. اگر از عهده این کار برنیایند، به احتمال زیاد رابطه زناشویی آنان دچار مشکل خواهد شد.

یکم) پیامدهای مثبت ازدواج دانشجویان

براساس پژوهش‌های انجام شده، ازدواج کارکردهای مثبتی در سبک زندگی، موفقیت و آرامش دانشجویان دارد. در سطح فردی، ازدواج نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. ازدواج عالی‌ترین نظام ارتباطی برای دستیابی به نیازهای عاطفی، هیجانی، اجتماعی و ایمنی افراد بزرگسال محسوب می‌شود. از سوی دیگر، در سطح کلان، نهاد خانواده می‌تواند از طریق مکانیسم‌هایی، هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی را تعدیل و حتی حذف کند و عملکرد اجتماعی و اقتصادی او را بهبود بخشد. در ارتباط با این موضوع مطالعات بیشتر توصیفی‌ای وجود دارد، جمله:

برخی تحقیقات نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین ازدواج و آرامش روانی در افراد هستند و بیان می‌دارند که هم افراد مجرد خوشحال بیشتر احتمال دارد که ازدواج کنند و هم افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد هم‌سن، خوشحال‌ترند. مردان طلاق گرفته بیشتر از دیگران دارای اختلالات روانی خفیف هستند. نیز وضعیت بهداشت روانی دانشجویان متأهل به طور معناداری بهتر از دانشجویان مجرت است.

در یک مطالعه بر روی شبکه ارتباطی افراد و امکان یافتن شغل جدید، ۶۰/۹ پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که بین آنها و کارفرما یک واسطه یا بیش از یک واسطه وجود داشته است. بنابراین یک فرد به لحاظ حضور در یک ساختار دیگر این

توانایی را به دست می‌آورد که از تعداد واسطه‌های (آشنایان) بیشتری برای یافتن شغل برخوردار شود که ازدواج این امر را مهیا می‌کند.

یکی از موارد تأثیرگذاری ازدواج را می‌توان در بعد آموزشی و تحصیلی دانشجویان دانست. ازدواج و تأهل رابطه مستقیمی بر دست‌آوردها و موفقیت‌های تحصیلی دانشجویان دارد. در یکی از مطالعات صورت گرفته، محقق قصد داشته است که آزمون کند تا چه اندازه نتایج دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی وابسته است به وضعیت تأهل و جنسیت فرد.

در این مقاله نشان داده شده که ازدواج بر روی دانشجویان زن و مرد آثار مثبتی بر جای می‌گذارد. در دانشجویان مردی که در آغاز تحصیلات تکمیلی ازدواج کرده‌اند، به طور میانگین ۳/۹ درصد بیشتر احتمال دارد که در سال تعیین شده و مقرر فارغ‌التحصیل شوند.

یافته‌های مطالعات نشان می‌دهد که مردان متأهل در مقایسه با مردان مجرد بیشتر تولیدکننده هستند و سلامت روانی و فیزیکی (جسمی) بیشتری دارند و در رفتارهایی با مخاطره و ریسک کمتری درگیر می‌شوند. تأثیر ازدواج معمولاً بر روی زنان کمتر است و تغییرات رفتاری که با ازدواج همراه می‌شود برای مردان نسبت به زنان بیش‌تر است.

نتایج مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که افراد ازدواج کرده پیوندهای بیشتری با خویشاوندان و همسایگان

مسئله

ازدواج و تشکیل خانواده، از

مهم‌ترین رویدادهای زندگی هر انسان است

که با انتخاب همسر آغاز می‌شود و اگر به درستی و

به‌موقع صورت گیرد، کامل‌ترین پاسخ به نیاز اساسی هر

انسان است؛ تا آنجا که زندگی زیستی، اخلاقی، اجتماعی،

اقتصادی و روانی فرد را به طور جدی دستخوش

تغییر و تحول می‌کند.

و پیوندهای کمتری با دوستان و همکاران خود دارند. ازدواج خویشاوندان بیشتری را وارد شبکه فرد می‌کند.

تأهل علاوه بر اثرگذاری بر ساختار شبکه، بر میزان دریافت و احساس حمایت نیز مؤثر است؛ زیرا در این حالت همیشه یک شریک صمیمی به عنوان یک منبع حمایت وجود دارد. مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که رابطه تأهلی حاوی سطوح بالای حمایت اجتماعی ادراک شده است. ادراک

بالای حمایت در رابطه تأهلی بیانگر این است که صرف داشتن رابطه، حتی اگر حمایت واقعی در آن کم باشد یا وجود نداشته باشد، باعث ایجاد احساس حمایت می‌شود. این رابطه می‌تواند دست کم سه پیامد حمایتی برای افراد متأهل داشته باشد:

- ۱- هر دو زوج را در روابط اجتماعی بیشتری درگیر می‌کند که باعث افزایش منابع حمایتی می‌شود.

- ۲- در برابر بیماری‌های روانی و جسمانی افراد را بهتر حمایت می‌کند.

- ۳- در هنگام سختی‌ها، دست کم یک نفر وجود دارد که فرد را همراهی و کمک کند.

دوم) جشن ازدواج دانشجویی

متأسفانه یکی از معضلات و مشکلات جامعه کنونی ما بالا رفتن سن ازدواج و آمار بالای طلاق است. از اقداماتی که در پاسخ به معضل افزایش سن ازدواج و کاهش تمایل به ازدواج، به ویژه در دانشجویان دانشگاه‌ها، انجام شده است، برگزاری

جشن‌های ازدواج دانشجویی است. یکی از اهداف برگزارکنندگان و طراحان این جشن‌ها، ترغیب دانشجویان به ازدواج از طریق ازدواج آسان و بدون تشریفات و همچنین تسهیل فرایند کلی ازدواج و فرهنگ‌سازی در جامعه برای تسهیل ازدواج در خانواده‌ها است. نخستین جشن ازدواج دانشجویی در زمستان ۱۳۷۶ با ابتکار نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی و با شرکت ۶۰ زوج از دانشجویان این دانشگاه برگزار شد. زمستان

سال بعد (۱۳۷۷) این جشن در مقیاسی وسیع‌تر و با حضور ۲۰۰ زوج در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. مشارکت فعال رسانه ملی کشور در انعکاس این جشن، توجه اقشار مختلف را به این مسئله جلب کرد. در سال ۱۳۷۸ تعدادی از دانشگاه‌های کشور در شهرهای مختلف اقدام به برگزاری این جشن‌ها نمودند و جشن ازدواج یک هزار زوج دانشجویی ۱۳ دانشگاه در شهر تهران و با مدیریت نهاد نمایندگی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. در سال ۱۳۷۹ نهاد مرکزی نمایندگان مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها با تشکیل ستادی مسئولیت برگزاری این جشن‌ها را در سراسر کشور بر عهده گرفت. بدین ترتیب با گسترش ابعاد کمی و کیفی جشن‌های ازدواج دانشجویی، این جشن‌ها عملاً به یک پروژه ملی در بخش برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی کشور تبدیل شد.

الف) اهداف جشن ازدواج دانشجویی

- ۱- دعوت به آسان‌گیری مراسم ازدواج و ساده‌زیستی؛
- ۲- جلوگیری از گسترش فساد در قالب دوستی‌ها و ارتباطات فریبنده؛

زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند باید بتوانند خود را با نیم قرن تحولات اجتماعی و رشد و تغییرات طرف مقابل تطبیق دهند. اگر از عهده این کار برنمایند، به احتمال زیاد رابطه زناشویی آنان دچار مشکل خواهد شد.



دیگر شکاف ایجاد شده بین بلوغ جنسی و اقتصادی ناشی از اشتغال به تحصیل و شرایط اقتصادی جامعه، ارضای نیازهای روانی و جنسی را با وقفه‌ای طولانی مواجه می‌کند که این شرایط نیز به نوبه خود زمینه‌ساز فساد و کاهش بهداشت روانی در قشر پویا و آینده‌ساز کشور می‌گردد. تجربه تجرد و ازدواج ناموفق فشارهای روانی و اضطراب زیادی را برای جوانان به همراه خواهد داشت و پیامدهای ناشی از آن جامعه را به سقوط و انحطاط خواهد کشاند.

همسرگزینی و تشکیل خانواده مهم‌ترین رویداد زندگی دوره جوانی است که تا پایان عمر بر جریان حیات و سعادت فرد اثر می‌گذارد. ازدواج موفقیت‌آمیز و تشکیل خانواده باثبات تابع توانایی برای صمیمی شدن است.

مسئله ازدواج دانشجویی تنها به جوانان خواستار ازدواج مربوط و محدود نمی‌شود، بلکه یک پدیده چندبُعدی است و به مسائل فرهنگی و ارزش‌های جاری و ساری در پیکره اجتماع، خانواده‌ها و مسائل اقتصادی همچون: اشتغال، مسکن، درآمد و

۳- تشویق جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده؛

۴- تقویت سلامت روان و کاهش استرس و تمرکز بر روی تحصیل؛

۵- سالم‌سازی محیط علمی و عاری کردن آن از مظاهر

فساد و تحریکات جنسی؛

۶- جهت‌دهی سالم به غرایز و جلوگیری از طغیان و انحراف آن.

مزایای ازدواج‌های دانشجویی را نیز می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- شناخت طرفین در محیط دانشجویی؛

۲- وجود دانشگاه به منزله پلی بین دانشجویان خواهان

ازدواج و خانواده‌های آنان؛

۳- انجام مشاوره‌های همسرگزینی؛

۴- حمایت معنوی بعد از ازدواج (سازماندهی خیران، اعطای

وام‌های دانشجویی درازمدت یا بلاعوض، ترغیب بانک‌ها به

اعطای وام‌های کم‌بهره، ترغیب وزارت مسکن به ساخت

خانه‌های ارزان قیمت و اولویت واگذاری به دانشجویان، افزایش

خوابگاه متاهلین با پرداخت هزینه اجاره مسکن).

سوم) آسیب‌شناسی ازدواج دانشجویی

گاهی آشنایی‌های دختر و پسر در کلاس‌های مشترک بدون

در نظر گرفتن ابعاد مختلف زندگی به ازدواج و طرفین بعداً از آن

با اختلاف و واقعیت‌های زندگی، که از آن بی‌اطلاع‌اند، روبه‌رو

می‌شوند. دانشجو برای کسب مدرک تحصیلی، اتمام نظام

وظیفه و به دست آوردن شغل مناسب زمان زیادی از دوران

جوانی خود را از دست می‌دهد که در این رهگذر باید سال‌های

زیادی را در محرومیت جنسی به سر برد. دانشجویانی هم که

از حمایت مالی والدین برخوردارند به علت وابستگی‌های مالی

با دخالت خانواده و مسائل پیرامونی آن روبه‌رو هستند. از سوی



ب) مسائل فرهنگی و آداب و رسوم

۱- در نظر گرفتن مهریه سنگین و مطالبه آن توسط برخی دخترخانم‌ها در ابتدای ازدواج، که گاهی سبب جدایی و طلاق برخی زوج‌ها و بعضاً موجب نگرانی و استرس پسران شده است.

۲- توقعات زیاد و سخت‌گیری‌های افراطی برخی دختران و پسران و والدین آنان در تعیین شرایط ازدواج.

ج) مسائل اجتماعی

۱- وجود فساد و ناپهنجاری‌های اخلاقی و ارتباطات ناسالم آسان که عملاً با توجه به نداشتن شغل و درآمد، امکان ارضای نیازهای جنسی را، حتی از طریق خلاف، فراهم می‌کند.

۲- تأثیرپذیری از الگوهای فرهنگی در فیلم‌ها و حتی کارتون‌های غربی (توسط کودکان دیروز که جوانان امروزند).

۳- تحول جامعه و روابط اجتماعی از شکل سنتی به جامعه مدرن، بدون تغییر در روش‌های زندگی، همسریابی و ازدواج؛ مثلاً دختران و پسران، خودشان خواهان خواستگاری و زوج‌یابی‌اند و برخی والدین مخالف این دیدگاه.

۴- تنوع و افراط در آرایش، خودآرایی و عرضه کردن خود توسط زنان در مجامع عمومی، عدم رعایت شرم و حیا و تأکید صرف بر زیبایی ظاهر و مسابقه در این زمینه.

۵- آزادی در روابط مردان و زنان بدون رعایت مسائل دینی و ارزش‌ها، که منجر به ارتباطات نادرست و ازدواج و طلاق‌های مکرر می‌شود.

۶- تهاجم فرهنگی بیگانگان و ترویج ارزش‌های غربی،

هزینه‌های اولیه برپایی مراسم ازدواج، مرتبط می‌گردد. اگرچه ازدواج یک نیاز و ضرورت انکارناپذیر است، اما نمی‌توان از روی اضطرار به آن تن داد یا کسی را مجبور به آن کرد؛ زیرا در این صورت تبعات منفی آن یک عمر متوجه طرفین و حتی خانواده‌های آنان می‌شود.

چهارم) موانع ازدواج دانشجویان

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان موانع ازدواج دانشجویان را این‌گونه برشمرد. بدیهی است که اولین راهکار عملی مؤثر در فراهم‌سازی زمینه ازدواج، برطرف کردن این موانع است.

الف) مسائل اقتصادی

۱- نداشتن شغل و درآمد کافی؛

۲- نداشتن مسکن و هزینه ازدواج و مراسم سنگین آن؛

۳- پرهزینه شدن تشریفات ازدواج در جامعه و سخت‌گیری مضاعف توسط برخی خانواده‌ها و دخترها.

نمایش جاذبه‌های جنسی و تجملات از طریق وسایل ارتباطی همچون: ماهواره، اینترنت، ایمیل، چت، موبایل، فیلم‌ها، برپایی جلسات، جشن‌ها و پارتی‌های شبانه و استفاده از مشروبات الکلی، سیگار، مواد مخدر و روانگردان‌ها.

۷- ادامه تحصیل دختران و ورود آنان به دانشگاه و در نتیجه بالا رفتن توقعات و سخت‌گیری در انتخاب همسر.

۸- کثرت موارد نابهنجاری‌های اخلاقی و هنجار به نظر آمدن آنها نزد جوانان، به دلیل عدم برخورد اجتماعی و قانونی با مروجین آن.

۹- مشاهده تضاد طبقاتی و اختلاف زیاد در سطح درآمدها، امکانات و زرق و برق‌ها در جامعه و مقایسه فاصله خود و خانواده خویش با همسالان و خانواده‌های آنها و ایجاد بلندپروازی در دختران و پسران برای ازدواج‌های تخیلی.

۱۰- ارتباط با دوستان و همسالان مسئله‌دار (از جهات مختلف) و تأثیرپذیری از آنان.

۱۱- بدآموزی‌های تلویزیون در قالب ارائه سریال‌های فریبنده و تحریک‌کننده و ازدواج‌های ایده‌آل و دور از دسترس برای جوانان و خانواده‌ها.

۱۲- نبود مراکز مشاوره کافی و نبود فرهنگ مراجعه به مشاور.

(د) مسائل نگرشی

۱- وجود مشاجره، درگیری و نارضایتی در بین اعضای برخی خانواده‌ها و تأثیر سو آن بر روی برخی از جوانان که ازدواج را مانع آرامش و آزادی می‌دانند (شکست ازدواج، افزایش

طلاق و...).

۲- عدم اطلاع از فلسفه و ضرورت‌های ازدواج و خلاصه کردن ازدواج در تأمین نیازهای جنسی.

۳- عدم آموزش خانواده‌ها و نداشتن فرهنگ مراجعه به مشاور برای حل مسائل زندگی و آگاهی از ضرورت‌های ازدواج.

(ه) مسائل روانی

۱- وجود نگرش‌های غلط که ازدواج را مانع رشد و آزادی فردی می‌داند (ترس از ازدواج).

۲- ادعای پیدا نشدن مورد مناسب و سالم برای ازدواج، به علت مشاهده موارد زیاد خلاف در جامعه و ایجاد این شبهه که همه افراد منحرف و فاسدند!

(و) مسائل خانوادگی

۱- عدم مراقبت‌های نظارتی و اخلاقی توسط والدین و آشنایان در روابط و ارتباطات، به ویژه در محیط‌های آپارتمانی و محله‌های شلوغ (آزادی بی‌حدوحصر و عدم پای‌بندی به سنت‌ها و ارزش‌ها).

۲- محدود شدن ارتباطات عاطفی و خانوادگی بین بستگان و آشنایان و عدم تأمین امکان ازدواج از طریق این شبکه؛ در نتیجه کشیده شدن جوانان به خیابان‌ها و معاشرت با دوستان ناباب.

۳- بی‌توجهی خانواده‌ها، افکار عمومی و آشنایان و فامیل نسبت به امر ازدواج جوانان و بزرگ‌نمایی مشکلات زندگی و شرایط ازدواج.

یکی از

موارد تأثیرگذاری ازدواج

را می‌توان در بعد آموزشی و تحصیلی

دانشجویان دانست. ازدواج و تأهل رابطه

مستقیمی بر دست‌آوردها و موفقیت‌های

تحصیلی دانشجویان دارد.



۴- حمایت‌های افراطی، کنترل بیش‌ازحد و سخت‌گیری برخی خانواده‌ها و در مقابل، رها کردن عدم و حمایت برخی دیگر.

ز) مسائل اعتقادی

- ۱- ضعف باورها، اعتقادات دینی و اخلاقی و نداشتن توکل کافی به خداوند.
- ۲- عدم اطلاع و آگاهی دقیق از مبانی دینی و فلسفه احکام در روابط زن و مرد.

ح) قوانین و مقررات

- ۱- آسان شدن طلاق و مطلقه ماندن عده زیادی از زنان و مجرد ماندن مردان و تأثیر این امر بر اطرافیان و جوانان.
- ۲- عدم کنترل میزان مهریه و قابل مطالبه بودن آن توسط زن و به اجرا گذاشتن آن، به رغم ناتوانی مرد در پرداخت مهریه، که منجر به تنش، طلاق و جدایی می‌شود.
- پنجم) راهکارهای ایجاد و ترویج ازدواج صحیح دانشجویی
- ۱- تشکیل مؤسسه ملی خانواده برای سیاست‌گذاری در مورد مسائل کلان خانواده در سطح کشور و هماهنگی و همسویی نهادهای مرتبط با امور خانواده.
- ۲- حمایت عملی از نهاد خانواده و آسان‌سازی ازدواج و تقویت آن از طریق اصلاح قوانین و مقررات (به ویژه برای دانشجویان).
- ۳- ارائه تسهیلات و خدمات ویژه برای تهیه مسکن و اعطای وام برگزاری مراسم ازدواج به خانواده‌ها و دانشجویان.
- ۴- سیاست‌گذاری صحیح در مورد کنترل فیلم‌نامه‌ها و ساخت برنامه‌های صداوسیما.

- ۵- اطلاع‌رسانی به طُرق مختلف و انجام کارهای فرهنگی، آموزشی و هنری برای تقویت و تحکیم خانواده، آسان‌سازی ازدواج، بیان آثار زیان‌بار طلاق، و ترویج فرهنگ مشاوره.
- ۶- تدوین کتب آموزشی درباره مسئله ازدواج و تشکیل خانواده و اجباری کردن گذراندن دوره‌های مهارت‌های زندگی برای جوانان قبل از عقد.
- ۷- ایجاد سازوکارهای قانونی برای تعیین مهریه متناسب با توان افراد.
- ۸- تغییر و اصلاح نگرش‌ها و باورها از طریق تقویت مبانی دینی و اخلاقی درباره اهمیت ازدواج و سنت‌ها.
- ۹- استفاده از عناصر و ابزارهای فرهنگی مؤثر، مثل استادان دانشگاه، فرهنگیان، روحانیان، معتمدین محل، ائمه جماعت مساجد، و ساخت فیلم‌ها و سریال‌های نزدیک به واقعیت‌ها و مسائل تشکیل خانواده در قشرهای مختلف، با تأکید بر وضع مطلوب و با استفاده از نظریات جوانان و خانواده‌ها و پخش آنها در تلویزیون.
- ۱۱- یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعاتی که باید به آن توجه



اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان

شغل، نقش یا کار خاصی است که در برابر پاداش (حقوق و دستمزد) باشد و شاغل شخصی است که برای کسب مزد، سود و درآمد کار میکند. این اصطلاح شامل کسانی که در مزرعه یا کارگاه خانوادگی بدون مزد کار می‌کنند، نیز می‌شود.^۱

اشتغال نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع انسانی معاصر است که در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش قابل توجهی در میزان استمرار فرایند توسعه بر عهده دارد. بیکاری یا عدم اشتغال نیروی انسانی آثار زیانبار مختلف و متنوع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی را در پی دارد.

از آنجا که در هر جامعه‌ای هزینه‌های سنگینی برای آموزش افراد به منظور دستیابی آنان به شغل و همچنین پاسخگویی به نیازهای بازار کار پرداخت می‌شود؛ بیکاری دانش‌آموختگان عالی‌کشور و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، که مهم‌ترین بخش سرمایه

خاص شود، آموزش مسائل زناشویی و جنسی به جوانان است. جوانان ناآگاهانه ازدواج می‌کنند و لذت لازم را از این پیوند نمی‌برند. آموزش مسائل جنسی و زناشویی یک امر واجب است که به تفکیک جنس برای دختر و پسر در دانشگاه‌ها باید تدریس شود. علاوه بر این به دلیل اهمیت ارتباط دختر و پسر در دوران دانشجویی و قبل از ازدواج، چگونگی این ارتباط نیز نیاز به آموزش دقیق دارد.

۱۲- مسائل اقتصادی مهم‌ترین عامل در ازدواج موفق دانشجویی است. پول و عوامل کسب آن، کلید حل ازدواج است. لذا تا زمانی که داشتن شغل ثابت به هر شکل (رسمی و غیررسمی) در دوران دانشجویی، امکان‌پذیر نباشد، تشویق دانشجویان به ازدواج، غیرعقلانه به نظر می‌رسد. برای حل این معضل تأسیس دفتری به عنوان رابط دانشگاه با مراکز صنعتی و سازمان‌های دولتی به منظور کاربایی و نیز دایر کردن صندوق‌های رفاه دانشجویی امری ضروری است. به دلیل برخورد دانشجویان و گرایش‌های مختلف فرهنگی در محیط دانشگاه، برای جلوگیری از اختلافات و کمرنگ کردن تفاوت‌های فرهنگی، مواردی چون تفاوت‌های طبقاتی، تحصیلی و جسمانی در انتخاب همسر حتماً در نظر گرفته شود.

۱. راهکارهای توسعه کارآفرینی در ایران: راهکارهای تواناسازی در راستای برابری اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در ایران.

انسانی قلمداد میشوند، دارای آثار و تبعات مضاعف‌تر،

پیچیده تر و زیان بارتری در حیات اجتماعی

کشور است. بیکاری فارغ‌التحصیلان

باعث هدر رفتن سرمایه انسانی کشور

است. از آنجا که اکنون رقابت اقتصادی،

بیش از پیش به نیروی انسانی آموزش

دیده و متخصص وابسته است، بیکاری

فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به معنی از دست

دادن سرمایه های مادی، علمی و فرهنگی است.

اگرچه آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص باید همواره

یکی از اهداف نظام آموزش هر کشور در مسیر توسعه باشد،

اما آموزش و تربیت نیروی انسانی باید به گونه ای باشد که

فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی در هر سطحی به راحتی بتوانند

جایگاه خود را در بازار کار بیابند و به عنوان یک عنصر مولد

وارد جریان کار و تولید شوند.

بازار کار ایران در سال‌های اخیر شاهد رشد روزافزون

نیروی انسانی تحصیل کرده بوده است. در این بین افزایش

کسانی که به خیل بیکاران جویای کار می پیوندند قابل توجه است.

البته بحث نیازمندی بازار کار و یافتن رابطه با اشتغال

فارغ‌التحصیلان دانشگاه، نیازمند داشتن بانک اطلاعاتی دقیق

از شرایط بازار کار، تخصص‌های مورد نیاز و همچنین داشتن

اطلاعات دقیق از پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها است. متأسفانه در

کشور ما چنین بانک اطلاعاتی‌ای وجود ندارد.

یکم) عوامل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

می توان عوامل زیر را در بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

تحقق

سعادت در بُعد مادی نمی تواند

با تکیه صرف بر نیروی فرد امکان پذیر

باشد، بلکه به تعاون و همکاری عمومی وابسته

است. دین اسلام نیز بر کار گروهی و همکاری تاکید

زیادی دارد و دست یاری الهی را پشتیبان

جماعت معرفی کرده است

مؤثر دانست:

به علت عدم گسترش نیروی ماهر و

متخصص و کافی در آموزش عالی و وجود

وابستگی های صنعتی به خارج، تعدادی

از خارجیان جذب بازار کار می شوند که

این امر خود بر بیکاری فارغ‌التحصیلان

دانشگاهی تأثیر می گذارد.

مهاجرت روستائیان به شهرها باعث ایجاد

فشار بر بازار کار می شود و بر نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان

دانشگاهی اثر می گذارد.

کاهش واردات کالاهای سرمایه ای و افزایش مالیات و هزینه

های تولید منجر به کاهش سرمایه گذاری در زمینه ایجاد

اشتغال می شود.

در سرمایه گذاری های جدید بیشتر جنبه سرمایه طلب بودن

مورد توجه قرار می گیرد و کمتر جبه اشتغال زا بودن مد نظر

است. از این رو عدهای از متخصصان، که سابقه مهارت و تخصص

دارند، از بازار کار خارج می شوند.

بخش اعظم تسهیلات بانکی در قالب تبصره های تکلیفی و

غیره به صورت غیرمستقیم در قالب فعالیت های غیرمولد تجلی

یافته است و تنها ۳۰ تا ۴۰٪ از پس اندازها به سمت سرمایه

گذاری و فعالیت های تولیدی سوق داده می شود.^۱

به علت نبود هماهنگی بین رشته های دانشگاهی و خواسته ها

و نیازهای جامعه، آمار بیکاری دانش آموختگان افزایش یافته و

باعث شده است که تا چند سال آینده، میلیون ها دانش آموخته

بیکار داشته باشیم. روی پیشخوان محصولات فرهنگی جامعه،

۱. مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۸.



دوم) راهکارهای موثر بر کاهش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان

عوامل اقتصادی و آموزشی مؤثر بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را می‌توان موارد ذیل دانست:

ایجاد و تجهیز بازار سرمایه و صنایع کوچک و متوسط می‌تواند در رشد سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان در کوتاه مدت و بلند مدت تأثیر بسزایی داشته باشد.

اصولاً شیوه‌های آموزشی و محتوای دروس موجبات کارآفرینی را فراهم نمی‌سازد. در صورتی که این عامل نقش بسیار مهمی در جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی به واحدهای صنعتی دارد. امروزه بحث کارآفرینی از ابعاد مختلف در کشور مورد توجه قرار گرفته است. اختصاص واحد درسی به رشته‌های مختلف در دانشگاه و یا برگزاری کارگاه‌هایی در این مورد در مراکز آموزش عالی به نحوی که ضمن آن تمهیداتی فراهم شود که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان به این دوره‌ها و سمینارها جذب شوند، بسیار حائز اهمیت است.

کالاهایی وجود دارد که با نیازها، توقعات و تنوع‌طلبی جامعه و نیازهای بازار کار همخوانی ندارد؛ در حالی که برای عرضه هر محصول باید به حق انتخاب مشتری توجه کرد.

عدم مدیریت صحیح در صنایع باعث بالا رفتن نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می‌شود؛ زیرا برخی از مدیران صنایع هنوز شیوه‌های گذشته را حفظ کرده‌اند. در اثر این نوع طرز فکر به کادر فنی ماهر آنچنان که لازم است توجهی نمی‌شود.

بها ندادن مسئولان و تصمیم‌گیرندگان جامعه به نتایج حاصل از تحقیقات و عدم استفاده صحیح از آنها در امور برنامه‌ریزی از علل بیکاری فارغ‌التحصیلان است.

امروزه بسیاری از دانشگاه‌ها تولیدکننده علم نیستند که علت آن ارتباط نداشتن دانشگاه با جامعه است. این روند باعث بیمحتوا شدن شیوه‌ها و دروس آموزشی کشور می‌شود و بر نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان اثر می‌گذارد.

توسعه رشته‌های آموزشی بدون توجه کافی به نیاز جامعه و تحولات جهانی.

کم توجهی به تحقیق و مهارت‌آموزی و تکیه بیش از حد بر دروس نظری در تدوین برنامه‌های آموزشی.

کمبود بودجه تحقیقاتی و عدم تناسب آن با تعداد پژوهشگران در مقایسه با سایر بخشها.

فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هایی که در مناطق روستایی قرار دارند، به طور نسبی نرخ بیکاری بالاتری دارند.

دانشگاه‌هایی که در آنها نسبت سرانه دانشجویان به کادر آموزشی کم است، در شرایط عادی با نرخ‌های بالاتر بیکاری فارغ‌التحصیلان خود نسبت به دیگر دانشگاه‌ها مواجه هستند.



حمایت از بخش خصوصی. دولت میتواند برای جلوگیری و کاهش کسری بودجه، ساماندهی سرمایه های داخلی موجود و ایجاد منابع درآمدی مالی، خصوصی سازی را به کار گیرد. به دنبال برنامه های خصوصی سازی در کشور، ایجاد زمینه های خاص و معرفی مزیت های نسبی برای سرمایه گذاری خصوصی می تواند عامل بسیار مهم ایجاد اشتغال باشد. کاهش محدودیت های اداری در ایجاد شرکت های صنعتی خصوصی می تواند نقش مهمی در ترغیب افراد برای سرمایه گذاری در بخش خصوصی باشد.^۱

ایجاد زمینه های خود اشتغالی و کارآفرینی برای دانشجویان. اعمال سیاست های معنوی برای جلوگیری از اتلاف منابع در بخش انرژی و کسب منابع مالی لازم برای طرح های عمرانی درآمد زا و اشتغالزا.

۱. بررسی علل عدم جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی و ارائه راهکارهایی جهت رفع موانع

اصلاح محتوای دروس و ترکیب رشته ها برای انطباق با نیازهای کلیه بخش های اقتصادی - اجتماعی کشور.

رشته تخصصی و وضعیت تحصیلی دانشجوی یکی از عواملی است که بر تصمیم گیری کارفرمایان و مراجع استخدام کننده تأثیر می گذارد. مسئولین باید در برنامه ریزی های خود رشته های مورد نیاز جامعه را در ساختار آموزشی دانشگاه ها قرار دهند.

تولید و انتشار صحیح اطلاعات مربوط به بازار کار، اعم از مقدار عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص، کمبودهای تخصصی، ساختار دستمزدها و مانند آن.

تقریباً تمام صاحب نظران معتقدند که وجود امنیت اقتصادی و سیاسی در کشور باعث جذب سرمایه گذاری خارجی و حل مشکل بیکاری می شود. حل این مورد به دست سیاست های کلان کشور و سیاست گذاری های کلی در بالاترین سطوح کشور و وزارتخانه صنایع و معادن و وزارتخانه بازرگانی است. تأسیس و طراحی مراکز خاصی جهت حمایت از کارآفرینان در اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه، به ویژه در زمینه رشته های علوم پایه و مهندسی.^۲

حمایت دولت از واحدهای تحقیق و توسعه مراکز صنعتی و توسعه آنها از نظر کمک های مالی، ساختاری و اداری بسیار حائز اهمیت است.^۳

مشخص نمودن سهمی از کل میزان تسهیلات مربوط به اشتغال برای فارغ التحصیلان دانشگاهی و توزیع مناسب آن در سطح جامعه با ارائه سازوکارهای کنترلی.

توجه به رابطه مهم تناسب رشد سرمایه گذاری و تولید در

۲. همان.

۳. همان.

صنعت و میزان عرضه نیروی کار جامعه. این دو باید با همدیگر مدنظر قرار گیرند، به نحوی که افزایششان توأم با یکدیگر صورت گیرد. در جامعه ما رشد سرمایه‌گذاری و تولید در صنعت نسبت به میزان رشد نیروی کار تحصیل کرده کمتر است.

توجه به مسائل اقتصادی مانند وضعیت تورم و رکود جامعه، ایجاد بازار رقابتی واقعی در جامعه و برقراری تخفیف‌های مالیاتی برای واحدهای اقتصادی اشتغال‌زا در حل مسئله عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مؤثرند.

برنامه‌ریزی صحیح و اصولی نیروی انسانی کشور با توجه به تغییر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی. مشارکت مدیران و دست‌اندرکاران صنایع در سیاست‌گذاری آموزشی و برگزاری منظم جلساتی توسط یک سازمان ذی‌ربط برای برقراری ارتباطات بیشتر و تبادل نظر بین این دو گروه بسیار حائز اهمیت است. حتی دعوت از بعضی کارآفرینان و صاحبان صنایع بزرگ در این ارتباط می‌تواند مفید باشد.

از جمله مهم‌ترین عناصر آموزش عالی، برنامه درسی است که باید تناسب و کیفیت لازم برای تحقق اهداف و ادای وظایف را داشته باشد تا بتواند نقش مؤثری ایفا کند.^۱ بدون تردید، برنامه درسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در توفیق یا شکست این مؤسسات نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای دارد؛ به

.....
۱. بررسی نقش مهارت‌های توسعه فردی در برنامه درسی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران.

اگرچه

آموزش و تربیت نیروی

انسانی متخصص باید همواره یکی از اهداف

نظام آموزش هر کشور در مسیر توسعه باشد، اما

آموزش و تربیت نیروی انسانی باید به گونه‌ای باشد که

فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی در هر سطحی به راحتی

بتوانند جایگاه خود را در بازار کار بیابند و به عنوان

یک عنصر مولد وارد جریان کار و تولید

شوند.

عبارت دیگر برنامه درسی آینه تمام‌نمای میزان پیشرفت و بازتابی از پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای جامعه است. برنامه درسی دانشگاهی باید به گونه‌ای تدوین شود که توانایی، صلاحیت یا شایستگی لازم را در دانشجو و دانش‌آموخته برای مواجهه با حیطه‌های تخصصی به وجود آورد و از تناسب و کیفیت لازم برخوردار باشد.

الف) مهارت‌های کاربایی

دانشجویان باید در طی دوران دانشجویی با توقعات کارفرمایان آشنا شوند و در جهت کسب آن مهارت‌ها اقدام کنند. به راستی کارفرمایان امروزی به دنبال چه مهارت‌ها و خصوصیت‌هایی خود هستند؟

انجمن سرمایه‌گذاری در آموزش عالی اسکاتلند^۲ توجه به انتقال مهارت‌های توسعه فردی، مانند اعتمادبه‌نفس، توانایی انجام دادن تمام و کمال یک وظیفه (تأدیبه نفس)،^۳ استقلال عمل یا اتکا به خود،^۴ آگاه بودن از ضعف‌ها و قوت‌ها، خلاقیت، استقلال،^۵ دانش درباره موضوعات روز دنیا، اشتیاق به یادگیری پیوسته، توانایی واکنش به محیط،^۶ اعتمادپذیری،^۷ صداقت^۸ و

-
۲. Scottish Higher Education Funding Council (SHEFC)
۳. Self-discipline
۴. Self-reliance
۵. Independence
۶. Ability To Reflect
۷. Reliability
۸. Integrity

امین بودن را از طریق برنامه درسی برای شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانشجویان ضروری دانسته است.^۱

سوم) تجربه برخی از دانشگاه‌های جهان در بالا بردن توانمندی شغلی دانشجویان

در تایوان، در سال ۱۹۷۵ تنها ۴۷/۵ درصد از دانشجویان دوره لیسانس و ۴ درصد فوق لیسانس و دکترا در رشته‌های علوم مهندسی مشغول تحصیل بودند، اما در سال ۱۹۸۲، یعنی زمانی که دولت اقدام به ایجاد برنامه‌های ویژه برای تربیت نیروی انسانی کارآمد کرد، در حیطه‌های استراتژیکی، به ویژه در موارد اطلاع‌رسانی، مواد، الکترونیک، دستگاه‌های خودکار و علوم مربوط به تکنولوژی شمار هیئت علمی و استادان افزایش

یافت. در نتیجه، تعداد فارغ‌التحصیلان لیسانس و دکترا در علوم و مهندسی از ۵۴ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۶۴ درصد در سال ۱۹۸۵ افزایش پیدا کرد.^۲

توسعه و بازسازی موفقیت‌آمیز کشورهای کره، تایوان، سنگاپور و مالزی، شاید به چند عامل مهم مربوط می‌شود که دست‌کم سه مورد آن ارتباط مستقیمی با مؤسسات آموزش عالی دارد: ۱. توجه به کمیت و کیفیت نیروی انسانی فنی و علمی. ۲. ایجاد محیط پرورشی و تحقیق که آنها را به پیشرفت صنعت بومی موردنظر برساند و آن را تقویت کند. ۳.

برقراری ارتباط تنگاتنگ بین مؤسسات آموزش عالی و بازار و مراکز اشتغال.

پژوهشی که در رابطه با توانمندی و کارایی فارغ‌التحصیلان در سودان انجام شده است، ضمن بررسی وضع موجود فارغ‌التحصیلان از نظر جذب، هماهنگی رشته تخصصی با شغل، میزان تغییرات شغلی و علل توقف آنها در یک شغل، پیشنهادهایی را در سطح کلان برای اصلاح نظام آموزش عالی در آن کشور ارائه می‌دهد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- برنامه‌ریزی آموزش عالی در سودان باید با مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در برنامه پنج‌ساله برای رشد اقتصادی و اجتماعی فرمول‌بندی شده مرتبط باشد.

- باید بین طرح‌های اقتصادی، تأمین نیروی انسانی و سیاست‌های آموزش عالی، با توجه به مقررات و تخصص، ارتباط و هماهنگی وجود داشته باشد.

- علاوه بر برنامه‌ریزی برای آموزش عالی ملی، باید برنامه‌ریزی خاصی هم برای مناطق انجام گیرد. باید سیاست‌های آموزشی بین مؤسسات آموزش عالی عمومی و خصوصی هم‌جهت و هم‌سو گردد.

- باید شرکت آموزش عالی در رشد ملی، رشد علمی و آموزش فنی اجباری شود. از آنجا که آموزش فنی در سطح متوسطه به سرعت رشد کرده است، لذا باید این رشد در آموزش عالی در سطح بالاتری پیگیری شود.

- آموزش عالی نه تنها در مؤسسات رسمی، بلکه در

بیکاری

دانش آموختگان عالی کشور و

فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، که مهم‌ترین بخش

سرمایه انسانی قلمداد می‌شوند، دارای آثار و تبعات

مضاعف‌تر، پیچیده‌تر و زیانبارتری در حیات اجتماعی

کشور است. بیکاری فارغ‌التحصیلان باعث هدر

رفتن سرمایه انسانی کشور است.

۱. بررسی نقش مهارت‌های توسعه فردی در برنامه درسی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران.
۲. تحلیلی بر توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها



کارکنان و پیشرفت سریع علم و تکنولوژی به وجود می‌آید را از طریق کار و آموزش جبران کنند. در ژاپن به جای تغییرات زیاد افراد، از سیاست تکمیل معلومات و دانش افراد موجود استفاده می‌شود.^۱

آموزش عالی امریکا بعد از جنگ جهانی دوم مأموریت یافت که بر هدایت شغلی و تحصیلی دانشجویان تأکید داشته باشد. به همین دلیل به گسترش آموزش‌های حرفه‌ای در زمینه‌های کشاورزی، صنعت و تجارت همت گماشت. این کوشش از زمان فرستادن اولین ماهواره روسی به فضا در دهه پنجاه میلادی افزایش چشمگیری داشت. هدف اساسی این جنبش مجهز کردن دانش‌آموزان و دانشجویان به مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و توجه به جنبه‌های کاربردی و عملی آموزش بود. نظام آموزشی امریکا زمینه‌های خلاقیت، ابتکار و نوآوری را از طریق تأمین وسایل و امکانات کافی و تشویق فعالیت‌های

۱. همان.

آموزش ضمن خدمت در سطح بالا انجام گیرد تا کشور از این برنامه‌ها سود جوید.

- باید نوعی فرایند شناسایی اعمال شود که فاصله بین برنامه‌ریزی و اجرا را در آموزش عالی و کلیه سطوح برنامه‌ریزی از میان بردارد.

اساس آموزش عالی در ژاپن بر تقویت همکاری بین جامعه و دانشگاه استوار است. در این نظام اعتقاد بر این است که آموزش عالی وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف و تأمین نیازهای جامعه است. دانشگاه علاوه بر گسترش علم و دانش و افزایش افراد شایسته و کارآمد جامعه، باید در حل تنگناها و نیازهای جامعه از طریق ارتباط با جامعه و همکاری با صنایع و دولت اقدام کند. در این رابطه پژوهش اساس کار است.

برای تقویت همکاری و هماهنگی بین دانشگاه و مراکز صنعتی و مؤسسات پژوهشی باید هر کدام به سهم خود و با توجه به طبیعت کاری که بر عهده دارند در جهت نیل به این هدف کوشش کنند. از ویژگی‌های آموزش عالی ژاپن فراگیر بودن آموزش در تمام سطوح جامعه است.

بسیاری از شرکت‌ها، علاوه بر استفاده از نتایج کار دانشگاه‌ها، به علت آگاهی از اهمیت آموزش، خود اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزش قبل و ضمن خدمت می‌کنند؛ برای مثال شرکت (NEC) به مدیریت «دکتر تاکدا» در سال ۱۹۸۷ دست به تأسیس انستیتوی آموزش تکنولوژی جدید در زمینه ارتباطات دور و میکروالکترونیک زد. همچنین انستیتو هیتاچی، وابسته به شرکت هیتاچی، تاکنون بالغ بر پنج هزار مهندس تربیت کرده است. در حقیقت، هم دانشگاه‌ها و هم صنایع سعی می‌کنند شکافی که بین اطلاعات و معلومات

خلاقانه فراهم ساخته است.^۱

از سال ۱۹۷۶ مرکز ملی مطالعات آموزش حرفه‌ای راهبردهایی را برای آموزش شغلی به عنوان جنبش «پیش‌بینی و ایجاد کار» پیشنهاد کرد. این مرکز معتقد است که راه‌های فراوانی برای انتخاب و آماده‌سازی شغلی برای دانشجویان وجود دارد. هدف کلی آماده‌سازی شغلی در برنامه‌های مختلف آموزشی عبارت‌اند از:

۱ - برنامه‌ریزی شغلی: دانشجویان باید فرصت‌های خود را برای آغاز یک حرفه و یا خوداشتغالی در زمانی از آینده درک کنند.

۲ - درک کار: آموزش‌های حرفه‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها باید آنچنان باشد که افراد تمام وظایف درون شغل خود را درک کنند.

۳ - کاربرد مهارت‌ها: آموزش حرفه‌ای به عنوان وسیله‌ای در خدمت دانشجویان برای یافتن راه‌های استخدام شدن بر مبنای مهارت‌هایی که در برنامه‌های آموزشی شغلی کسب می‌کنند قرار می‌گیرد. این موضوع روشی است برای جست‌وجوی تمام راه‌هایی که ممکن است مهارت‌های حرفه‌ای در جامعه مورد استفاده قرار گیرند.

۴ - درک جامعه: امکان دارد دانشجویان از برنامه‌های آموزش حرفه‌ای مطالعه مشاغل در جامعه، درک فرصت‌های یافتن شغل مناسب در یک حوزه، امکانات قابل دسترس مشاغل، و یا تجزیه و تحلیل ویژگی‌های افرادی که به موفقیت شغل‌های انتخاب شده انجامیده است، استفاده کنند.

۵ - خود ادراکی: آشنایی با روش‌های کار، زندگی و سایر

.....
۱. همان.

ویژگی‌های کارگزاران موفق و همچنین توجه به تمام جنبه‌های مثبت و منفی ساخت روانی فرد قبل از انتخاب حرفه.

۶ - آشنایی با تغییر: دانشجویان یاد می‌گیرند که به تغییراتی که منتهی به فرصت‌های شغلی در آینده می‌شود توجه داشته باشند.

۷ - خلاقیت: آموزش حرفه‌ای از تمام انواع روش‌های فکری خلاق مربوط به محصولات جدید، خدمات جدید، تغییرات جمعیتی، تکنولوژی جدید، تغییر اجتماعی و نیازهای جامعه استقبال می‌کند.^۲

انجمن‌ها و مؤسسات فراوانی در امریکا با هدف برقراری ارتباط بین جنبه‌های نظری و عملی دانش و یگانه ساختن دانشگاه و بازار کار و بالابردن توانمندی‌های شغلی دانشجویان و برآوردن نیازهای جامعه فعالیت می‌کنند؛ برای مثال انجمن آموزش عالی امریکا (AAHE)، شورای تعلیم و تربیت امریکا (ACE)، شورای ملی پژوهش (NCR)، دانشگاه ملی تکنولوژی (NTU)، و انجمن آموزش مستمر مهندسیین (AMCEE) به برقراری ارتباط و مشارکت بین آموزش عالی و تجارت و صنعت می‌پردازند و سعی می‌کنند کمبودها و مشکلات برنامه‌ها و مواد آموزشی دانشگاه‌ها و همچنین نارسایی‌های شغلی و تکنولوژیکی محیط کار را برطرف سازند.

نظام آموزش دوگانه (Dual System)، یکی از روش‌های آموزش در آلمان است. در این نظام، آموزش در دو بخش مجزا و در دو محیط مختلف به اجرا گذاشته می‌شود. عمده‌ترین بخش آموزش حرفه‌ای که همان انتقال مهارت‌های فنی و

.....
۲. (تحلیلی بر توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها)



منابع:

۱. مهدوی، محمد صادق و حسن غنیمتی، فروردین ۱۳۸۷، «بررسی آثار و نتایج ازدواج دانشجویی در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی»، جامعه‌شناسی، شماره ۱۰.
۲. سیادت، سید علی و رضا همایی، «بررسی میزان رضایت زناشویی در ازدواج‌های دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد و دولتی اصفهان»، مطالعات علوم اجتماعی ایران (دانشگاه آزاد واحد خلیخال)، پیش شماره ۴.
۳. صادق موسوی، سید خسرو و جمشید احمدی، بهمن ۱۳۸۵، «خانواده، ازدواج دانشجویی، چالش‌ها و راهکارها»، علوم تربیتی، پیوند، شماره ۳۲۸.
۴. جهان سیر، خسرو، بهار ۱۳۸۴، «عوامل تعیین‌کننده ازدواج دانشجویی و تأثیر آن بر کاهش ناهنجاری‌های اخلاقی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه»، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، شماره ۲۳.
۵. صابر، فیروزه (۱۳۸۱)، راهکارهای توسعه کارآفرینی در ایران: راهکارهای تواناسازی در راستای برابری اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در ایران، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۶. مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۸.
۷. بررسی علل عدم جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در واحدهای صنعتی و ارائه راهکارهایی جهت رفع موانع
۸. بررسی نقش مهارت‌های توسعه فردی در برنامه درسی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران.
۹. تحلیلی بر توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها

شغلی به دانشجویان یا کارآموزان است در مراکز آموزشی همجوار کارخانجات تولیدی یا در جریان تولید، با سرمایه‌گذاری و مشارکت مستقیم صاحبان صنایع انجام می‌شود که آن را بخش عملی نظام دوگانه می‌نامند.^۱

با توجه به اینکه یک الگوی خاص برای چنین همکاری‌ای وجود ندارد، باید نهایت سعی خود را در تبادل اطلاعات و مبادله افراد متخصص، هم در امر آموزش و هم در قسمت تحقیقات و پژوهش، متمرکز کنیم.

.....
۱. همان.



با توجه به تجربیات غرب و روندهای اجتماعی که از قبال رواج چنین معاشرت‌هایی در آن جوامع پدید آمده است، به نظر می‌رسد ظهور این پدیده در جامعه ما تأثیرات زیادی را بر بسیاری از نهادهای اجتماعی می‌گذارد و می‌تواند به مرور نهاد ازدواج و خانواده را با چالش مواجه کند. افزایش تعداد مجردها، افزایش سن ازدواج، افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج، افزایش فرزندان نامشروع، ناسازگاری‌های زناشویی و خانوادگی از جمله این موارد است.

یکم) روابط دختر و پسر در دانشگاه

دانشگاه یکی از محیط‌هایی است که مسئله روابط دو جنس در آن تبدیل به یک مسئله اساسی شده است؛ زیرا دانشجویان عمدتاً جوان و مجرد هستند و تا زمان ورود به دانشگاه نیز تجربه‌ای از اختلاط دختر و پسر در یک محیط ندارند.

در دوران بلوغ، با وجود بحران هویت و غرور کاذبی که در نوجوان وجود دارد، دوستی و ارتباط با جنس مخالف حالت تهاجمی داشته و بیشتر به هوس شبیه است تا عشق.

آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر در دانشگاه

مقدمه

معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج در جامعه ما پدیده‌ای است جدید، نوظهور و مدرن. چنین پدیده‌ای برای مقاطع کوتاهی در دهه‌های گذشته (پیش از انقلاب) صرفاً میان طبقات مرفه، آن‌هم در شهرهای بزرگ و به‌طور محدود گسترش یافت. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأکید آن بر دستورات دینی و مذهبی، چنین روابطی نفی شد.

در سال‌های اخیر با دگرگونی‌های ساختی و اجتماعی، مانند گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، گسترش مکان‌های مختلط و گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی، این پدیده به شکل نوظهور و از بطن روابط بین شخصی جوانان جامعه پدید آمده است. تحقیقات انجام شده در این زمینه از خواست و میل جوانان جامعه برای داشتن چنین معاشرت‌هایی حکایت می‌کند. علاوه بر نوظهور بودن این روابط، دین، ارزش‌های دینی و به‌طور کلی فرهنگ اکثریت جامعه، با این‌گونه معاشرت‌ها در تناقض قرار دارد؛ چراکه اسلام به عنوان دین اکثریت افراد جامعه، چنین دوستی‌ها و معاشرت‌هایی را پیش از ازدواج نفی می‌کند و تنها در شرایط ویژه و یا تشریفات شرعی آن را صحیح می‌داند.

ظهور و بروز این پدیده در روابط دختران و پسران جامعه، نگرانی خانواده‌ها، علما و جامعه دینی، مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و سازمان‌های جوانان را در پی داشته است. بنابراین نوع معاشرت پیش از ازدواج در جامعه ما از نظر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و دینی، یک مسئله اجتماعی است.

همچنین به علت رشد جسمانی و تغییرات فیزیولوژیکی و وجود تحریکات جنسی این ارتباط ممکن است به شکل ناهنجاری اجتماعی غیرقابل جبران نمود پیدا کند. اطرافیان، به ویژه والدین، باید نوجوان را نسبت به این موضوع آگاه نمایند که آنها از لحاظ جنسی به هم علاقه مند شده اند و بعد از مدتی همدیگی را رها می کنند.

روابط دوستانه دختران و پسران که شرعاً محرم نیست.

از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است. به لحاظ مذهبی و براساس سنت های فرهنگی، به

نظر می رسد که دانشجویان تا حد قابل توجهی حساسیت خود را در برابر انجام یک حرام شرعی از دست داده اند. مشاهده دختر و پسر دانشجویی که بدن هیچ را به سببی یا نسبی با یکدیگر دست می دهند، دیگر دور از

انتظار نیست و صحنه عجیبی به نظر نمی رسد. آیا این را باید نشانه ای از سست شدن پابندی به

قیودات مذهبی تفسیر کرد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، این سستی می تواند پیامدهای منفی متعددی برای نظام اجتماعی داشته باشد؛ چراکه قیودات مذهبی همواره سعی در حفظ اصول اخلاقی و سالم نگه داشتن روابط اجتماعی داشته اند. عدول از این قیدها می تواند به معنی ضعف اصول اخلاقی و احتمالاً افزایش فساد اخلاقی تفسیر شود. و اگر پاسخ به سؤال مذکور منفی باشد، آیا باید گفت که نگرش دانشجویان به دستورات مذهبی تغییر کرده است یا اینکه علت چیز دیگری است؟

دانشگاه یکی از محیط هایی است که در آن فرصت هایی برای برقراری روابط پیش از ازدواج فراهم است. دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه ها یکی از منابع مهم هنجار در جامعه محسوب می شوند و شناخت ارزش ها و هنجارهای حاکم بر رفتار آنان، می تواند محققان و عالمان اجتماعی را در پیش بینی برخی واقعیت های این مسئله در سایر اقشار جامعه یاری کند.

بر اساس تحقیقات، فقط ۲۲/۶ درصد از دانشجویان، نگرش منفی به این روابط دارند؛ درحالی که نگرش

والدین شان منفی-تر از خودشان است. زنان در مقایسه با مردان، نگرش بسیار

منفی تری به این گونه معاشرت ها دارند. البته تحصیلات والدین در نگرش مثبت به این روابط تأثیر

معناداری دارد؛ به طوری که بخشی از یافته های صالحی و دیوبند (۱۳۸۹) نشان

می دهد هرچه سطح تحصیلات والدین بیشتر شود، نگرش آنان به رابطه دختران با جنس مخالف مثبت

تر شده و مخالفت آنان با رابطه دختران با جنس مخالف کمتر می شود. همچنین هر اندازه والدین به لحاظ شغلی

در مرتبه بالاتری باشند، نگرش آنان درباره ارتباط دختر با جنس مخالف، مثبت تر است. متغیرهای سن، امکانات رفاهی

خانواده، استفاده از ماهواره و سطح غرب گرایی نیز با نگرش مثبت والدین به این گونه روابط، ارتباط فراوانی دارد. از نتایج

دیگر تحقیق این است که بین درآمد و تحصیلات پدر و مادر، با گرایش به رابطه، هم بستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی

خانواده های با درآمد و تحصیلات بیشتر، گرایش بیشتری به

ظهور

و بروز این پدیده در روابط

دختران و پسران جامعه، نگرانی خانواده ها،

علما و جامعه دینی، مسئولان و برنامه ریزان فرهنگی

و سازمان های جوانان را در پی داشته است. بنابراین نوع

معاشرت پیش از ازدواج در جامعه ما از نظر ارزش

ها و هنجارهای فرهنگی و دینی، یک مسئله

اجتماعی است.



باشد، گرایش کمتری به رابطه دارد. دینداری عامل بازدارنده آسیب‌ها و خطرها در روابط جنسی زود هنگام است. همچنین روابط حسنه فرزندان و والدین با گرایش به رابطه پیش از ازدواج هم‌بستگی منفی دارد؛ یعنی هرچه روابط والدین با فرزندان حسنه تر باشد، گرایش به برقراری رابطه کاهش می‌یابد.

دوم) عوامل و زمینه‌های روابط دختر و پسر

از جمله دلایل شکل‌گیری این‌گونه روابط نیاز عاطفی، ضعف اعتقادات، سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی خانواده‌ها، فشار دوستان و

روابط دوستانه با جنس مخالف داشته‌اند. این موضوع با نتایج تحقیق صالحی و دیوبند (۱۳۸۹) همسویی دارد. تحصیلات با نوگرایی همراه است و خانواده‌ها از نگاه سنتی به این روابط فاصله می‌گیرند؛ لذا آزادی‌های بیشتری، در کنار امکانات رفاهی، برای فرزندان خود فراهم می‌کنند که ممکن است نتایج نامطلوبی برای آنان به همراه داشته باشد. بنابراین پژوهش دینداری با گرایش به رابطه، هم‌بستگی منفی دارد؛ به این معنا که هرچه اعتقادات مذهبی فرد بیشتر

عوامل موثر در ایجاد تمایل برای ارتباط بین با جنس مخالف و مقایسه آن در بین دو جنس:

عوامل	دختر		پسر		کل	
	بله	خیر	بله	خیر	بله	خیر
تهایی و دوری از خانواده	٪۸/۷۷	٪۷/۷۱	٪۲/۲۸	٪۹/۷۱	٪۲/۲۸	٪۹/۷۱
دوستان	٪۶/۵۳	٪۴/۴۶	٪۴/۵۰	٪۵/۴۹	٪۹/۵۱	٪۱/۴۸
رسانه ها	٪۷/۵۷	٪۲/۴۴	٪۴/۶۹	٪۳/۱	٪۸/۶۳	٪۲/۳۶
حمایت خانواده	٪۹/۶۳	٪۱/۳۶	٪۳/۷۴	٪۶/۲۵	٪۵/۶۹	٪۵/۳۰

همچنین براساس پژوهش‌های داخلی که در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته انگیزه های مهم ارتباط به ترتیب زیر بوده است: ازدواج، نیاز جنسی، نیاز عاطفی، رقابت با دوستان و نیاز مالی. البته اعتقاد پسران و دختران در این زمینه ها متفاوت است. دختران، بیشتر اعتقاد دارند که انگیزه افراد از این روابط ازدواج و برآوردن نیاز جنسی است؛ در حالی که پسران بیشتر اعتقاد دارند، نیاز عاطفی و رقابت و انگیزه مالی دلیل برقراری این روابط است. همچنین ۲۹/۸ درصد دختران معتقدند که افراد به دلیل نیاز جنسی وارد این روابط می شوند، در حالی که ۲۶ درصد پسران این نظر را می پذیرند.

همسالان، نیاز جنسی، آشنایی به قصد ازدواج و تنظیم خانواده است. در همین زمینه، توهم قدرت در پسران و جاذبه در دختران و نیز پناه آوردن به یکدیگر در اثر ناملایمات اجتماعی و خانوادگی، از جمله انگیزه های ارتباط با جنس مخالف است.

بنا بر یافته ها، نیاز جنسی از ابعاد مهم در برقراری رابطه بین دو جنس مخالف است؛ اما یگانه نیاز این زمینه نیست و نمی-توان گفت هرگونه رابطه‌ای بین دو جنس به این منظور صورت می گیرد. بین دو جنس نیز انگیزه های ارتباط با یکدیگر متفاوت است. با توجه به نتایج برخی تحقیقات انگیزه مردان برای آشنایی و شروع چنین روابطی، تمایلات جنسی است؛ اما زنان بیشتر با انگیزه به دست آوردن حمایت و مراقبت فیزیکی برای خودشان به دنبال چنین روابطی هستند.

ارتباط دختر و پس بین دانشجویان و مقایسه آن بین دو جنس:

رفتار	بله			خیر		
	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل
سابقه دوستی با جنس مخالف	٪۱/۳۸	٪۸/۲۵	٪۴/۳۲	٪۹/۶۱	٪۲/۷۴	٪۶/۶۷
سابقه رابطه جنسی یا جنس مخالف	٪۵/۱۹	٪۲/۸	٪۳/۱۴	٪۵/۸۰	٪۸/۹۱	٪۷/۸۵
سابقه شکست عاطفی در رابطه یا جنس مخالف	٪۹/۴۶	٪۱/۳۵	٪۴/۴۱	٪۱/۵۲	٪۵/۶۴	٪۶/۵۸
حمایت خانواده از رابطه یا جنس مخالف	٪۵/۳۴	٪۶/۲۱	٪۶/۲۸	٪۵/۶۵	٪۴/۷۸	٪۴/۷۱
اطلاع خانواده از رابطه یا جنس مخالف	٪۲/۳۶	٪۵/۴۹	٪۴/۴۲	٪۷/۴۳	٪۵/۵۰	٪۶/۵۷
ارتباط با جنس مخالف به قصد ازدواج	٪۴/۵۸	٪۶/۶	٪۹/۶۱	٪۶/۴۱	٪۳/۴	٪۱/۳۸

انگیزه های مؤثر بر روابط پیش از ازدواج

انگیزه های روابط	دختران		پسران		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
ازدواج	۶۷	۲/۳۹	۵۸	۳/۳۳	۱۲۵	۸/۳۶
نیاز جنسی	۵۱	۸/۳۹	۴۴	۲۶	۹۵	۹/۲۷
نیاز عاطفی	۳۷	۷/۲۱	۳۷	۸/۲۷	۸۳	۸/۲۴
رقابت با دوستان	۱۲	۷	۱۴	۳/۸	۲۶	۶/۷
مالی	۴	۳/۲	۶	۳/۶	۱۰	۹/۲
کل	۱۷۱	۱۰۰	۱۶۹	۱۰۰	۳۴۰	۱۰۰

عبارت‌اند از: الف) آموزش‌های جنسی، ب) آموزش ارتباط سالم. آموزش جنسی، پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته، روش‌های مقابله جنسی و آموزش برای انتخاب شرکای جنسی محدود را دربرمی‌گیرد. آموزش ارتباط سالم با توجه به روشن سازی و تمایز قائل شدن بین روابط سالم و روابط آسیب زا شکل گرفته است. طبق این آموزش‌ها روابط آسیب‌زا، روابطی هستند که فرد را دچار یکی از آسیب‌های جسمی، جنسی، عاطفی و روانی می‌کند.

الف) آموزش مهارت‌های ارتباط سالم

روابط سالم به روابطی است که در آن احترام دوجانبه، تعهد و رعایت مرزها و احترام به حقوق یکدیگر رعایت شود و دو طرف نه از لحاظ جسمی نه جنسی و نه عاطفی دچار آسیب نشوند. روابط آسیب‌زا معمولاً به عقب ماندگی‌های تحصیلی و شغلی منجر می‌شود و گاه خانواده فرد آسیب دیده نیز دچار آشفتگی می‌شود.

آموزش ارتباطات به جوانان، به منظور تصمیمات آگاهانه و مسئولانه برای زندگی مستقل، سالم و مطمئن، ضروری است. این آموزش‌ها می‌تواند آشنایی با روابط آسیب‌زا، روابط سالم، ضرورت ازدواج و تولد کودک و ارتباطات ثابت را در بر بگیرد. این آموزش‌ها باید موجب رشد روانی، فرهنگی و اخلاقی شده، فرد را برای مسئولیت‌های زندگی آماده کند. آموزش‌های مؤثر موجب به تعویق افتادن ارتباطات جنسی می‌شود. این آموزش‌ها باعث فهم خود، دیگران و احترام قائل شدن برای خود و دیگران می‌شود.

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در پژوهشی

طبق پژوهش یاد شده ۳۹/۲ درصد از دختران، اولین انگیزه در برقراری ارتباط را ازدواج می‌دانند؛ در حالی که این مقدار در پسران ۳۴/۳ درصد است. نیز درصد بیشتری از پسران متغیرهای مرتبط با نیاز عاطفی، نیاز مالی و رقابت با دوستان را انگیزه افراد در برقراری ارتباط دانسته‌اند. هم پسران و هم دختران اعتقاد دارند که نیاز جنسی یکی از دلایل اصلی در برقراری ارتباط پیش از ازدواج است؛ اما تفاوت‌هایی نیز از این نظر بین دو جنس وجود دارد. انگیزه دختران برای ازدواج و نیاز عاطفی بیش از پسران است؛ حال آن‌که پسران بیشتر با انگیزه های مالی و رقابتی وارد این رابطه می‌شوند.

سوم) راهکارهای جلوگیری از روابط ناسالم دختر و پسر در جامعه

راهکارهای موجود برای روابط آسیب‌زای دختر و پسر به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند. این راهکارها با توجه به فرهنگ غرب



اخلاقی، فضایل معنوی و شکل‌گیری ساختار شخصیت بهنجار باشد و یا برعکس، در جهت سوق دادن فرد به رذایل اخلاقی و دوری از انسانیت. از این رو قرآن کریم در آیات متعددی هشدار می‌دهد: «وَلَا تَطْعَمَنْ أَعْفُلْنَا قَلْبُهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَاتَّبِعْ هَوَاهُ وَكَانَ أُمْرُهُ قُرْطَبًا؛ و از آن کس که دلش را از ذکر خود، بی‌خبر ساخته ایم و از پی هوای نفس خود می‌رود و در کارهایش اسراف می‌ورزد، پیروی مکن».

امام جواد علیه السلام فرموده است: «کسی که به سخن گوینده ای گوش فرا دارد، با این عمل، وی را بندگی کرده است و اگر گوینده، سخن از خدا می‌گوید، او خدا را بندگی کرده و اگر ناطق از زبان شیطان و افکار شیطانی سخن می‌گوید، شیطان را بندگی نموده است».

امام علی علیه السلام: «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛ از مصاحبت با مردم شریر و فاسد بپرهیز که طبیعت به طور ناآگاه، بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او می‌دزد و تو از آن بی‌خبری».

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ يَصْحَبِ صَاحِبَ السَّوِّءِ

در سال ۱۳۸۲ عوامل تأثیرگذار در ایجاد وضعیت مطلوب در روابط دختر و پسر را شامل شناخت واقعیت‌های جنس مخالف، اجتناب از خیال‌پردازی، زدودن هیجانات و احساس خصومت و خشونت نسبت به جنس مخالف، کنترل خونسردی و صلابت شخصیت به هنگام برخورد با جنس مخالف، برخورد مبتنی بر احترام با رعایت حدود شرعی، فقدان روابط پنهانی با جنس مخالف، مشورت با والدین، اجتناب از برقراری روابط صمیمانه با جنس مخالف قبل از عقد شرعی، و نداشتن رفتار سبک برای جلب توجه جنس مخالف در مجامع مختلف می‌داند.

بدون شک با توجه به نتایج خطرناک این‌گونه روابط و توجه به جوانان و نوجوانان به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های کشور، ضرورت آموزش روابط سالم برجسته می‌شود و به نظر می‌رسد قبل از آنکه متخصصان مجبور شوند به آموزش‌های جنسی متوسل شوند، بهتر است آموزش ارتباطات سالم را مد نظر قرار دهند.

اشاره به تجربیات دیگران در روابط آسیب‌زا، آموزش مهارت‌های لازم برای برقراری و رفع موانع روابط سالم، اشاره به توانایی دانشجویان در خلال جلسات آموزشی برای کنترل مسائل زندگی در این حیطة و همچنین ارائه تکالیف در پایان هر جلسه موجب افزایش خودکارآمدی و افزایش آگاهی جوانان در این زمینه شده است.

ب) راهکارهای فردی

۱. دوری از دوستان ناباب

تأثیر دوست بر نوجوان و جوان اجتناب‌ناپذیر و بسیار زیاد است. این تأثیر ممکن است در جهت مثبت و رشد کمالات

لایسلم؛ کسی که با رفیق بد، هم نشین شود، سالم نمی ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده می شود».

۲. نافرمانی از هواهای نفسانی

فرمانبری بی قید و شرط از خواسته های غریزی و خواهش های نفسانی، از دیگر عوامل سقوط انسان از ارزش های متعالی و صفات والای انسانی است. قرآن در این باره فرموده: «... و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله؛ ... و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد».

امام جوادی علیه السلام فرمود: «من اطاع هواه اعطی عدوه مُناه؛ کسی که از هوای نفس خود اطاعت نماید، با این عمل آرزوی دشمن خویش را برآورده است».

دختر یا پسر جوانی که با پیروی از هوای نفس به دنبال برقراری رابطه ناسالم با جنس مخالف است و به روابط گناه آلود تن می دهد، از سخن گفتن با جنس مخالف لذت می برد، با گفتار و حرکات مهیج جنس مخالف را به سوی خود دعوت می کند و زمینه خواری و ذلت خود را فراهم می آورد. به فرموده امام علی علیه السلام، خداوند این فرد را خوار خواهد کرد: «من تلذذ معاصی الله اورثه الله ذُلًا؛ هر که از معاصی خداوند لذت برد، خداوند او را به خواری افکند».

بهترین و کاربردی ترین نسخه درمان جوانانی که از مسیر حق منحرف شده، با برقراری روابط گناه آلود در دام شیطان استفاده اند و خواهان رهایی اند، در قرآن بیان شده است؛ «وَأَمَّا مَنْ حَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَيَٰنِ الْجَنَّةِ هِيَ الْمَأْوَىٰ؛ و آن کس که از مقام

پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست».

در حدیث نیز آمده: «من عرضت له فاحشه او شهوه فاجتنبها من مخافه الله عزوجل حرم الله علیه النار و امنه من الفزع الاکبر و انجز له ما وعده، فی کتابه فی قوله تعالی: و لمن خاف مقام ربه جنتان؛ کسی که کار زشت و یا شهوتی به او پیشنهاد شود و او از ترس خدا از آن اجتناب کند، خداوند آتش جهنم را بر او حرام می کند و او را از فزع بزرگ قیامت در امان می دارد و وعده هایی که در آیه شریفه آمده عملی خواهد نمود».

۳. حضور در مسجد و جلسه های مذهبی

حضور در مسجد، جلسات قرائت قرآن و هیئت های مذهبی نوجوانان و جوانان را با معارف اسلامی و ارزش های اخلاقی آشنا می سازد و به شکوفایی شخصیت اجتماعی آنها کمک می کند. این افرادی پختگی بیشتری دارند، در رعایت هنجارهای اجتماعی، توفیق بیشتری دارند و کمتر در معرض کژئی و آلودگی قرار می گیرند.

انسان با قرآن و تلاوت آیات الاهی جوان را چنان در معنویات پرواز می دهد که لذت های مادی را کوچک می شمارد و سرگرمی های کودکانه را پیش پا افتاده می نگارد. او از هر فرصتی برای ارتباط با کتاب هدایت بهره می جوید و با استفاده از دستوره های هدایتگر قرآن کریم، راه سعادت و کمال را می پیماید. امام صادق علیه السلام درباره انسان با قرآن می فرماید: «من قرأ القرآن و هو شاب

با توجه

به تجربیات غرب و روندهای

اجتماعی که از قبال رواج چنین معاشرت هایی

در آن جوامع پدید آمده است، به نظر می رسد ظهور

این پدیده در جامعه ما تأثیرات زیادی را بر بسیاری از

نهادهای اجتماعی می گذارد و می تواند به مرور

نهاد ازدواج و خانواده را با چالش مواجه

کند.

مؤمن اختلط القران بلحمه و دمه؛ اگر جوان مؤمن قرآن را تلاوت کند (و با قرآن انس بگیرد)، آیات الاهی با گوشت و خونش آمیخته می شود (و در اعماق جاننش اثر می گذارد)».

ج) نقش خانواده

خانواده در تربیت فرزندان نقش بسیار مهمی دارد. در این بخش تلاش بر آن است که به مهم ترین وظایف خانواده در پیشگیری از ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی اشاره شود. خداوند متعال در قرآن کریم در مورد مسئولیت خانواده نسبت به هم می فرماید: «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست، نگه دارید». امام علی علیه السلام نیز فرمود: «کل امری مسئول عما ملکت یمینه و عیاله؛ هر مردی درباره مملوکان و خانواده خود بازخواست می شود».

نتایج تحقیقات میدانی حاکی از تفاوت نگرش خانواده ها با نگرش فرزندانشان (دانشجویان) نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج است. آنچه از تفاوت جهت گیری خانواده ها با فرزندانشان می توان فهمید این است که یک نوع تفاوت یا شکاف بین نسلی میان خانواده ها و فرزندان در مورد ارزش ها و نگرش ها پیرامون مسائل اجتماعی، به ویژه معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج، وجود دارد. خانواده ها و والدین به عنوان یک عامل کلیدی در جهت دهی و نظارت بر چنین معاشرت هایی نقش بسیار مهمی دارند. خانواده ها از طرفی با برقرار کردن ارتباطات نزدیک، مؤثر و دوستانه با جوانان می توانند مانع گسست فرد از خانواده، ارزش ها و نگرش های اساسی آن شوند. همچنین می توانند

با برطرف کردن بخشی از نیازهای عاطفی جوانان در بطن چنین روابط، یکی از انگیزه های اساسی برای برقراری چنین معاشرت هایی (نیازهای عاطفی) را کاهش دهند. علاوه بر همه اینها ابعاد نظارتی خانواده مکانیسم بسیار مناسبی است که می تواند از آسیب های چنین معاشرت هایی بکاهد. ارتباط دوستانه متقابل بین والدین و فرزندان می تواند باعث شود که جوانان در صورت درگیر شدن در چنین روابطی خانواده های خود را در جریان بگذارند. تحقیقات نشان داده است که معاشرت و دوستی هایی که پنهانی و خارج از آگاهی خانواده ها بوده، آسیب های بیشتری را به طرفین به ویژه دختران وارد کرده است. بنابراین نقش خانواده هم در جلوگیری از برقراری چنین معاشرت هایی و هم در کنترل و نظارت بر آن، بسیار مؤثر و کارا است. البته این امر مستلزم آموزش خانواده ها مورد نحوه رفتار با جوانان، نظارت بر آنها و آسیب هایی که فرزندان آنان را تهدید می کند، است.

د) زمینه سازی برای ازدواج

در جامعه ما بنا به دلیل مذهب و فرهنگ خاص، تنها راه قابل قبول ارتباط دو جنس برای رفع نیازهای عاطفی و جنسی، ازدواج است؛ اما این امر همیشه به راحتی قابل تأمین نیست و به شدت تحت تأثیر باورها و هنجارهای اجتماعی و همچنین وضعیت اقتصادی و معیشتی قرار دارد. ازدواج و تشکیل زندگی نیازمند پیش نیازهایی مثل شغل، مسکن مناسب، گذراندن مراحل آشنایی و شناخت، رضایت خانواده ها و سایر معیارهایی است که نه به جهت عاطفی، بلکه از لحاظ عقلانی باید مد نظر قرار گیرد. لذا جوان امروزی تحت فشار نیاز عاطفی و

گریزی روش های متفاوتی را پیش می گیرد. انزواطلبی و پناه بردن به ناهنجاری های جنسی، پاسخ به نیاز گریزی یا سرکوب این غریزه است که بنابر اصول روان شناختی، به درو از صدمه های روحی و آسیب های اجتماعی نخواهد بود.

شهید مطهری در این باره یادآور می شود که در این دوره درخواست از جوانان، برای ازدواج زود هنگام، درخواستی غیرواقعی است. در این زمینه، ایشان چندین سؤال مطرح می کنند: در این وضعیت، با طبیعت و غریزه انسانی چه رفتاری باید کرد؟ آیا طبیعت و غریزه انسانی حاضر است به دلیل وضعیت اجتماعی این دوره، دوران بلوغ را به تأخیر بیندازد تا جوانان امکان ازدواج بیابند؟ آیا جوانان حاضرند دوره ای از رهبانیت موقت را طی کنند و خود را سخت تحت فشار و ریاضت قرار دهند تا زمانی که ازدواج دائم صورت گیرد؟ اگر هم صورت گیرد، آیا طبیعت حاضر است از ایجاد عوارض روانی سهمگین و خطرناکی صرف نظر کند که در اثر ممانعت از ارضای غریزه جنسی بروز می یابد و روانکاوای امروز از روی آنها پرده برداشته است؟

اسلام، که سعادت انسان را در همه زمینه ها مد نظر دارد، امکان ندارد در بعد حیاتی ارتباط دو جنس و نیازها و غریزه های آنان راهکاری نداشته باشد. از نظر اسلام علاقه جنسی، نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزء خلق و خوی انبیاست. اسلام در این زمینه تدابیری اتخاذ کرده است که به احساس محرومیت و ناکامی و سرکوب شدن این غریزه منجر نشود.

منابع:

۱. موحد، مجید و حلیمه عنایت و محمد تقی عباسی (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۴، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵.

۲. حاج ابراهیمی، بتول، «رابطه هیجان خواهی و سبک هویت با نگرش به ارتباط قبل از ازدواج در بین دختران دانشجوی»، مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۹۱.

۳. زارع شاه آبادی، اکبر و زکیه سلیمانی، تابستان ۱۳۹۱، «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد»، رفاه اجتماعی، شماره ۴۵.

۴. یوسفی، زهرا و محمدرضا عابدی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، «بررسی اثر بخش آموزش روابط سالم با رویکرد یادگیری اجتماعی بر افزایش آگاهی دختران از روابط آسیب زای دختران و پسران»، اصول بهداشت روانی، شماره ۳۵ و ۳۶.

۵. شهپر، مژگان و منصور سودانی و غلامحسین خدیری، بهار ۱۳۸۸، «اثر بخشی آموزه های دینی برگرفته از داستان حضرت یوسف (ع) به شیوه بحث گروهی بر تغییر نگرش روابط دختر و پسر دانشجویان دختر خوابگاهی مقطع کاردانی فنی و حرفه ای شهرستان اهواز»، پژوهش های مشاوره، شماره ۲۹.

۶. امانی، ملاح و اسماعیل شیری، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۹۱، «نگرش و رفتار دانشجویان نسبت به روابط قبل از ازدواج دختر و پسر»، مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.

۷. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه.

۸. میرزا حسین نوری (۱۹۸۷)، مستدرک الوسائل، بیروت، انتشارات مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

۹. من لایحضره الفقیه.

۱۰. «جوانان، خانواده و جامعه پذیری (نقش خانواده در نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت دختر و پس قبل از ازدواج)»



دانشگاه در کلام امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

یکم) اهمیت دانشگاه

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):
«دانشگاه انصافاً مسئله مهمی است... و ما به این اهمیت از بن دندان معتقدیم. اگر ما دانشگاه را امروز نداشته باشیم، پس فردا هیچ چیز نداریم و مجبوریم به طرف این و آن دست دراز کنیم؛ امروز برای گندممان، برای آهن‌مان،

دانش تنها فایده ندارد، بلکه دانش و تعهد باهم‌اند که می‌توانند انسان را به‌جایی برسانند که محتاج دیگران نباشد و پیش خدا آبرومند باشد.

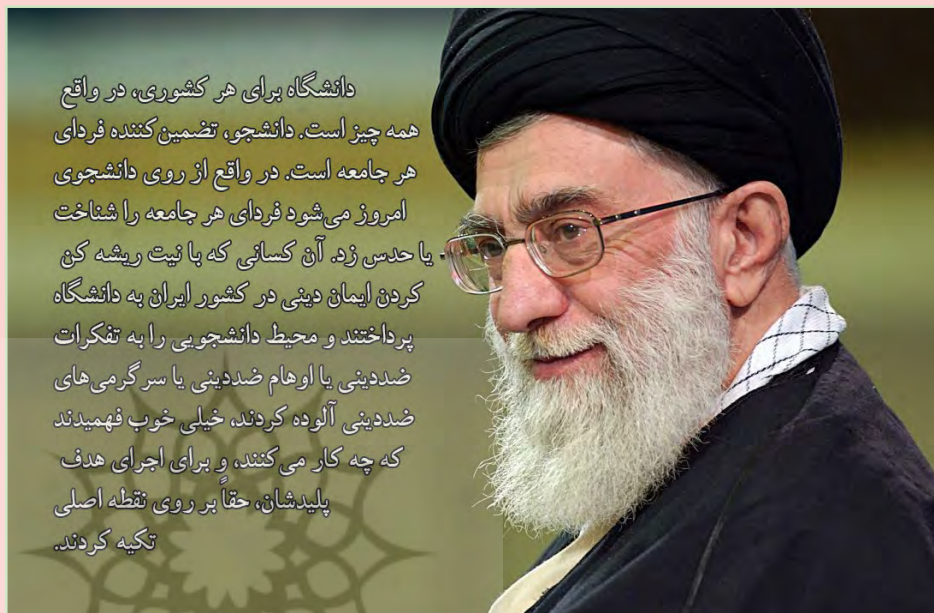
برای ماشین‌آلاتمان به دیگران مراجعه می‌کنیم و گدایی می‌کنیم، فردا برای کسی که این آهن‌آلات را برای ما سرهم و سوار هم بکنند، باید از دیگران گدایی بکنیم، یعنی سازندگی مملکت برای آینده، دیگر یک افسانه و یک سراب بیش نخواهد بود. البته اینهایی که من مثال زدم، مسائل فنی و سازندگی‌های فنی است؛ سازندگی‌های معنوی و فرهنگ و معارف و این قبیل چیزها، دیگر بدتر. این است که دانشگاه را شوخی نباید گرفت.»

دوم) نقش دانشگاه در جامعه

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):
«درست است که محیط‌های اسلامی و انقلابی زیاد است محیط‌های شهری کسب و کار، محیط کارگری، محیط حوزه علمیه و محیط‌های گوناگون دیگر - اما هیچ‌کدام از این محیط‌ها مشغول ساختن انسان‌هایی نیست که با تخصص و دانش خودشان، باید در فردای این مملکت، چرخ‌های زندگی را حرکت بدهند. البته از این جهت، حوزه علمیه مختصراً وجه شباهتی با دانشگاه دارد؛ اما آن هم باز تفاوت‌های خیلی زیادی دارد. در امر اداره آینده کشور، دانشگاه جلوتر و مهم‌تر است. دانشگاه است که مدیران و سیاسیون و مهندسان آینده کشور را تربیت می‌کند؛ متخصصان و دانشمندانی که باید در زمینه‌های مختلف زندگی - از صنعت و کشاورزی و تسلیحات و از همه شئون جامعه - کشور را در فردا اداره کنند، دارد تربیت می‌کند. پس ببینید، دانشگاه این قدر مهم است. اگر حقیقتاً دانشگاه جایی شد که

در آن تربیت دینی به درستی انجام بگیرد، می‌توان اطمینان پیدا کرد که فردا مدیران کشور و همه کسانی که چرخ‌های کشور در دستشان است، اسلامی هستند و با دید و نگرش اسلامی حرکت می‌کنند».

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):
«دانشگاه برای هر کشوری، در واقع همه چیز است. دانشجو، تضمین‌کننده فردای هر جامعه است. در واقع از روی دانشجوی امروز می‌شود فردای هر جامعه را شناخت یا حدس زد. آن کسانی که با نیت ریشه کن کردن ایمان دینی



دانشگاه برای هر کشوری، در واقع همه چیز است. دانشجو، تضمین‌کننده فردای هر جامعه است. در واقع از روی دانشجوی امروز می‌شود فردای هر جامعه را شناخت یا حدس زد. آن کسانی که با نیت ریشه کن کردن ایمان دینی در کشور ایران به دانشگاه پرداختند و محیط دانشجویی را به تنکرات ضددینی یا اوهام ضددینی یا سرگرمی‌های ضددینی آلوده کردند، خیلی خوب فهمیدند که چه کار می‌کنند، و برای اجرای هدف پلیدشان، حقا بر روی نقطه اصلی تکیه کردند.

در کشور ایران به دانشگاه پرداختند و محیط دانشجویی را به تنکرات ضددینی یا اوهام ضددینی یا سرگرمی‌های ضددینی آلوده کردند، خیلی خوب فهمیدند که چه کار می‌کنند، و برای اجرای هدف پلیدشان، حقا بر روی نقطه اصلی تکیه کردند».

سوم) رسالت و کارکردهای دانشگاه

• دانشجویان در دانشگاه‌ها بایستی رسالت دانشجو را درک کنند. رسالت دانشجو، استفاده از محیط دانشگاه برای درس خواندن و یادگرفتن و رشد پیدا

کردن است. رسالت استاد، درس گفتن است.

• در یک نظام، دانشگاه تولیدکننده است، و همه‌جا مصرف‌کننده. دانشگاه چه چیزی تولید خواهد کرد؟ آن چیزی را که دستگاه‌های دیگر و کل این نظام مصرف می‌کنند.

• دانشجو در محیط دانشگاه دو نوع سازندگی را برای خودش باید حتمی و لازم بداند و بشمرد: سازندگی علمی، و سازندگی اخلاقی و فکری. سازندگی علمی، در همین کلاس‌ها و با همین درس‌ها و در محضر همین اساتید است، و کار و تلاشی که خود شما با مطالعه و بحث و فحص و تحقیق باید انجام بدهید. جامعه شما و فردای این کشور، بلکه جهان به خصوص جهان اسلام، به این کار نیازمند است... سازندگی دوم، اخلاقی و معنوی و فکری است...
• در رژیم گذشته، محیط دانشگاه به عنوان محیط بی‌دینی و رها بودن از تقلیدات شرعی تلقی شده بود؛ حتی آدم‌های متوسط دینی هم که به اینجا می‌آمدند، احساس می‌کردند که در فرورفتن در کارهای نامشروع، یله و رها و آزادند. آن رژیم هم این روحیه و این تلقی را در جوانان ما بیشتر می‌دمید.

• نگاه دوم به دانشگاه، نگاه به عنوان یک مرکز و یک کانون پیشرو در جامعه است، که همه جای دنیا هم همین‌طور است. دانشگاه، یکی از مراکزی است که نشان‌دهنده و منعکس‌کننده کیفیت فکری و حرکت موجود در جامعه است.

چهارم) محیط دانشگاه

• محیط دانشگاه خواصی دارد که تقریباً از محیط دانشجویی انفکاک‌ناپذیر است...؛ مثلاً یک محیط جوان است، و جوان آسیب‌پذیریش در مقابل مسائل اخلاقی زیاد است... دانشگاه یک محیط باز است و در آن کنترل زیادی بر روی افراد نیست... چیزهایی هست که خصوصیات طبیعی دانشگاه‌هاست و تقریباً از آنها قابل تفکیک نیست، یا به دشواری قابل تفکیک است.

• محیط دانشگاه، محیط روشنفکری است؛ محیط دریچه‌های باز به سوی اندیشه‌های جهانی است؛ محیط تبادل فرهنگ و تبادل علم است؛ محیط در بسته‌ای نیست؛ محیط در بازی است.

• چیزهایی در دانشگاه هست که ذکر دانه‌دانه آنها لزومی ندارد... یک محیط مختلط است، و محیط‌های

مختلط از لحاظ آسیب‌پذیری‌های اخلاقی، آمادگی بیشتری دارند.

• شما برادرانی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنید، مواظب باشید که فضای دانشگاه را آشفته نکنند. خود شما تا پریروز در آنجا دانشجو بودید و می‌دانید که دانشگاه یعنی چه. دانشگاه، یک محیط آشفته‌گی‌پذیر است؛ طبیعتش این است. یعنی تا مادامی که دانشگاه، جای جوانانی در فاصله سنی تقریباً مشخصی است - هفت، هشت، ده ساله - و تا مادامی که در دانشگاه، دانش و به تبع آن روشنفکری، در این سن به این نسل منتقل می‌شود، همواره باید از دانشگاه انتظار برانگیختگی داشت.

برانگیختگی بد نیست - چیز خوبی است - اما در شرایطی هم ممکن است بر این برانگیختگی، آثار بدی مترتب شود. در چنین محیطی که برانگیختگی آسان‌ترین چیز است، هر کسی باید سعی کند که این در آنجا انفجار ایجاد نکند و برانگیختگی بد را زمینه‌سازی ننماید.

• الان این دانشگاه می‌تواند به وسیله‌ای بسیار فعال برای حرکت و امید مردم، برای پشتیبانی از دستگاه و

حکومت و دولت، و به عنوان وسیله‌ای برای روشنگری ذهنی مردم به کار برود؛ همچنین می‌تواند وسیله‌ای برای اغتشاش و ایجاد آشوب و ناامیدی و سرخوردگی باشد. این، بدان معنا نیست که همه دانشجویان این کارها را می‌کنند؛ نه، ممکن است در دانشگاه دو نفر اراده کنند و دوپست نفر کاری را انجام بدهند. طبیعت یک محیط جوان و فعال و بسیار برانگیخته و آماده، این است. نگذارید که در محیط‌های دانشگاه، چیزی از بیرون تزریق کنند.

پنجم) اصلاح دانشگاه

امام خمینی (ره): «دانش تنها فایده ندارد، بلکه دانش و تعهد باهم‌اند که می‌توانند انسان را به جایی برسانند که محتاج دیگران نباشد و پیش خدا آبرومند باشد. البته این کار مشکلات و ناگواری‌هایی دارد، هرکس بخواهد کار مثبتی انجام دهد، این‌طور نیست که همه از آن کار خوششان بیاید و آن را بپسندند. ممکن است کار حقی هم در ذایقه دسته‌ای تلخ بیاید، ولی کسی که دنبال حق می‌رود و برای رضای خدا کار می‌کند، نباید به فکر این باشد که به

او چه گفته‌اند، یا چه می‌گویند؛ باید خدا را در نظر بگیرد و برای خدا کار کند. هرکس هرچی می‌خواهد بگوید، کار خوب هم مخالف دارد. شما فکر این باشید که کارتان خوب و پیش خدا آبرومند باشد، وقتی در این فکر بودید، خدا هم شما را همراهی می‌کند و مشکلاتتان را اصلاح می‌نماید که اگر دانشگاه اصلاح شد، کشور اصلاح می‌شود».

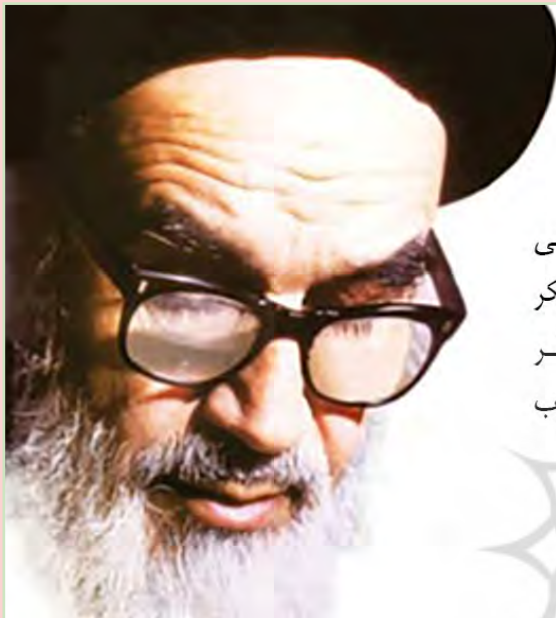
امام خمینی (ره): «دانشگاهی که حق نداشت از مصالح ایران و اسلام صحبت کند، دانشگاهی که نماز خواندن در آن عیب بود، دانشگاهی که تمام گرفتاری‌های ما منشأش در آن بود، دانشگاه نبود. شما باید کوشش کنید و دانشگاه را اصلاح کنید و احساس کنید که اسلام است که می‌تواند دانشگاه را اصلاح کند و اصلاح دانشگاه زمانی آسان است که فرزندانمان را از دوره دانش‌آموزی زیر نظر بگیریم که اگر فرزندانمان در کودکی درست تربیت شدند، دانشگاه زحمتش کمتر می‌شود». مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «اگر دانشگاه اصلاح بشود، آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. دانشگاه، نقطه

اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح بشود، آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد بشود، سرنوشت آن جامعه فساد است. این فسادی که در دانشگاه فرض می‌کنیم، ممکن است فساد اخلاقی باشد، یا فساد علمی. فساد علمی معنایش این است که در دانشگاه، نه معلم برای درس دادن و یاد دادن دلسوزی کند، نه متعلم و دانشجو برای یادگرفتن دلسوزی کند. نتیجه، بی‌سواد بار آمدن، بدفهمیدن و عدم رشد استعدادها است. فساد اخلاقی معنایش این است آنکه درس می‌خواند یا نمی‌خواند، از لحاظ اخلاقی، شرافت و شرف و غیرت و انگیزه و ایمان لازم را در خود پرورش ندهد. این هم نتیجه‌اش با شق اول یکی است؛ شاید هم گاهی بدتر». «دانشگاه وابسته به غرب، دانشگاه متکی به اراده و فرهنگ دیگران، نمی‌تواند برای یک فرهنگ مفید باشد. هزاران دکتری که آمدند، بچه‌هایی را نجات دادند، مریض‌هایی را شفا دادند؛ هزاران مهندسی که ده‌ها هزار ساختمان ساختند، اینها را می‌دانیم. مسئله و مشکل یک ملت، اینها که نیست.

دانشگاه وابسته به غرب، دانشگاه متکی به اراده و فرهنگ دیگران، نمی‌تواند برای یک فرهنگ مفید باشد. این، دو عنصر اصلی است».

نششم) اهمیت سالم‌سازی دانشگاه

امام خمینی (ره): «الآن که شما بخواهید دانشگاه را برای پذیرفتن معلم، پذیرفتن شاگرد مهیا کنید، یک عده زیادی چهره‌هایشان را از آنی که هستند برمی‌گردانند به یک چهره‌های اسلامی و خودشان را در دانشگاه به عنوان معلم، به عنوان مثلاً شاگرد جا می‌زنند. این را باید یک فکری برایش بکنید. همه مسلمانند و همه متقی، همه با این نهضت اسلامی موافق، لکن سوابقشان را باید الآن ملاحظه کرد؛ یعنی، بنابراین باشد که یک گروه‌هایی [باشند] برای رسیدگی به سوابق معلم‌ها، به سوابق اینهایی که می‌خواهند مثلاً وارد بشوند، تا دوباره این مرکز تجمع افرادی [نشود] که آنجا بیایند و قضیه تحصیل نباشد و قضیه جهات سیاسی باشد و این‌طور چیزها. و یک جهت هم اینکه در دانشگاه این مسائلی که قبلاً موجب شد دانشگاه به این فسادی که دیدید



ممکن است کار حقی هم در ذایقه دسته‌ای تلخ بیاید، ولی کسی که دنبال حق می‌رود و برای رضای خدا کار می‌کند، نباید به فکر این باشد که به او چه گفته‌اند، یا چه می‌گویند؛ باید خدا را در نظر بگیرد و برای خدا کار کند. هر کس هرچی می‌خواهد بگوید، کار خوب هم مخالف دارد.

اشخاص صحیح باشند و بعد هم که باز می‌شود، یک بازرسی‌هایی لازم است به اینکه در همه‌جا حاضر باشند؛ برای اینکه معلمین یا دانشجوها چه جور برخورد دارند و غیر برنامه درسیشان چه حرف‌ها آنجا هست؛ چه چیزها آنجا مطرح می‌کنند. اگر دیدند چیزهایی انحرافی است، اطلاع بدهند و یک سازمانی باشد برای اینکه اگر هریک از معلمین یک همچو کاری بخواهند بکنند، [بررسی] بشود. اگر مثلاً گروه‌ها بخواهند در دانشگاه باز این بساط را درست کنند، حاضر باشند

این است این معلم [هایی] که الان می‌آیند و اظهار چه می‌کنند و شهادت می‌دهند و می‌گویند ما مسلمان و چه هستیم، به این اکتفا نشود؛ سوابق این دیده بشود که این چطور آدمی بوده است؛ چکاره بوده است؛ در دانشگاه که بوده چه می‌کرده، چه درس می‌داده؛ چه جور برخورد می‌کرده با جوان‌ها و چه توطئه‌ها داشته یا نداشته. این مسائل خیلی باید بررسی بشود که دانشگاه وقتی باز می‌شود، یک دانشگاهی باشد که حالا صد در صد نشد، [طوری] باشد که اشخاص

کشانده شود، این را یک فکری بکنید برایش که مرکز اشخاص یا گروه‌هایی که می‌خواهند فعالیت گروهی بکنند، نباشد. دانشگاه مرکز تحصیل است و مرکز آموزش است و آموختن است؛ نه مرکز اینکه یک گروهی بیایند برای خودشان یک کاری انجام بدهند. بعد از شش ماه دیگر باز همان مسائل برگردد؛ همان فساد در کار باشد. آن وقت هم باز بخواهید از سر بگیرید، مشکلات زیادتری پیدا بشود. از اولی که بناست دانشگاه باز بشود و بناست معلم پذیرفته بشود، مهم

یک اشخاصی برای این که مانع از این امور بشوند. شما هرچه اصلاح بکنید، وقتی افراد غیرصالح آمدند، اصلاحات را به هم می‌زنند. اصلاحات در یک محیطی که افراد غیرصالح نباشند... گروه‌هایی نمی‌خواهند درس بخوانند؛ اصلاً می‌خواهند به هم بزنند. یک اشخاصی هستند که واقعا مطلع بر مسائل نیستند؛ درست ملتفت به مصالح و مفاسد نیستند، این‌ها را وقتی آوردند برای تعلیم و تربیت، می‌شود تربیت کرد. اما یک گروه‌هایی هستند که اصلاً مصالحشان این‌ها نیست؛ مصالحشان این است که دانشگاه را به یک صورتی درآورند که هم آنهایی که دانشجو هستند، درست [کسب] دانش نکنند و وارد بشوند در یک گروه‌های انحرافی و به هم بزنند اوضاع را».

هفتم) تهاجم فرهنگی در دانشگاه

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «در همه جا، از جمله در دانشگاه‌ها، آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است. این مسئله "تهاجم فرهنگی" که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی

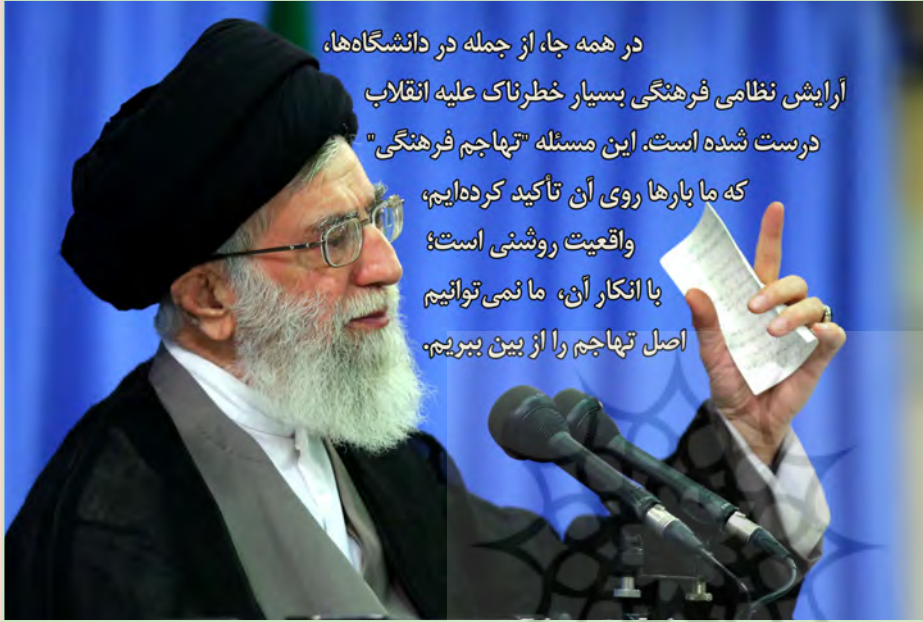
است؛ با انکار آن، ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. "تهاجم فرهنگی" را نباید انکار کرد؛ وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین(ع): "من نام لم ینم عنه؛ اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنت هم در سنگر مقابل خوابش برده است. تو خوابت برده؛ سعی کن خودت را بیدار کنی. ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است؛ کما اینکه اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است».

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی): «من یادم می‌آید که در اوایل جنگ، گزارش‌هایی می‌رسید که مثلاً دشمن تا فلان جا آمده است؛ دشمن دارد فلان جا را بمباران می‌کند؛ مکرر هم از طرف نیروهای حزب‌اللهی در محیط‌های گوناگون انقلابی، این مطلب تکرار می‌شد. آن بنده خدایی که مسوولان نیروهای مسلح بود، انکار می‌کرد و می‌گفت دروغ است؛ اصلاً چه کسی می‌گوید که عراق دارد به ما حمله می‌کند؟! در بین مردم شایع شده است که عین خوش را گرفته‌اند؛ او به آنجا رفت و از تلویزیون با او

مصاحبه کردند؛ گفت: می‌گویند عین خوش را گرفته‌اند؛ من الان دارم در عین خوش مصاحبه می‌کنم! او از عین خوش بیرون آمد؛ اما سه، چهار ساعت بعد، دشمن عین خوش را گرفت! بله، دشمن بیرون عین خوش بود - در عین خوش نبود - اما این به معنای آن نبود که دشمن نیست.

... ما ناپستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم. در دانشگاه در بیرون دانشگاه حتی در رسانه‌های جمعی در کتاب‌های که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتاً شما آقایان - که عناصری فرهنگی هستید - می‌شنوید، همه جا یک آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد.

... این، آن چیزی نیست که مثلاً از صد سال قبل بوده است. بله، از صد سال قبل هم تهاجم فرهنگی علیه اسلام بود؛ اما وقتی که انسان با یک دشمن خواب آلوده روبه‌روست، آرایش نظامی یک نوع است؛ وقتی با یک



در همه جا، از جمله در دانشگاه‌ها،

آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب

درست شده است. این مسئله "تهاجم فرهنگی"

که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم،

واقعیت روشنی است؛

با انکار آن، ما نمی‌توانیم

اصل تهاجم را از بین ببریم.

شما آقایان - آنی که برای شما فایده دارد، این است که انگیزه‌تان این باشد که این دانشگاه را ببرید طرف اسلام، الاهی‌اش کنید.

هر درسی می‌خواهند بخوانند مانع ندارد، درس‌هایی که [مفید] است، اسلام با همه [درس‌ها]، الا بعضی از درس‌ها استثنا کرده، با همه موافق است. اما آنی که برای ماها فایده دارد، این است که ما بخواهیم همین اسلامی بودن را الاهی‌اش کنیم، بخواهیم الاهی باشد این کار ما، برای خدا کار بکنیم، این

وقتی که ما می‌بینیم مثلاً یک سلسله کار بر مبنای حذف شخصیت و ارزش روحانیت در محیط سیاسی یا در محیط دانشگاهی شروع می‌شود، این کار، یک کار ساده و یک کار فقط صنفی نیست».

هشتم) انقلاب فرهنگی و اسلامی

کردن دانشگاه

امام خمینی (ره): «در انقلاب فرهنگی، آنی که برای شما فایده دارد - یک‌وقت برای مملکت فایده دارد، یک‌وقت برای دانشجویها فایده دارد، یک‌وقت برای

دشمن بیدار روبه روست، آرایش نظامی نوع دیگر می‌شود. آن روز عالم اسلام، خواب آلوده، بلکه تحذیر شده و مست بود؛ اصلاً گاهی دشمن به او ضربه می‌زد، یک سوزن در رگش فرو می‌کرد و چیزی تزریق می‌کرد؛ تمام می‌شد می‌رفت؛ اما الان اسلام بیدار است؛ دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است؛ مثل قهرمانی در میدان است؛ یک خاطره تمام نشدنی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد؛ این همه ذخیره انقلابی دارد؛ این همه جوان خوب دارد؛ اینها شوخی نیست.

... امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما، آن ژست و آرایش نظامی صدسال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی‌گیرد. ما باید آرامش جدید دشمن را بشناسیم؛ اگر نشناختیم و خوابیدیم، از این رفته‌ایم؛ همان "من نام لم ینم عنه" است... . مرد جنگ باید بیدار باشد؛ و اگر تو خوابیدی، لازمه‌اش این نیست که حتماً دشمن تو در سنگر مقابل خوابیده باشد؛ و ممکن است بیدار باشد. این معنا در دانشگاه هم صدق می‌کند؛ گاهی هم متأسفانه این کار به وسیله خودی‌ها انجام می‌گیرد.



دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می گیرد. دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می گیرد.

امام خمینی
ره

قدرتش است، قدرت نداشته بیشتر از این؛ اما پیش خدا این ارزشش با آن کسی که قدرت داشته، مثل هم می ماند».

«دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می گیرد. دانشگاه را باید جدیت کرد، جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید، دانشگاه را اسلامی اش کنید. مملکت ما برای اسلام زحمت کشیده است و باید برای اسلام زحمت

بکشد و می کشد و همه چیزش باید اسلامی بشود. همین توقع نباشد که دولت اسلامی باشد؛ خیر، همه چیز باید اسلامی بشود. همه قشرها باید قشر اسلامی باشد».

«قضیه دانشگاه از اهم امور است، همان طوری که برای دشمنان ما و برای آنها که می خواهند افکار جوانان ما را منحرف کنند هم مهم است؛ چون دانشگاه مرکز همه چیز است، حتی تشکیل دولت. و باید این مسئله را دنبال کنیم که دانشگاه اسلامی شود تا برای کشور ما مفید گردد و باید سعی شود که تا دانشگاه به یکی از دو قدرت گرایش پیدا نکند و این به صرف وقت و نظارت کامل احتیاج دارد و باید توجه داشت تا بعد از بازگشایی، مبادا افراد منحرف با تزریق مسائل انحرافی، افکار جوانان ما را فاسد بکنند و برای نظارت بر این موضوع، احتیاج به افراد بسیاری است. امیدوارم دانشگاهی داشته باشیم که به درد ملت بخورد و برای تحقق این امر لازم است از افراد متخصص متعهد و در صورت کمبود از متخصصین غیرمخالف با جمهوری اسلامی استفاده نمایید».

«اشکال ما این است که مواجهه

هستیم با اشخاصی که بدون توجه به مشکلات و بدون توجه به خواست‌های ملت، به مجرد اینکه گفته می‌شود که فلان مرکز باید اسلامی باشد، آنها می‌گویند یعنی تخصص نباشد. اینها می‌خواهند که به دنیا ارائه بدهند که اسلام با علم و تخصص مخالف است، در صورتی که آیات قرآن کریم آن قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در سراسر کتب دیگر نباشد. اسلام باتخصص، باعلم، کمال موافقت را دارد، لکن تخصص علمی که به خدمت ملت باشد؛ در خدمت مصالح مسلمین باشد. یک صحبت این است که ما متخصص نمی‌خواهیم، این را به‌طور تبلیغات نسبت می‌دهند به بعضی - مثلاً - مسلمین که وقتی می‌گویند باید در دانشگاه، انقلاب فرهنگی بشود و باید دانشگاه‌ها اسلامی باشد، اینها از این فوراً منتقل می‌کنند مطلب را به اینکه دانشگاه‌ها دیگر طبیب لازم ندارد، متخصص طب نمی‌خواهد متخصص صنعت‌های پیشرفته نمی‌خواهد، فقط باید بروند آنجا و مسائل و احکام اسلامی را بگویند. این از شیطنتهایی است که شاید از

بعضی از افراد و گروه‌ها نسبت به اسلام و انجمن‌های اسلامی که گفته می‌شود و در خصوص انقلاب فرهنگی، این‌طور تبلیغات می‌شود. این‌ها نمی‌دانند که مقصود ما که می‌گوییم باید تمام گروه‌ها تمام نهادها و به‌خصوص دانشگاه‌ها که مرکز علم است و مغز متفکر جامعه است، ما که می‌گوییم باید اینها اسلامی باشد، نمی‌گوییم که ما احتیاج به متخصص نداریم. تا آنجا اسلام کوشش دارد برای متخصص که در احکام عادی هم، در احکام شرعی هم، متخصص‌تر را میزان قرار داده است، رأی متخصص‌تر را میزان قرار داده است.»
مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
«بعد از انقلاب، برای انقلاب فرهنگی - به معنای برگرداندن محیط دانشگاه به جهت‌گیری اسلامی - واقعاً تلاش مشکوری شده است. تعدادی از اساتید، تعدادی از دانشجویان و تعدادی از مسئولان گوناگون، واقعاً کارهایی کردند که جزو ذخایر جاودانه آنها پیش خدا و پیش این ملت است. این کارها تماماً مشکور، لیکن نیمه تمام است؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی باید یکی از اهم وظایف و واجبات خودش را این

قرار بدهد که ما چه کنیم تا محیط دانشگاه، محیطی باشد که در آن پرورش دانشجو، دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه بانشاط دانشجویی باشد. این، یکی از کارهایی است که شما باید بکنید؛ اگر شما نکردید، دشمنان این ملت، نقطه مقابلش را خواهند کرد؛ کما اینکه الان هم دارند می‌کنند؛ البته طرق مختلفی دارند.»
«محیط دانشگاه، باید محیطی دینی باشد. باید این را تأمین کنیم و این نمی‌شود، مگر اینکه شما که رؤسا و مسئولان دستگاههای دانشگاهی کشور هستید - بیش از همه، آقای وزیر و معاونان ایشان و بعد هم رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها - صددرصد با تعصب دینی و انقلابی و پایبندی شدید و اصرار بر اینکه باید دین حاکمیت پیدا کند و چتری بر زندگی محیط دانشگاه بزند، این هدف را تعقیب کنید. از کلمه تعصب نترسید. تعصب جاهلی بد است. عصبیتی که از روی جهالت نباشد، خیلی هم خوب است. عصبیت، معنایش جهالت نیست.»
«نکته بعدی، مسئله تربیت و فضای دینی و فرهنگی در دانشگاه‌هاست؛ این

بسیار چیز مهمی است و کشور به این مسئله احتیاج دارد. گویی این طور باور شده که اگر کسی یا جوانی به دانشگاه آمد، باید از لحاظ رتبه دینی و فرهنگی تنزل کند و از دانشگاه بیرون بیاید! چرا عکس این قضیه اتفاق نیفتد؟ دانشگاه طوری باشد که وقتی جوان فارغ‌التحصیل دبیرستان به دانشگاه آمد و از آن بیرون آمد، از لحاظ عمیق دینی و رعایت دینی و اخلاق دینی پیشرفت کرده باشد؛ این را اصل قرار بدهید؛ این باید بشود. کجا بهتر از دانشگاه و زمینه بسیار نورانی دل دانشجویان جوان؟ شما می‌بینید امروز چقدر تلاش می‌شود که جوانان ما را از دین و از مظاهر دینی دور کنند. شما دانشگاه ما را می‌بینید؛ آن اعتکافش است و آن نماز جماعتش است. به من یک گزارشی از نماز جماعت دانشگاه‌ها دادند؛ متوسط حضور دانشجویان در نماز جماعت در دانشگاه‌ها از همه جای کشور بیشتر است؛ البته غیر از صحن‌های مطهر و مسجد گوهرشاد و آنجایی که زواری هست. اما مثلاً کوچه، بازار، خیابان و مسجد محله که مرکز متدین‌هاست، دانشجویان دانشگاه‌ها بیشتر از آنها در نماز جماعت

شرکت می‌کنند. این، خیلی حرف مهمی است. و اینکه از دانشجویها هم در اعتکاف‌ها - آنهایی که در مساجد دانشگاه‌ها یا در مساجد دیگر هستند - شرکت می‌کنند. دل دانشجو، دل خیلی خوبی است؛ ما باید به حال دانشجو غبطه بخوریم؛ یعنی بنده که غبطه می‌خورم. دل‌های پاک و نورانی، آن وقت همراه با معرفت؛ این دیگر آن جوان عوام هیچ چیز ندان نیست. دل او با نور علم هم روشن است، آن وقت پاک و صاف هم هست. باید کاری کنیم که عوامل دورکننده جوان از محیط دینی و تربیت دینی و اخلاق دینی کم اثر بشود. همه یک‌جور نیستند و خانواده‌ها و پدرمادرها مختلف هستند و تأثیراتی هم هست. کاری کنیم که این تأثیرات به حداقل برسد.»

«محیط را محیطی بکنید که حزب‌اللهی در آن محیط رشد کند. دشمنان ما در تبلیغات دنیایی، سعی می‌کنند حزب‌اللهی را چهره بدی نشان بدهند. حزب‌اللهی را عبارت اخری یک آدم بی‌همه‌چیز و یک لات تصور می‌کنند! نخیر، خود این آقای دکتر فاضل، یک حزب‌اللهی است.

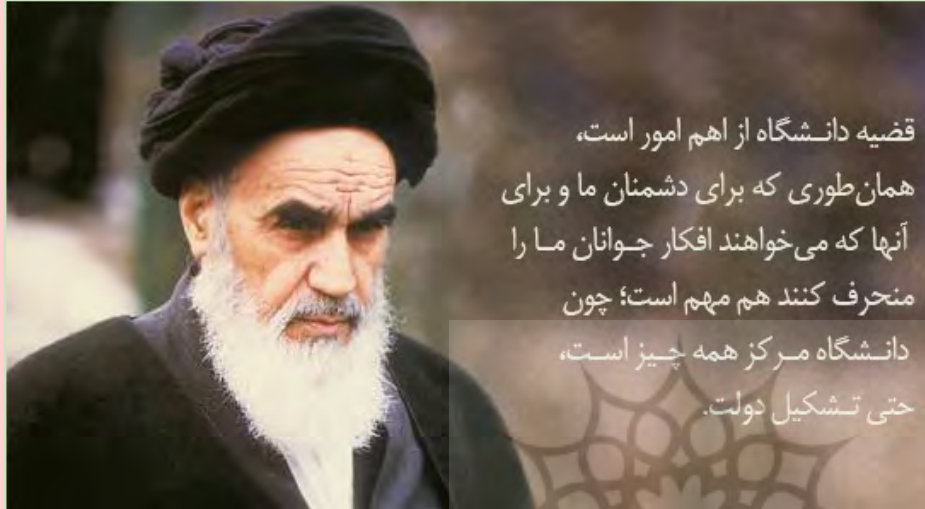
حزب‌اللهی، یعنی این. حزب‌اللهی، یعنی آنکه در خدمت خداست و هیچ وابستگی تشکیلاتی سیاسی، جز وابستگی به انقلاب و اساس انقلاب - که اراده‌الاهی است - ندارد. اوایل هم آن لیبرال‌ها خیلی تلاش می‌کردند این عنوان را خراب کنند. من یادم می‌آید همان وقت هم اتفاقاً یک پزشک در هیئت دولت، اول کسی بود که من دیدم با افتخار گفت: این قدر می‌گویند حزب‌اللهی، من خودم یک حزب‌اللهی‌ام. آن هم یک پزشک بود که در یک رتبه بالای دولتی بود.»

نهم) مفهوم اسلامی شدن دانشگاه

امام خمینی (ره): «... بعضی گمان کردند که کسانی اصلاح دانشگاه‌ها را می‌خواهند و می‌خواهند دانشگاه‌ها اسلامی باشد، این است که گمان کردند که - این اشخاص توهم کردند که - علوم دو قسم است: هر علمی دو قسم است. علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی. علم فیزیک یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی. از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیراسلامی ندارد و بعضی

توهم کردند که اینها که قائل اند به اینکه باید دانشگاه‌ها اسلامی بشود؛ یعنی فقط علم فقه و تفسیر و اصول در آنجا باشد؛ یعنی همان شأنی را که مدارس قدیمه دارند، باید در دانشگاه‌ها هم همان تدریس بشود.

اینها اشتباهاتی است که بعضی می‌کنند، یا خودشان را به اشتباه می‌اندازند. آنچه ما می‌خواهیم بگوییم این است که دانشگاه‌های ما، دانشگاه‌های وابسته است. دانشگاه‌های ما دانشگاه‌های استعماری است. دانشگاه‌های ما اشخاصی را که تربیت می‌کنند، تعلیم می‌کنند، اشخاصی هستند که غربزده هستند. معلمین بسیاری‌شان غربزده هستند و جوان‌های ما را غربزده بارمی‌آورند. ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما یک دانشگاه‌هایی که برای ملت ما مفید باشد، نیست. ما بیشتر از پنجاه سال است که دانشگاه داریم، با بودجه‌های هنگفت کمرشکن که از دسترنج همین ملت حاصل می‌شود و در این پنجاه سال نتوانستیم در علوم که در دانشگاه‌ها کسب می‌شود خودکفا باشیم. ما بعد از پنجاه سال اگر



قضیه دانشگاه از اهم امور است، همان طوری که برای دشمنان ما و برای آنها که می‌خواهند افکار جوانان ما را منحرف کنند هم مهم است؛ چون دانشگاه مرکز همه چیز است، حتی تشکیل دولت.

بخواهیم یک مرضی را معالجه کنیم، اطبای ما بعضی‌هایشان یا بسیاریشان می‌گویند این باید برود به انگلستان؛ پنجاه سال دانشگاه داشتیم و طبیعی که بتواند کفایت از ملت بکند، از احتیاج ملت بکند، به حسب اقرار خودشان نداریم. ما دانشگاه داشتیم و داریم و برای تمام شئونی که یک ملت زنده لازم دارد، احتیاج به غرب داریم. ما که می‌گوییم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد و اسلامی باشد، نه این است که فقط علوم اسلامی را در آنجا تدریس کنند. نه اینکه علوم دو قسم‌اند. هر علمی دو قسم است: یکی اسلامی و یکی غیر

اسلامی. ما می‌گوییم که در این پنجاه سال یا بیشتر که ما دانشگاه داریم، فرآورده‌های دانشگاه را برای ما عرضه دارید. ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما، مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است. ما می‌گوییم که دانشگاه ما مبدل شده است به یک میدان جنگ تبلیغاتی. ما می‌گوییم که جوان‌های ما اگر علم هم پیدا کردند، تربیت ندارند. مربی به تربیت اسلامی نیستند. آنهایی که تحصیل می‌کنند، برای این است که یک ورقه‌ای به دست بیاورند و بروند و سربار ملت بشوند. آن‌طور نیست که به حسب احتیاجات ملت، به حسب احتیاجاتی که کشور ما دارد، دانشگاه

به آن ترتیب رفتار کند و نگذارد این نسل‌های بزرگ و این جوان‌های بسیار عزیز به هدر بروند و قوای آنها به هدر برود. در این پنجاه سال قوای ما را به هدر بردند یا به خدمت خارجی‌ها و ادار کردند. معلمین مدارس ما، معلمین اسلامی به حسب نوع نیست و تربیت در کنار تعلیم نبوده است و لهذا آن چیزی که از دانشگاه‌های ما بیرون آمده است، یک انسان متعهد، یک شخصی که برای مملکت خودش دلسوز باشد و تمام نظرش به این نباشد که منافع خودش را به دست بیاورد، ما نداریم. ما که می‌گوییم باید بنیادا این‌ها تغییر بکند، می‌خواهیم بگوییم که دانشگاه‌های ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند، در خدمت ملت باشند، نه در خدمت اجانب. ما معلمینی که در مدارس ما، اساتیدی که در دانشگاه‌های ما هستند، بسیاری از آنها در خدمت غرب‌اند. جوان‌های ما را شست‌وشوی مغزی می‌دهند. جوان‌های ما را تربیت فاسد می‌کنند. ما نمی‌خواهیم بگوییم ما علوم جدید را نمی‌خواهیم. ما نمی‌خواهیم بگوییم که علوم دو قسم است که بعضی مناقشه می‌کنند.

عمداً یا از روی جهالت. ما می‌خواهیم بگوییم دانشگاه‌های ما اخلاق اسلامی ندارد. دانشگاه ما تربیت اسلامی و اگر دانشگاه‌های ما تربیت اسلامی و اخلاق اسلامی داشت، میدان زد و خورد عقایدی که مضر به حال این مملکت است، نمی‌شد. اگر اخلاق اسلامی در این دانشگاه‌ها بود، این زدوخوردهایی که برای ما بسیار سنگین است، تحقق پیدا نمی‌کرد. این‌ها برای این است که اسلام را نمی‌دانند و تربیت اسلامی ندارند».

امام خمینی (ره): «اینها باید در هر محلی که هست، محول به هرکسی که هست یا بر هر گروهی که هست، اینها باید هرکسی در محل خودش، هر گروهی در محل خودش، هرکسی در پست خودش، انجام وظیفه زمان جمهوری اسلامی بکند، یعنی باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلامی. تا حالا ما همه چیزمان را تقریباً باید بگوییم غربی بود؛ همه چیز غربی بود. حالا باید، بعد از اینکه ما دست آنها را کوتاه کردیم، این‌طور نباشد که باز دنبال آنها باشیم، همه چیزهای خودمان را فراموش بکنیم و دنباله‌رو غرب یا دنباله‌رو شرق باشیم. باید ما

توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد. اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، این وابستگی‌هایی که جوان‌های ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی درآورده بود، اینها را اگر برگردانیم به حال خودش و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم و خودمان سر پای خودمان بایستیم و کارهای خودمان را خودمان انجام بدهیم و اما اگر چنان‌چه از این معنا غفلت بشود و باز همان خیالات و همان بساط غرب در اینجا باشد، امید اینکه بتوانیم ما مستقل باشیم و بتوانیم آزاد باشیم، آزاد فکر بکنیم، آزاد عمل بکنیم، این امید دیگر نیست».

دهم) دانشگاه متعهد

امام خمینی (ره): «یکی از چیزهایی که اینها باز برایش سینه می‌زنند و جیبه ملی هم در اعلامیه‌اش آورده این است که [دانشگاه چرا باز نمی‌شود. هی دانشگاه! آقا دانشگاه شما را بیرون

داده! این دانشگاه باز بشود، ده بیست سال دیگر یک عده‌ای بیایند، همین‌ها هستند، همین‌که شما می‌دانید! آنها هستند که اسلام را هیچ قبول ندارید؛ احکام اسلام را احکام غیرانسانی می‌دانید! ما می‌خواهیم یک دانشگاهی درست بشود برای ملت. شما با اسم ملت دارید به ضد ملت عمل می‌کنید. این ملت، این جمعیت‌ها هستند که در خیابان‌ها و در بازارها دارند برای اسلام زحمت می‌کشند؛ برای کشور زحمت می‌کشند. ما می‌خواهیم یک دانشگاهی باشد که بعد، مثل شما را بیرون ندهد! یک دانشگاهی که یک آدم متعهد به اسلام را بیرون بدهد. اگر تعهد به اسلام داشته باشد، نه ما را طرف شرق می‌کشد، نه ما را طرف غرب می‌کشد؛ نه آن دید تنگ بعضی از شما را دارد که می‌گوید: ما نمی‌توانیم».

